



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

عنوان طرح:

مطالعه و سنجش مدارای اجتماعی در جامعه و

عوامل موثر بر آن

کد طرح: ۲۴۸۰

پژوهشکده علوم اجتماعی

گروه پژوهشی روانشناسی اجتماعی

معاونت پژوهشی

بهمن ماه ۱۳۹۸

گزارش پایانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

عنوان طرح:

مطالعه و سنجش مدارای اجتماعی در جامعه و عوامل مؤثر بر آن

کد طرح: ۲۴۸۰

مسئول طرح:

علی اکبر سلیمانی

مهرداد فراهتی

پژوهشکده: علوم اجتماعی

گروه پژوهشی: روانشناسی اجتماعی

معاونت پژوهشی

بهمن ماه ۱۳۹۸



مشخصات مسئول و همکاران طرح:

نام و نام خانوادگی	مسئولیت در طرح	تخصص	رتبه علمی	جمع کل نفر ساعت همکاری در طرح
علی اکبر سلیمانی	مجری اول	دکتری روانشناسی	دانشیار	حدود ۲۰۰ ساعت
مهرزاد فراهتی	مجری دوم	دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی	مربی پژوهش	حدود ۲۰۰۰ ساعت
فرشته سادات درت التاج تهرانی	همکار	کارشناسی ارشد مشاوره	غیر جهادی	حدود ۵۰ ساعت

چکیده فارسی:

مقدمه: در جامعه امروز، با گسترش ارتباطات مردمان سراسر دنیا به تعامل مداوم و وسیع با یکدیگر نیاز دارند. برای اداره این تعاملات و تفاوت‌های بین افراد، راه‌های متفاوتی وجود دارد، یکی از این راه‌ها مداراست. مدارا به عنوان فضیلتی اجتماعی امکان همزیستی صلح آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند. هدف از انجام پژوهش حاضر مطالعه و سنجش مدارای اجتماعی در جامعه و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ روش پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کلیه شهروندان ۱۵ تا ۷۰ ساله شهر تهران هستند که ۶۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های محقق ساخته که روایی و پایایی آن در پژوهش‌ها مورد تایید قرار گرفته است استفاده شد که شامل پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی، مدارای اجتماعی شارع پور و همکاران (۱۳۸۸)، دینداری کلارک و استارک (۱۹۶۵)، اعتماد اجتماعی صفاری نیا و شریف (۱۳۸۹)، مشارکت اجتماعی انتصاری (۱۳۸۷)، جزم اندیشی مقتدایی (۱۳۸۹) و پرسشنامه فردگرایی - جمع‌گرایی (تریانیدیس و گلغاند، ۱۹۹۸) می‌باشند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که میزان مدارای اجتماعی شهروندان شهر تهران در حد متوسط می‌باشد. همچنین مدارای اجتماعی عمومی، مدارای سیاسی و مدارای اخلاقی رفتاری نیز در حد متوسط رو به بالا می‌باشد. رابطه مثبت و معناداری بین مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و فردگرایی وجود دارد و همچنین رابطه منفی و معناداری بین مدارای اجتماعی با متغیر سن، دینداری و جزم اندیشی به دست آمد. ابعاد اعتقادی و تجربی دینداری رابطه مثبت و معنادار و ابعاد پیامدی و مناسکی رابطه منفی و معناداری با مدارای اجتماعی نشان دادند. همچنین مدارای اجتماعی در بین مردان بیشتر از زنان بود. افراد شاغل و افرادی با تحصیلات بالاتر مدارای اجتماعی بیشتری از خود نشان می‌دادند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد متغیر جزم اندیشی با ضریب تاثیر (-۰/۳۰) بیشترین تاثیر را بر مدارای اجتماعی دارد. متغیرهای جزم اندیشی، دینداری، اعتماد اجتماعی و فردگرایی به ترتیب بیشترین تأثیرگذاری را بر مدارای اجتماعی دارند.

نتیجه‌گیری: با توجه به میزان متوسط مدارای اجتماعی در سطح جامعه به نظر می‌رسد برای گسترش بیشتر فرهنگ مدارا و افزایش مدارای اجتماعی در جامعه ایرانی ایجاد تغییر در کلیه سطوح جامعه و به خصوص سطوح مدیریتی ضرورت دارد تا با دوری از جزم اندیشی و ایجاد اعتماد و مشارکت اجتماعی مداراگری به سطح مطلوب تری برسد.

کلمات کلیدی: مدارای اجتماعی، عوامل مؤثر، شهروندان شهر تهران

فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

۳۷ حوزه ی رفتار سیاسی
۳۸ حوزه ی تشریح و قانون گذاری
۳۸ عوامل تعیین کننده مدارا
۳۸ فرضیه تماس
۳۹ فرضیه رقابت
۴۰ فرضیه فراگیری
۴۱ فرضیه تأثیر
۴۱ شبکه‌های اجتماعی
۴۲ تنوع اجتماعی
۴۲ انجمن‌های اختیاری
۴۴ تهدید
۴۵ دین
۴۶ خصوصیات فردی
۴۶ سن
۴۷ تحصیلات
۴۹ عوامل شخصیتی
۵۰ چارچوب نظری پژوهش
۵۳ مدل نظری پژوهش
۵۴ فرضیه‌های پژوهش
۵۴ پیشینه پژوهش
۵۴ پیشینه داخلی
۵۶ پیشینه خارجی
۵۸ تحلیل پیشینه پژوهش
۵۹ تمایز طرح پیشنهادی با پژوهش‌ها و مطالعات پیشین
۶۰ فصل سوم: روش پژوهش
۶۱ روش پژوهش و شیوه گردآوری داده‌ها
۶۱ جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه
۶۱ شیوه نمونه گیری
۶۲ ابزارهای پژوهش
۶۲ پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی
۶۲ پرسشنامه مدارای اجتماعی
۶۲ مدارای اجتماعی
۶۲ گویه‌های سنجش مدارای اجتماعی
۶۳ مدارای سیاسی
۶۳ گویه‌های سنجش مدارای سیاسی
۶۴ مدارای اخلاقی رفتاری
۶۴ گویه‌های سنجش مدارای اخلاقی و رفتاری
۶۴ اعتبار و پایایی پرسشنامه
۶۵ پرسشنامه دینداری
۶۷ اعتبار و پایایی پرسشنامه
۶۷ پرسشنامه اعتماد اجتماعی
۶۸ گویه‌های اعتماد اجتماعی

۶۹	اعتبار و پایایی پرسشنامه
۷۰	پرسشنامه مشارکت اجتماعی
۷۰	گویه‌های مشارکت اجتماعی
۷۱	اعتبار و پایایی پرسشنامه
۷۱	پرسشنامه جزم اندیشی
۷۲	گویه‌های جزم اندیشی
۷۲	اعتبار و پایایی پرسشنامه
۷۲	پرسشنامه فردگرایی - جمع گرایی
۷۲	گویه‌های فردگرایی - جمع گرایی
۷۳	اعتبار و پایایی پرسشنامه
۷۴	تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش
۷۴	مدارای اجتماعی
۷۴	دینداری
۷۵	اعتماد اجتماعی
۷۵	مشارکت اجتماعی
۷۵	جزم اندیشی
۷۶	فردگرایی
۷۶	روش تجزیه و تحلیل داده ها
۷۷	فصل چهارم: یافته‌های پژوهش
۷۸	مقدمه
۷۹	۴-۱. توصیف فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش
۷۹	۴-۱-۱. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت
۸۰	۴-۱-۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن
۸۱	۴-۱-۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب دوره‌های سن
۸۲	۴-۱-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل
۸۳	۴-۱-۵. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس منطقه مورد مطالعه
۸۵	۴-۱-۶. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس قومیت
۸۶	۴-۱-۷. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات
۸۷	۴-۱-۸. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال
۸۸	۴-۱-۹. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت فعالیت
۸۹	۴-۱-۱۰. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مالکیت مسکن
۹۰	۴-۱-۱۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس طبقه اجتماعی
۹۱	۴-۱-۱۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس درآمد
۹۲	۴-۱-۱۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس هزینه ماهیانه
۹۳	۴-۱-۱۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES)
۹۴	۴-۲. توصیف متغیرهای اصلی پژوهش
۹۴	۴-۲-۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مدارای اجتماعی کل
۹۵	۴-۲-۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مدارای اجتماعی عمومی
۹۶	۴-۲-۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مدارای سیاسی
۹۷	۴-۲-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مدارای اخلاقی و رفتاری
۹۸	۴-۲-۵. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس دینداری
۹۹	۴-۲-۶. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس اعتماد اجتماعی

۱۰۰ توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مشارکت اجتماعی
۱۰۱ توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جزم اندیشی
۱۰۲ توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس فردگرایی
۱۰۳ آزمون فرضیه‌های پژوهش
۱۰۳-۱ بین دینداری و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۱۰۳-۱-۲ رگرسیون دینداری و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۲ بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۱۰۳-۲-۱ رگرسیون اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۳ بین مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۱۰۳-۳-۱ رگرسیون مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۴ بین جزم اندیشی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۱۰۳-۴-۱ رگرسیون جزم اندیشی و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۵ بین فردگرایی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۱۰۳-۵-۱ رگرسیون فردگرایی و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۶-۱ بررسی رابطه بین جنس و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۶-۲ بررسی رابطه بین سن و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۶-۳ بررسی رابطه بین وضعیت تاهل و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۶-۴ بررسی رابطه وضعیت تحصیلی و مدارای اجتماعی
۱۰۳-۶-۵ بررسی رابطه بین وضعیت اشتغال با مدارای اجتماعی
۱۰۳-۶-۶ بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES) با مدارای اجتماعی
۱۰۴-۴ تحلیل رگرسیون چندگانه:.....
۱۰۴-۴-۱ رگرسیون چندگانه به روش گام به گام
۱۱۶ فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری
۱۱۷ مقدمه
۱۱۷ خلاصه یافته‌های توصیفی:.....
۱۲۰ یافته‌ها در چارچوب فرضیه‌های پژوهش
۱۲۶ رابطه جنسیت و مدارای اجتماعی
۱۲۷ رابطه سن و مدارای اجتماعی
۱۲۷ رابطه تحصیلات و مدارای اجتماعی
۱۲۸ رابطه پایگاه اجتماعی اقتصادی و مدارای اجتماعی
۱۲۹ رابطه وضعیت تاهل و مدارای اجتماعی
۱۲۹ رابطه وضعیت شغلی و مدارای اجتماعی
۱۲۹ نتیجه‌گیری
۱۳۱ پیشنهادات و راهکارها جهت افزایش مدارای اجتماعی
۱۳۴ فهرست منابع فارسی
۱۳۶ فهرست منابع انگلیسی

چکیده انگلیسی

فهرست جداول

جدول ۱-۱-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت ۷۹

جدول ۱-۲-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سن ۸۰

جدول ۱-۳-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب دوره‌های سنی ۸۱

جدول ۱-۴-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت تأهل ۸۲

جدول ۱-۵-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس منطقه مورد مطالعه ۸۳

جدول ۱-۶-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس قومیت ۸۵

جدول ۱-۷-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس تحصیلات ۸۶

جدول ۱-۸-۴. توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر اساس وضعیت اشتغال ۸۷

جدول ۱-۹-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت فعالیت ۸۸

جدول ۱-۱۰-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مالکیت مسکن ۸۹

جدول ۱-۱۱-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس طبقه اجتماعی ۹۰

جدول ۱-۱۲-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس درآمد ۹۱

جدول ۱-۱۳-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس هزینه ماهیانه ۹۲

جدول ۱-۱۴-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES) ۹۳

جدول ۲-۱-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مدارای اجتماعی کل ۹۴

جدول ۲-۲-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مدارای اجتماعی عمومی ۹۵

جدول ۲-۳-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مدارای سیاسی ۹۶

جدول ۲-۴-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مدارای اخلاقی و رفتاری ۹۷

جدول ۲-۵-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب دینداری ۹۸

جدول ۲-۶-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب اعتماد اجتماعی ۹۹

جدول ۲-۷-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مشارکت اجتماعی ۱۰۰

جدول ۲-۸-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جزم اندیشی ۱۰۱

جدول ۲-۹-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب فردگرایی ۱۰۲

جدول ۳-۱-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دینداری و مدارای اجتماعی ۱۰۳

جدول ۳-۱-۱-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد دینداری و مدارای اجتماعی ۱۰۳

جدول ۳-۱-۲-۴. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده بین دینداری و مدارای اجتماعی ۱۰۴

نجدول ۳-۲-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی ۱۰۴

جدول ۳-۲-۱-۴. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده ۱۰۵

جدول ۳-۳-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی ۱۰۵

جدول ۳-۳-۱-۴. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده ۱۰۵

جدول ۳-۴-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین جزم اندیشی و مدارای اجتماعی ۱۰۶

جدول ۳-۴-۱-۴. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده ۱۰۶

جدول ۳-۵-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فردگرایی و مدارای اجتماعی ۱۰۷

جدول ۳-۵-۱-۴. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده ۱۰۷

جدول ۳-۶-۱-۴. نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون جنس و مدارای اجتماعی کل ۱۰۸

جدول ۳-۶-۲-۴. میانگین و انحراف معیار سن و مدارای اجتماعی ۱۰۸

جدول ۳-۶-۲-۱-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سن و وضعیت مدارای اجتماعی ۱۰۹

جدول ۳-۶-۳-۴. توصیف آماری میزان مدارای اجتماعی کل بر حسب وضعیت تأهل ۱۰۹

جدول ۳-۶-۳-۱-۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس تأهل و مدارای اجتماعی ۱۱۰

جدول ۳-۶-۴-۴. توصیف آماری میزان مدارای اجتماعی بر حسب وضعیت تحصیلی ۱۱۰

جدول ۳-۶-۴-۱-۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس وضعیت تحصیلی و مدارای اجتماعی ۱۱۱

جدول ۴-۳-۴-۲. نتایج آزمون توکی درباره مدارای اجتماعی بر حسب وضعیت تحصیلی ۱۱۱

جدول ۴-۳-۶-۵. نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون وضعیت شغلی و مدارای اجتماعی ۱۱۲

جدول ۴-۳-۶-۶. توصیف آماری میزان مدارای اجتماعی بر حسب پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES) ۱۱۲

جدول ۴-۳-۶-۶-۱. نتایج آزمون تحلیل واریانس پایگاه اجتماعی اقتصادی و مدارای اجتماعی ۱۱۳

جدول ۴-۳-۶-۶-۲. نتایج آزمون توکی درباره مدارای اجتماعی بر حسب پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES) ۱۱۳

جدول ۴-۴-۱. خلاصه مدل رگرسیونی چندگانه مدارای اجتماعی ۱۱۴

جدول ۴-۴-۲. ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده مدارای اجتماعی ۱۱۴

فهرست نمودارها

نمودار ۴-۱-۱. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب جنسیت ۷۹

نمودار ۴-۱-۲. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب سن ۸۰

نمودار ۴-۱-۳. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب دوره‌های سنی ۸۱

نمودار ۴-۱-۴. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس وضعیت تأهل ۸۲

نمودار ۴-۱-۵. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس منطقه مورد مطالعه ۸۴

نمودار ۴-۱-۶. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس قومیت ۸۵

نمودار ۴-۱-۷. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس تحصیلات ۸۶

نمودار ۴-۱-۸. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال ۸۷

نمودار ۴-۱-۹. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس وضعیت فعالیت ۸۸

نمودار ۴-۱-۱۰. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس مالکیت مسکن ۸۹

نمودار ۴-۱-۱۱. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس طبقه اجتماعی ۹۰

نمودار ۴-۱-۱۲. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس درآمد ۹۱

نمودار ۴-۱-۱۳. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس هزینه ماهیانه ۹۲

نمودار ۴-۲-۱. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مدارای اجتماعی کل ۹۴

نمودار ۴-۲-۲. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مدارای اجتماعی عمومی ۹۵

نمودار ۴-۲-۳. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مدارای سیاسی ۹۶

نمودار ۴-۲-۴. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مدارای اخلاقی و رفتاری ۹۷

نمودار ۴-۲-۵. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب دینداری ۹۸

نمودار ۴-۲-۶. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب اعتماد اجتماعی ۹۹

نمودار ۴-۲-۷. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مشارکت اجتماعی ۱۰۰

نمودار ۴-۲-۸. توزیع درصدی جمعیت نمونه بر حسب جزم اندیشی ۱۰۱

نمودار ۴-۲-۹. توزیع درصدی جمعیت نمونه بر حسب فردگرایی ۱۰۲

فصل اول

کلیات پژوهش

بیان مسأله:

همزیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. در جوامع گذشته، تنوع فرهنگ‌ها، زبان و اقوام و همچنین دیگر عناصر زندگی اجتماعی کم‌تر بود و تحمل تفاوت‌ها و عقاید یکدیگر مسئله مهمی به حساب نمی‌آمد؛ اما با رشد و گسترش فزاینده ارتباطات در همه زمینه‌ها، از سویی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی بیش‌تر شده و از سوی دیگر، میزان تعاملات و برخورد افراد دوچندان شده است. بنابراین، تحمل عقاید و آداب و فرهنگ گروه‌های دیگر اهمیت فراوانی خواهد یافت. در جامعه جدید، با گسترش ارتباطات، مردمان سراسر دنیا به تعامل مداوم و وسیع با یکدیگر نیاز دارند. برای اداره این تعاملات و تفاوت‌های بین افراد و گروه‌ها، راه‌های متفاوتی وجود دارد، یکی از این راه‌ها مداراست. با توجه به شواهد، واضح است که این روش از نظر تاریخی مرسوم نبوده است. در واقع، جوامع اغلب به تفاوت عقاید با تعصب اقتدارگرایانه پاسخ داده‌اند. مدارا پاسخی به تفاوت‌ها و تضادهاست و یک ظرفیت به شمار می‌رود. بدین معنا که مدارا آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی را توصیف می‌کند که دیگران آن را عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند (دنيس^۱، ۲۰۰۷).

بنابراین می‌توان گفت مدارا به عنوان فضیلتی اجتماعی امکان همزیستی صلح آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند (گالتوتی^۲، ۲۰۰۱). مک کنیون و کاستگلیون بر این باورند که مدارا در میان طیفی از نگرش‌ها قرار می‌گیرد که به مواجهه افراد با تفاوت‌ها مربوط است در یک سوی این طیف، سرکوب قرار دارد و سپس به ترتیب مدارا، همکاری و تحسین جای می‌گیرد (مک کنیون و کاستیگلیون^۳، ۲۰۰۳).

سازمان‌های بین‌المللی به اهمیت مدارا توجه می‌کنند تا جایی که یونسکو سال ۱۹۹۵ را "سال مدارا" اعلام می‌کند (یونسکو، ۱۹۹۵). مدارا توجه به مفاهیم والای انسانی است. شخص مدارا کننده با دیگران ارتباط مثبتی برقرار می‌کند؛ رفتارهای انسانی از خود نشان می‌دهد و سعی می‌کند محیطی بهتر برای خود و دیگران ایجاد کند (کارامن^۴، ۲۰۰۹).

مدارا در لغت فارسی بیشتر به معنای نرمی و شفقت به کار رفته است؛ رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، نرمی، آهستگی، چنانکه دهخدا می‌نویسد: رفق، مماشات، تسامح، بردباری، تحمل، خضوع، فروتنی ... مدارا کردن، مهربانی کردن، نرمی نمودن، شفقت، ملایمت نشان دادن، تحمل کردن، بردباری نمودن، و سازگاری نشان دادن (قراملکی، ۱۳۸۷).

۱ - Dennis

۲ - Galeotti

۳ - McKinnon & Castiglione

۴ - Karaman

تحمل و مدارا به معنای موافقت با دیگران یا بی اعتنا ماندن در رویارویی با بی‌عدالتی نیست، بلکه احترام گذاشتن به انسانیت هر انسان است (پیترسون، ۲۰۰۳). تحمل و مدارا توافق بر سر تفاوتهاست. در تعریف یونسکو (۱۹۹۵) تحمل و مدارا روش فکر کردن و احساس کردن و از همه مهم‌تر روشی برای عمل کردن است. با تحمل و مدارا فرد برای کسانی احترام قائل می‌شود که مشابه او نیستند (اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۱).

مدارا از جمله مباحث چالش برانگیزی است که در دوره معاصر به ویژه در دهه اخیر ادبیات زیادی را به خود اختصاص داده است؛ این واژه همواره در گفتمان‌های سیاسی هر جامعه، تداعی کننده مفهوم تسامح، در ادبیات جهانی می‌باشد. با وجود اهمیت مدارا، نهادینه شدن آن در جوامع پیشرفته جهان نیز هنوز قوام و انسجام مطلوب نیافته است. اما اگر این نهادینه شدن را به صورت یک روند تاریخی- اجتماعی بنگریم، در خواهیم یافت که هم اکنون جوامعی توانسته‌اند به طور نسبی در راستای آن قرار گیرند. حال آنکه برخی از جوامع اساساً در مسیر نهادینه کردن مدارا گام بر نمی‌دارند. به همین سبب جوامع مختلف امروز را نمی‌توان از این بابت در عداد هم قرار داد. (مختاری، ۱۳۷۷).

جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر با فرایندهای مربوط به مدرنیته یا تجدد مواجه بوده است. تجدد همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی را تحت تأثیر قرار داده و ارزش‌های جدیدی را در جامعه رواج داده است. این ارزش‌ها که از آن به ارزش‌های مدرن تعبیر می‌شود موجب تکثر اعتقادات و گرایش‌های فکری و تنوع سبک‌های زندگی شده است. از طرفی زندگی مسالت آمیز در جوامعی که با پدیده فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مواجهند مستلزم داشتن نگرش مداراجویانه از سوی افراد و گروه‌های آن جامعه است (سراج زاده و همکاران، ۱۳۸۳). انسانی که از نظر اجتماعی به رشد و کمال رسیده است، به این حقیقت معترف است که هرچه روابط انسان با دیگران، بهتر و سالم تر باشد، میزان پیشرفت او در زمینه مسائل اجتماعی بیشتر خواهد بود. مدارا یکی از بهترین اصولی است که در روابط انسانها با هم نوعان خود تأثیر شگرفی دارد؛ گرچه روابط اجتماعی بر اساس تغییرات و تحولات در حال دگرگونی است و هر وضعیتی؛ واکنش خاصی را نسبت به خود می‌طلبد؛ اما مدارا را می‌توان یکی از روش‌هایی قلمداد کرد که با همه شرایط و وجود آمده اجتماعی سازگاری دارد؛ روابط اجتماعی را متعادل تر ساخته و بسیاری از تنش‌ها را از میان بر خواهد داشت.

آمارها و ارقام موجود حاکی از نابردباری و ناشکیبایی در میان برخی اقشار جامعه است و این موضوع باعث رشد پی در پی آسیب‌های اجتماعی شده است. این معضل اجتماعی اکنون نمودهایی در سطح زندگی فرد دارد که منجر به فروپاشی نهاد خانواده و طلاق می‌شود و در سطح اجتماعی نیز به صورت بروز خشونت و نزاع و درگیری‌های اجتماعی و وقوع جرایم عمدی و غیرعمدی در جامعه بروز پیدا می‌کند. واقعیت این است که ایران در حال نو شدن است و به تعبیری در حال گذار از سنت‌های کهن به سنت‌های جدید است و ممکن است در زیر چرخ دنده‌های این گذار برخی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خرد شود و نتیجه آن رشد نگران کننده آسیب‌های اجتماعی در جامعه خواهد بود.

تقی آزاد ارمکی، جامعه شناس ایرانی عنوان می کند که با مراجعه به گفت و گوهای روزمره و منابع مکتوب از قبیل روزنامه‌ها محوریت بر دشمنی است تا صلح و دوستی. بیشتر افراد در اشاعه اندیشه و عمل همراه با ستیز و خشونت هستند تا مدارا و تسامح و صبر و دوستی. الگوی موجود در فرهنگ امروز ایرانی سابقه تاریخی ندارد. زیرا با مراجعه به متون ادبی و فرهنگی ایرانی می توان دید که بیشتر از تسامح و بردباری و سازگاری با دیگران سخن گفته شده است. با توجه به اهمیت مفهوم مدارا، به نظر می آید مردم ایران بیش از اینکه آمادگی گذشت و مدارا کردن با یکدیگر را داشته باشند، آمادگی پرخاش، درگیری فیزیکی، اهانت به هم و پامال کردن حق یکدیگر را دارند. تحقیقات انجام شده در زمینه مدارا نیز برخی از جنبه‌های مدارای اجتماعی را در سطح پایین و برخی را در سطح متوسط برآورد کرده اند. در واقع، آنچه امروزه در ابعاد اجتماعی و فردی با آن روبرو هستیم، کاهش آستانه تحمل اجتماعی است که پیامدهای آن در اشکال گوناگون به صورت تعصب در زمینه‌های مختلف، گرایش‌های خاص و عدم پذیرش تفاوت‌ها و خشونت و غیره نمایان می

اهمیت و ضرورت پژوهش

برقراری ارتباط با دیگران از نیازهای ذاتی و فطری انسان‌هاست و از سوی دیگر، وجود تفاوت‌ها و اختلافات زبانی، قومی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی همیشه تهدیدکننده این نیاز اساسی به شمار می‌رود. در طول تاریخ، انسان‌ها به صورت‌های متفاوت با این تفاوت‌ها برخورد کرده‌اند. وجود انواع جنگ‌های مذهبی و قومی گویای این واقعیت تلخ است که در صورت عدم تحمل و پذیرش یکدیگر، انسان‌ها همیشه در معرض جنگ و ستیز هستند و تنها راه اجتناب از این وضعیت، گسترش دامنه مدارای اجتماعی بین جوامع مختلف است. از آنجاکه انسان‌ها به لحاظ زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارای تفاوت‌های عمیقی هستند، تنها راه برقراری ارتباط سالم و فارغ از ستیزه جویی، وجود مدارا در بین آنها است.

مدارا یا مدارای اجتماعی به عنوان تقاضای هریک از اعضای جامعه برای برخورد خوب با دیگر اعضای جامعه در محیط‌های اجتماعی و عمومی است که با پذیرش تفاوت‌های هر شخصی که در جامعه زندگی می‌کند، شکل می‌گیرد. مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش گام بر دارند؛ بدون ترس فیزیکی یا حمله هیجانی یا خشونت (شاتز^۱، ۲۰۰۴).

ولی امروزه با گسترش جمعیتی شهرها میزان جرم و جنایت نیز به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. در این میان، کلانشهر تهران، جمعیت ناهمگن قابل توجه از خرده فرهنگ‌های قومی، اقشار و طبقات مختلف اجتماعی، اقتصادی، شغلی و اداری را در خود جای داده است. همچنین میزان بالای مهاجر پذیری، این شهر را به محلی مناسب جهت ارتکاب انواع جرائم تبدیل نموده است. آمارهای طلاق و تعداد بالای پرونده‌های خانوادگی در دادسراها و دادگاهها نشان دهنده وجود تنشها و خشونت‌های اجتماعی و خانوادگی در جامعه ایران می‌باشد. محمود گلزاری (معاون سازمان امور جوانان وزارت ورزش و جوانان) با اشاره به گسترش خشونت در جامعه فعلی گفت: پس از زندانیان مواد مخدر، بیشترین زندانیان مربوط به زندانیان خشونت است. آمارها در این باره زیاد هستند. سازمان پزشکی قانونی آمار مراجعه افراد بر اثر صدمات ناشی از نزاع در کشور در فروردین و اردیبهشت سال ۹۳ را بیش از ۱۰۴ هزار نفر اعلام کرده است. این آمار در مقایسه با آمار مشابه در سال گذشته رشدی ۰/۴ درصدی دارد. هر ۹ ثانیه یک خشونت در کشور رخ می‌دهد. (پایگاه خبری تحلیلی پویا، ۱۳۹۳).

طبق آماري که در سایت الف در تاریخ ۲۳ مهر ۹۲ منتشر شد خشونت‌هایی از جمله ضرب و شتم عمدی و غیر عمدی، توهین، تهدید، تخریب جزو بیشترین خشونت‌ها در ایران هستند. (سلامت نیوز، ۹۳/۰۱/۲۰). به گزارش خبرنگار حوادث خبرگزاری برنا، مدت‌هاست خیابان‌های پایتخت هر روزه شاهد نزاع و درگیری است؛ نزاع دو راننده، خریدار و فروشنده، دو عابر، نزاع سر پارک کردن ماشین و حتی درگیری بچه

۱. Schatz

مدرسه‌ای‌ها با یکدیگر، اینها به قصه تکراری شهر تهران تبدیل شده‌اند. بر اساس آمارهای پزشکی قانونی کشور روزانه هزار و ۶۰۰ پرونده نزاع منجر به جرح در این سازمان تشکیل می‌شود و این یعنی هر ساعت حدود ۶۶ نفر با هم درگیر می‌شوند (خبرگزاری برنا، ۹۴/۰۹/۲۹). بر این اساس شناخت ابعاد مدارای اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن به متفکران، اندیشمندان و سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد که پتانسیل و امکان رفتارهای منازعه‌آمیز را در جامعه تشخیص داده و با برخورد مناسب با این تضادها و تعارض‌ها، بستر مناسبی را برای رفتارهای مدارا جویانه فراهم نمایند.

توجه به امر تنوع و تفاوت در کشور ما از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا ایران از جمله کشورهای جهان است که در آن قومیت‌ها، مذاهب و ادیان مختلفی وجود دارد و جهت دهی به این تفاوت‌ها موجب انسجام و یکپارچگی هر چه بیش تر جامعه خواهد شد. در ایران و به ویژه تهران افراد دارای مذاهب و قومیت‌های متفاوتی هستند که همین امر می‌تواند عدم درک تفاوت‌ها به شیوه‌های متعدد و در زمینه‌های مختلف را ایجاد نماید که پیامدهای آن خود را به صورت‌های مختلف از جمله ناسازگاری و خشونت و غیره نشان می‌دهد که وفاق اجتماعی را مختل و باعث آسیب‌ها و بیماریهای اجتماعی می‌شود. بنابراین سنجش میزان مدارا در جامعه و عوامل تأثیرگذار بر آن مسئله مهمی است که باید به آن پاسخ داده شود. اگر مدارای اجتماعی را ظرفیت تحمل عقاید و رفتارهای مخالف و استفاده از مکانیسم‌های غیر خشونت آمیز در جهت رفع تضادها و برخورد با بدانییم، باید به دنبال این مسئله باشیم که افراد در جامعه ما تا چه حد در مسائل مختلف زندگی‌شان قادر به مدارا می‌باشند و تا چه حد عقاید و رفتارهای مخالف را تحمل می‌کنند و کدامین عوامل بر میزان مدارای افراد در جامعه تأثیر می‌گذارد.

اهداف پژوهش

- ۱- تعیین میزان مدارای اجتماعی در سطح جامعه
- ۲- تعیین عوامل مؤثر بر مدارای اجتماعی
- ۳- تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر بر میزان مدارای اجتماعی
- ۴- ارائه راهکارهایی جهت افزایش مدارای اجتماعی

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم مدارا

ریشه‌شناسی و تعریف مدارا

کلمه‌ی مدارا ابتدا در قرن شانزدهم و در پیوند با شکاف فرقه‌های مذهبی از زبان‌های لاتین و فرانسه وام گرفته است. این کلمه در بافت پیدایش خود، نخستین بار معنای نزدیک تری به واژه بردباری در برابر سایر عقاید مذهبی به خود گرفت و در طول قرون شانزدهم و هفدهم، حکومت‌ها، آیین نامه‌های رفتار تساهل آمیز را ابلاغ می‌کردند (هابرماس، ۲۰۰۲).

مدارا یکی از مفاهیم انتزاعی تعالی‌بخش بشر است. معانی مختلفی برای این واژه ارائه شده‌اند و تفاسیر متنوعی ممکن است عنوان شوند. به طور کلی، مدارا حاوی مفاهیم مثبتی است. یک فرد اهل مدارا روابطی مثبت با سایرین برقرار می‌سازد، رفتاری انسان‌دوستانه بروز می‌دهد و می‌کوشد تا محیطی بهتر برای خود و سایرین ایجاد نماید. نمی‌توان مفهوم مدارا را از ساختارهای همدلی، شناخت اجتماعی، اتخاذ دیدگاه و هوش عاطفی جدا کرد. در حالی که این ساختارها برای نظریه‌پردازان تداعی‌گر معانی مختلفی هستند، اما می‌توان آن‌ها را جایگزین یکدیگر نمود (کارامان، ۲۰۰۹).

در فرهنگ هرتیج آمریکا، مدارا به معنای احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروهها برای داشتن عقاید مخالف تعریف شده است. همچنین در بیانیه‌ی اصول مدارا که طی نشست بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ مورد تصویب دولتها قرار گرفت، مدارا چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگهای متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان بودن (آگینوس و آمبروسوویچ، ۲۰۰۳: ۱۲).

در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد (۲۰۱۴) مدارا به معنای "توانایی یا تمایل به تحمل کردن حضور نظرات یا رفتارهایی که فرد با آن مخالف است" می‌باشد. بر اساس انجمن روانشناسی آمریکا (۲۰۰۷) مدارا به پذیرش دیگر افرادی اشاره دارد که اعمال، باورها، قابلیت‌های جسمانی، دین، سنت‌ها، قومیت، ملیت، و غیره شان با فرد متفاوت است. مدارا همچنین به صورت نگرشی منصفانه و عینی نسبت به دیدگاه‌های مخالف قلمداد می‌شود. تحقیقات جدید بر روی مدارا که عملاً از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، عموماً به صورت تمایل به بسط حقوق اساسی و احترام به آزادی‌های مدنی گروه‌ها و ایده‌های مخالف (سالیوان و پیرسون ۱۹۸۲) به ویژه حق آزادی بیان، گروه‌های غیرمحبوب تعریف می‌شود. گیبسون (۲۰۰۷) مدارا را به صورت تحمل کردن ایده‌ها و گروه‌های مخالف تعریف می‌کند. هازاما (۲۰۱۰) مدارا را به صورت نگرشی در قبال گروه‌ها یا برون‌گروهی‌های مخالف تعریف می‌کند. در همین حین، محققان به تازگی مدارا را از منظر روانشناختی و با توجه به تنوع، پذیرندگی، شمول دیگران، تنوع قومیت‌ها، نژادها، و سبک‌های زندگی و آموزش خود به محترم شمردن دیگران تعریف می‌کند (کورنئو و جین ۲۰۰۹).

افراد اندیشه‌های متفاوتی دارند و به موجب این ممکن است احساسات و اعتقادات مشابهی نداشته باشند. اظهار مدارا عبارت است از پذیرش اندیشه و احساسات مخالف بدون توسل به زور یا فشار و بدون توجه به سن، جنسیت، قومیت یا مذهب. پذیرش افکار و احساسات متفاوت، فراهم نمودن فرصت برای سایرین به منظور بیان آزادانه این احساسات و عقاید بدون اعمال زور یا فشار، و مهم‌تر از همه، عشق ورزیدن به دیگران پیش‌نیازهای مدارا هستند. آزادی یکی از مفاهیم مرکزی مدارا است. مدارا به سایرین امکان می‌دهد تا آزادانه عقاید و ایده‌های خود را در هر دو سطح فردی و اجتماعی ابراز کنند (کاوکار ۱۹۹۵، نقل از کارامان، ۲۰۰۹). منداس و ادوارزد (۱۹۸۷: ۱۲) مفهوم مدارا را شامل عناصر تنوع و اختلاف، نارضایتی و آگاهی و قصد می‌دانند. مدارا به عنوان عمل آگاهانه فرد یا سازمانی در نظر گرفته می‌شود، در خودداری از مخالفت و سرزنش یا خشونت علیه اعتقادات دیگری، به رغم مخالفت شخص با آن اعتقادات. مدارا اساساً شکلی از خودداری (خود کنترلی) است (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵۵).

می‌توان دو اصل اساسی برای مدارا برشمرد: مدارا در عرصه تفاوت‌ها معنا می‌دهد، جایی که تفاوت اساسی وجود داشته باشد. فرد به تفاوت آگاه است و عقیده فرد مقابل را نمی‌پذیرد؛ اما به این تفاوت احترام می‌گذارد. با اراده شخصی، از سرکوب عقاید دیگران خودداری می‌کند، دیگران متفاوت را به رسمیت می‌شناسد و محترم می‌شمارد (بالینت، ۲۰۱۴: ۲۶۴).

برخی از متفکران مدارا را فضیلتی اجتماعی در بین افراد و گروه‌هایی می‌دانند که دارای دیدگاه‌ها و روشهای زندگی متفاوتی بوده و در یک اجتماع واحد همزیستی مسالمت آمیزی دارند (گالتوتی، ۲۰۰۲؛ ۲۰). از نظر اسکانلون، مدارا ما را وادار به پذیرش و تأیید مردم و اعمال آنها میسازد؛ حتی زمانی که آنها را تا حد زیادی قبول نداریم. بنابراین، از نظر وی، مدارا بین پذیرش از دل و جان و تقابل کامل جای دارد (اسکانلون، ۲۰۰۳: ۱۸۷).

طبق نظر آگیوس^۱ و آمبروسویچ^۲ ویژگی‌های زیر را می‌توان برای مفهوم مدارا مشخص کرد:

الف- مدارا به عنوان احترام و پذیرش تنوع فرهنگهای دنیای اطرافمان و شیوه‌های متفاوت انسان بودن تعریف شده است.

ب- مدارا به معنای سازش، بخشش یا تشویق رفتار منفی نیست. در اصل مدارا نگرشی فعال بر اساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های همگانی بشری است.

ج- مدارا مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر می‌گذارد. مدارا به عنوان پاسخی به تفاوتها میان دگماتیسم و نسبی گرایی قرار دارد (دنيس يیتز^۳، ۲۰۰۷).

۱. Agius
۲. Ambrosewics
۳. Dennis Yeates

مک کنیون و کاستگلیون بر این باورند که مدارا در میان طیفی از نگرشها قرار می‌گیرد که به مواجهه افراد با تفاوتها مربوط است در یک سوی این طیف، سرکوب قرار دارد و سپس به ترتیب مدارا، همکاری و تحسین جای می‌گیرد (مک کنیون و کاستگلیون، ۲۰۰۳؛ ۵۹).

پرسل و همکاران (۲۰۰۱) تعریف مشابهی از مدارای تام داشته‌اند که عبارت است از "شناخت و پذیرش کامل هویت و یگانگی تفاوت‌هایی که امکان ناپدید ساختن آنها وجود ندارد"، در حالی که شکل تعدیل‌یافته‌تری از این تعریف، "تخصیص حقوق برابر قانونی و سیاسی به هر آن که متفاوت پنداشته می‌شود" را در بر می‌گیرد. پژوهش‌های تجربی در زمینه مدارا اغلب تعریف آخر را اتخاذ می‌کنند. با این وجود، وجود شهروندان اهل مدارا را نمی‌توان یک فرض مسلم در نظر گرفت.

مدارا به معنای مساوات، انصاف یا صرفاً خنثی و بی‌طرف بودن نیست بلکه به معنای توازن است که مستلزم عمل توافق طرفین برای تضمین کسب نتایج مطلوب از طریق رضایت و نه اعمال قدرت است (احمد ترمیزیو همکاران، ۲۰۱۳).

مدارا عموماً به مثابه یکی از عناصر اصلی دموکراسی و شاخص انسجام اجتماعی شناخته می‌شود (لی ۲۰۱۳). لذا، مدارا می‌تواند یک صفت یا رفتار پویا قلمداد شود که در ارزش‌های دموکراتیک و مشارکت که در جهت رسیدن به اهداف معینی عمل می‌کنند تعبیه شده است. والزر (۱۹۹۷) بیان می‌دارد که مدارا نیازمند نگرش‌های متعددی است که باید آموخته شوند، با دانش، پذیرش، ارتباطات، آزادی افکار، اخلاق و باورها پرورش یابند (یونسکو ۱۹۸۵). لذا، مدارا ارزشی است که نشان دهنده فهم عمیق و آگاهی بسیار در باب شباهت‌ها و تفاوت‌های سبک‌های زندگی است، که هدف غایی بقای سیاسی و اجتماعی انسان می‌شوند. نوشته جات پیشین مؤید این امر است که مدارا یکی از مبنایی‌ترین مشخصه‌های شخصیتی در دنیای معاصر است که در آن یکپارچگی، مهاجرت، جهانی‌سازی و فرایندهای بین فرهنگی اتفاق می‌افتد و به دلیل پیوند آن با مجموعه باورها در باب مشروعیت و اقتضای بیان حال از اهمیت بالایی برخوردار است (گیبسون ۱۹۹۲). بنا به تعریف خلاصه‌ای از جانب آبارنو (۲۰۱۳)، مدارا صرفاً بسط حق بیان به گروه دیگر نیست بلکه اعمال حقوقی است که آنها پیشتر در بیان و مشارکت سیاسی از آن بهره‌مند بوده‌اند. لذا، مبرهن است که محققان مدارا را از منظرهای مختلف تعریف کرده‌اند اما همه بر سر این نکته متفق‌القولند که مدارا یک ارزش (انتزاعی)، یک نگرش و یک رفتار است (نازاه و آزمیر، ۲۰۱۵).

راه‌های متعددی برای مواجهه با تضادهای ناشی از تفاوت‌های موجود بین افراد و گروه‌ها وجود دارند. ۴ مدارا یکی از این راه‌ها است، اما به وضوح تنها راه موجود و یا رایج‌ترین آن‌ها از منظر تاریخی محسوب نمی‌شود. در واقع، جوامع اغلب با تعصبات اقتدارگرایانه به تفاوت‌های اعتقادی واکنش نشان داده و عقاید مخالف را مورد سرکوب و طرد قرار داده‌اند. برخی از معاصران ما در عین رد چنین دیدگاه استبدادگرایانه‌ای، بر این باورند که مدارا کافی به نظر نمی‌رسد و به جای آن باید تمامی عقاید مختلف مورد احترام و تأیید قرار

گیرند. این منظر نسبی‌گرایانه خود حاوی مشکلاتی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از دشواری حفظ نظام سیاسی در مواجهه با اختلافات شدید در زمینه مباحث اعتقادی بنیادین. مدارا با تفاوت‌ها مابین جزمیت و نسبی‌گرایی قرار می‌گیرد؛ مدارا به افراد امکان می‌دهد تا بدون توسل به آزار، با عقاید یا خصوصیات سایرین مخالفت ورزند و یا حتی از آن‌ها متنفر باشند. به عبارت دیگر، مدارا فرایندی است که براساس آن به سایرین امکان می‌دهیم تا ویژگی‌ها و عقایدی داشته باشند که ممکن است از دیدگاه ما نادرست یا نفرت‌انگیز به نظر برسند. چنین مدارایی ممکن است ناشی از انگیزه‌های مختلف باشد، از جمله عشق به صلح، عشق به حقیقت، احترام به شخصیت افراد، و اصول مذهبی (دنيس يیتز، ۲۰۰۷).

در مفهوم پردازی مدارا برای روشن شدن آن لازم است مرز آن را از مفاهیم مشابه متمایز کنیم. مدارا مشابه سه شیوه دیگر است که نباید با آن‌ها اشتباه گرفته شود. این شیوه‌ها عبارتند از فرصت‌طلبی، بی‌تفاوتی، و تساهل. فرصت‌طلب مدارا را راهی برای کسب قدرت می‌داند. به عبارت دیگر، فرصت‌طلب هنگامی که خود و عقایدش در اقلیت قرار می‌گیرند به مدارا معتقد است، اما در صورت برخورداری از قدرت کافی برای کسب برتری، آن را رد می‌کند. به عنوان مثال، استعمارگران در نیوانگلند اغلب به دلیل آزار دیگران پس از کسب آزادی برای زندگی براساس مذهبشان، متهم به فرصت‌طلبی شده‌اند. علاوه بر این، پیش از واتیکان دوم، برخی از کاتولیک‌های روم از سر فرصت‌طلبی حامی مدارا بودند. مثلاً والدو بیچ معتقد است کلیسای کاتولیک روم پیش از واتیکان دوم نمایانگر اصل اساسی فرصت‌طلبی است: "پذیرش آزادی مذهبی به عنوان اقلیت براساس اقتضای سیاسی، در صورت سلطه آن بر اکثریت به معنای ضرورت مذهبی نخواهد بود." ۶. بنابراین، مدارا به عنوان یک شیوه فرصت‌طلبانه، تضمین ضعیفی در اختیار افرادی قرار خواهد داد که مدارا و آزادی عقیده را جزو حقوق به شمار می‌آورند. (دنيس يیتز، ۲۰۰۷).

ضرورت بیزاری در مدارا آن را از بی‌تفاوتی، که ارتباط نزدیکی با نسبی‌گرایی دارد، متمایز می‌سازد. به عنوان نمونه، رویکرد نسبی‌گرا به مذهب، مذاهب مختلف را صرفاً زبان‌هایی متفاوت برای سخن گفتن با خداوند، که از تمامی این زبان‌ها آگاه است، در نظر می‌گیرد. فردی ممکن است چنین بپندارد که مذهب وی بهترین شیوه سخن گفتن با خداوند است، اما در عین حال قبول داشته باشد که سایرین نیز می‌توانند احساس مشابهی داشته باشند و این احساس آن‌ها قابل توجیه است. به عبارت دیگر، یک نسبی‌گرا ممکن است وابستگی عاطفی شدیدی به دیدگاهی خاص نسبت به یک موضوع داشته باشد، اما این وابستگی را تنها یکی از ترجیحات معتبر موجود در نظر بگیرد. به گونه‌ای مشابه، یک فرد بی‌تفاوت با تفاوت‌ها مدارا می‌کند زیرا آن‌ها برای وی فاقد اهمیت هستند. در حالی که نسبی‌گرایی برآمده از جهان‌بینی یا سیستمی از اعتقادات است که قضاوت موجود در مدارا را رد می‌کند، روند شکل‌گیری بی‌تفاوتی به میزان بیشتری ناخودآگاه است. بنابراین، فردی که توانایی مدارای خود را با آنچه مورد تنفر وی یا فرهنگش است می‌ستاید، شاید آگاه نباشد که این میزان تحمل در او ناشی از بی‌تفاوتی است. به عنوان مثال، این وضعیت در نگرش به

کمونیسم در ایالات متحده صادق بود. مطالعات صورت گرفته در زمینه مدارا در آمریکا، بی تفاوتی روبه رشد نسبت به کمونیسم را به اشتباه نشانه افزایش مدارای مردم آمریکا در نظر گرفته بودند، در حالی که در واقع آمریکائیان تنها نسبت به کمونیسم بی توجه شده بودند و نفرت خود را متوجه مسائل دیگر ساخته بودند. (دنيس يیتز، ۲۰۰۷).

محققین عموماً اعتقاد دارند در مواجهه با تفاوت‌ها، عدم مدارا "واکنش طبیعی" افراد است (مارکوس و همکاران ۱۹۹۵). در مقابل، ایده‌های پشت ارزش مدارا "پیچیده هستند و ریشه در سنت‌های تاریخ بشر و نظریه سیاسی دارند که درک خود آن‌ها دشوار است" (سیندرمن ۱۹۷۵، ص ۱۸۱). بنابراین، مدارا مستلزم فراگیری است. در حالی که دانشمندان علوم اجتماعی معمولاً درباره تعاریف مذکور از مدارا اتفاق نظر دارند، بحث‌های بیشتری درباره معیارهای مرتبط مطرح شده اند (به نقل از لی، ۲۰۱۳).

مدارا-به معنی احترام به تنوع- اغلب به عنوان ویژگی مشخص جوامع مدرن غربی نشان داده می شود، خصوصیتی که به طور واضح آن جوامع را از جوامع سنتی متمایز می کند. در حالی که بشر سنتی تسلیم هنجارهای اجتماعی می شود و به شدت برای کسانی که کجرو هستند ضمانت اجرایی تعیین می کند، بشر مدرن تغییر اجتماعی را می پذیرد بدون اینکه ابروهایش را بالا بیندازد. مدارا احتمالاً همزیستی مسالمت آمیز را بین گروه‌های گوناگون افزایش می دهد و طرفدار خود شکوفایی شخص است. در نقطه ی مقابل، عدم مدارا مانع آشکار شدن تعهدات و استعدادهای می شود و خواهان شکست دادن افرادی است که شهامت متفاوت بودن را دارند. اقلیت افراد تنها در جوامع مدارا از میزان قابل توجهی از حفاظت لذت می برند و این حفاظت حقوق سیاسی دموکراتیک را تقویت می کند. در حالی که مدارا ممکن است در اصل خوشایند باشد، تمام جوامع معاصر نمی توانند شرایط مدارا شدن را ندارند (کورتو و جین، ۲۰۰۹).

به رغم توصیف رایج مدارا به عنوان "پذیرش آنچه مورد تنفر است"، برخی محققین به "درجه صمیمی‌تری از مدارا" معتقد هستند (به تبع از آلپورت ۱۹۵۴)، یعنی "حس مهربانی نسبت به همه افراد و پذیرش به جای تحمل" بحث‌ها درباره تعریف و سنجش صحیح (عدم) مدارا تفسیر مناسب ماهیت، پیشینه، و پیامدهای (عدم) مدارا را در پژوهش‌های تجربی مختل ساخته‌اند (گیبسون ۲۰۰۶). اوبردیک (۲۰۰۱) ابهام فلسفی و عملی مرتبط با مدارا را این گونه مطرح می‌سازد: "با توجه به این که مدارای کامل با همه چیز غیرممکن است، قضاوت درباره این که چه چیزی شایسته چتر حمایتی مدارا است و چه چیزی سزاوار این حمایت نیست چگونه ممکن است؟ در صورت عدم آگاهی-حداقل در موارد دشوار-چگونه می‌توان بین آن چه قابل مدارا و آن چه غیرقابل مدارا است مرزی تعیین نمود؟" (اوبردیک ۲۰۰۱). این دقیقاً همان پرسشی است که فیلسوفان و دانشمندان علوم اجتماعی با آن مواجه هستند. این واقعیت که "الزاماً براساس تعریف، مدارا خوب و عدم مدارا بد نخواهد بود" (ورکوتن و اسلوتر ۲۰۰۷: ۴۷۶)، بر پیچیدگی درک مفهوم مدارا افزوده است.

نظریه‌های مدارا

ویلیام پائول وگت

سازه مدارا در نظر وگت از سنت علوم سیاسی می‌آید که می‌پرسد، مدنیت چه نیازهایی دارد؟ پاسخی که دانشمندان علوم سیاسی از جمله وگت به این سوال می‌دهند این است که اساسی‌ترین ضرورت برای نگه داری جامعه مدنی، مدارا است. (فلیس، ۲۰۰۴).

از نظر وگت (۱۹۹۷) مدارا یعنی "تحمل آن‌چه که دوست ندارید". مدارا پدیده‌ای بدیهی نیست: اغلب برای دستیابی به آن نوعی نزاع در می‌گیرد، و تنها پس از تضاد، درگیری، و حتی نبرد به دست می‌آید. مدارا حاوی یک تناقض داخلی برای پذیرش آن‌چه مورد اعتراض یا رد فرد است می‌باشد. به منظور غلبه بر تضاد یا ممانعت از آن، فرد باید با آن‌چه مورد مخالفت یا تنفر وی است مدارا نماید. به عبارت دیگر، "مصالحه مدارا در پی خواهد داشت". مدارا به رغم بدیهی نبودن، غیر رایج نیز نیست: انسان‌ها در سرتاسر جهان ثابت کرده‌اند که قادر و متمایل به پذیرش و مدارا با تفاوت‌های به ظاهر ناسازگار بین ارزش‌ها، سبک زندگی، عقاید مذهبی، نگرش‌های سیاسی و ترجیحات شخصی خود و سایرین هستند. قرن‌هاست که فیلسوفان و محققان با این پرسش مواجه بوده‌اند که چرا افراد با یکدیگر مدارا می‌کنند و چه زمانی و به چه دلیلی نسبت به عده‌ای عدم مدارا روا می‌دارند. اهمیت این مسئله بسیار واضح است: بدون مدارا جوامعی که برای تفاوت‌ها، مساوات و صلح ارزش قائل هستند دوام نخواهند آورد (وگت، ۱۹۹۷؛ نقل از ون دورن، ۲۰۱۲).

ماهیت متناقض مدارا: پذیرش چیزی که مورد تنفر است.

از نظر وگت "مدارا یعنی تحمل آن‌چه که دوستش نمی‌دارید، اغلب به منظور سازش با سایرین". هرچقدر هم که این تعریف کوتاه و مختصر باشد، ویژگی‌های اصلی مدارا که مورد توافق دانشمندان علوم اجتماعی معاصر هستند در آن انعکاس یافته‌اند. اولاً، برای سخن گفتن درباره مدارا حضور عناصر تنفر، مخالفت یا عدم رضایت ضروری است. مخالفت پیش‌فرض مفهوم مدارا است (سالیوان و همکاران ۱۹۸۲). در صورت عدم وجود اعتراض، با همدردی ساده مواجه خواهیم بود. مدارا تنها در صورت وجود تنفر، مخالفت و عدم رضایت ضرورت می‌یابد و بنابراین با تفاوت‌های افراد پیوند خورده است (وگت ۱۹۹۷). علاوه بر این، مدارا با هر تفاوتی مرتبط نمی‌گردد، بلکه این تفاوت‌ها باید برای افراد حائز اهمیت باشند. "اگر افراد این تفاوت‌ها را مهم تلقی نکنند و برای آن اهمیتی قائل نشوند، منطق حکم می‌کند که بگوئیم آن‌ها نسبت به آن بی‌تفاوت هستند نه این که با آن مدارا می‌کنند". این ویژگی "شرطی" مدارا برای درک دقیق مفهوم مدارا لازم است. ماهیت "متناقض" مدارا هنگامی بروز پیدا می‌کند که ما آن را به عنوان نوعی نگرش، به معنای برگرفته از روان‌شناسی اجتماعی این واژه، در نظر بگیریم. نگرش از عقاید شناختی، ارزیابی‌های عاطفی، و جهت‌گیری‌های رفتاری فرد نسبت به یک موضوع تشکیل می‌شود (سالیوان و همکاران ۱۹۸۲). در مسئله

مدارا، این سه عنصر دارای تناقض درونی هستند: فرد از اقدام منفی (مانند تبعیض، منع، مداخله) متناسب با احساس و درک منفی خود در مقابل شخص، گروه یا عقیده‌ای که مورد مخالفتش است ممانعت می‌ورزد (ون دورن، ۲۰۱۲).

مدارا و تعصب:

به اعتقاد وگت (۱۹۹۷)، نقطه مقابل مدارا تبعیض است، نه تعصب. این احساس و درک ما نسبت به یک گروه نیست که مورد عدم مدارا قرار می‌گیرند، بلکه مؤلفه‌های رفتاری (مانند تبعیض آشکار) یک نگرش منفی (از جمله تعصبات و کلیشه‌ها) را به عدم مدارا مبدل می‌سازند. تعصبات معمولاً "فضاوت‌های پیش‌داورانه و اغلب مخالف یا اعتقادات بی‌پایه، اکثراً مبتنی بر نژاد/قومیت، ترجیحات جنسی، طبقه اجتماعی، سن، جنسیت، ناتوانی یا مذهب" هستند (ویکی‌پدیا ۲۰۱۲، نقل از ون دورن، ۲۰۱۲).

مدارا و تحمل:

وگت (۱۹۹۷) بین تحمل و مدارا نیز تمایز قائل می‌شود و به گفته وی، در حالی که مدارا به حوزه بین فردی تعاملات اجتماعی تعلق دارد، تحمل یعنی: ... سیاست‌ها و اصول دولتی و سازمانی که تبعیض را محدود می‌سازند و اعمال برخی محدودیت‌ها به آزادی افراد را ممنوع می‌کنند. پس تحمل ممنوعیت قانونی و نهادینه تبعیض را در بر می‌گیرد، چه از طریق اصول قانون‌گذاری محدودکننده دولتی ... و چه از طریق معیارهای قانونی عمومی‌تر ... تحمل همچنین حاوی یک مؤلفه عقلانی است؛ نه تنها قوانین و سازمان‌ها، بلکه اصول اجتماعی و دولتی عدالت و برابری را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین، تعریف وگت از تحمل به آن‌چه ماتر (۲۰۰۱) "قوانین بازی" دموکراتیک می‌خواند اشاره دارد. تحمل در جوامع "یک میزان و طیف است، نه یک معیار مطلق" (وگت ۱۹۹۷). وگت شش شرط برای تقویت تحمل تعیین می‌کند: تنوع اجتماعی؛ اقتصاد بازار؛ نهادهای سیاسی دموکراتیک؛ عدم قطعیت معرفت‌شناختی؛ برتری محاسبات منطقی بر سنت؛ و تصرف دانش (وگت ۱۹۹۰). وگت (۱۹۹۷) عنوان می‌دارد که "این شرایط اجتماعی [احتمال بروز تحمل را بالا می‌برند، اما محرک آن نیستند". وجود ارتباط بین تحمل به عنوان یکی از ویژگی‌های جوامع و مدارا در حوزه اجتماعی اغلب مفروض است (سالیوان و ترانسو ۱۹۹۹)، اما شواهد تجربی در این زمینه دارای ابهام هستند. وگت (۱۹۹۷) با اشاره به بررسی‌های آمارتیا سن (۱۹۹۵) و پارتا داسگوپتا (۱۹۹۳، ۱۹۹۵) عنوان می‌دارد که دموکراسی، حکومت باز، و آزادی‌های مدنی در کشورهای فقیر به صورت عکس با تنوعی از مشکلات اجتماعی معادل هستند و چنین نتیجه می‌گیرد که "دموکراسی، حقوق، آزادی‌ها و مدارا برای جامعه به صورت یک کل مفید هستند، و همچنین برای افراد این جامعه از جمله فقرا و افراد تحت تبعیض" (ون دورن، ۲۰۱۲).

مدارا و حقوق

وگت (۱۹۹۷) بر اساس گفته برلین (۱۹۶۹) به نمونه‌ای از تمایز بین حقوق و مدارا اشاره می‌کند: "مدارا یعنی آزادی/ از چیزی؛ حقوق معمولاً نمونه‌هایی از آزادی مثبت هستند، از آزادی برای چیزی". حقوق و مدارا مفاهیمی یکسان نیستند. وگت (۱۹۹۷) به سه تغییر جهت از مدارا به حقوق اشاره دارد. تمایز نخست تغییر تأکیدی است از مجاز شمردن به پشتیبانی نمودن از آزادی‌های معین. این یعنی تفاوت بین چشم‌پوشی کردن از موضوعی غیرمجاز یا نامطلوب اجتماعی (مانند سیاست "نگو، نپرس" در برابر هم‌جنس‌گرایی در ارتش آمریکا، سیاستی تبیین شده توسط بیل کلینتون در سال ۱۹۹۰) و اعطای یک موقعیت قانونی و حفاظت‌شده (جایگاهی که هم‌جنس‌گرایان تحت ریاست جمهوری اوباما تا سال ۲۰۱۰ در ارتش آمریکا کسب نمودند).

دومین تغییر مورد اشاره وگت عبارت است از تغییر مسئولیت اثبات ادعا. هنگامی که این مسئولیت از آن‌هایی که برای مدارا مجادله می‌کنند به کسانی منتقل می‌گردد که ادعای سرکوب دارند، این یعنی عدم تأکید بر مدارا و چرخش به جانب حقوق. "مداراشوندگان" باید برای مورد پذیرش واقع شدن درخواست کنند و ممکن است با عدم مدارای کسانی که از آن‌ها قدرتمندتر هستند مواجه گردند، در حالی که حقوق غیرقابل مذاکره خواهند بود.

سومین جنبه چرخش از مدارا به سمت حقوق عبارت است از خودداری دولت از اعمال قدرت سرکوب‌گرانه. بنابراین، یک دولت دموکراتیک باید تمایلی به رد حقوق اقلیت‌ها نداشته باشد. وگت (۱۹۹۷) عنوان می‌دارد "تا قرن بیستم، در چندین کشور (از جمله بریتانیا، کانادا، فرانسه، هلند، و ایالات متحده) تعادل وزنه از مدارای صرف به جانب حقوق کامل متمایل گشت". مدارا و عدم مدارا از ویژگی‌های ماهیت رابطه بین (گروه‌های) افراد محسوب می‌شوند (مامندی و ونزل ۱۹۹۹). مدارا و عدم مدارا انعکاس‌دهنده نابرابری اجتماعی بین گروه‌ها هستند. براساس تحلیل روان‌شناختی اجتماعی روابط بین گروهی (سیدانیوس و پراتو ۱۹۹۹؛ تاجفل و ترنر ۱۹۷۹)، روابط بین گروه‌ها در جامعه همواره آمیخته با عدم توازن قدرت است. این که چه گروهی مدارا می‌کند و چه گروهی مورد مدارا قرار می‌گیرد را می‌توان به عنوان "نمود اجتماعی" وضعیت افراد در نظر گرفت (هاگندورن ۱۹۹۵). آگاهی از این بعد قدرت در زیرساخت (عدم) مدارا برای درک تغییرات سطوح مدارا و تغییر هدف (عدم) مدارا ضروری است. این تغییرات در پژوهش در زمینه عدم مدارا نیز حائز اهمیت هستند. به عنوان نمونه، در قرن بیستم، پژوهش درباره تعصب، تبعیض و عدم مدارا معمولاً به تبعیض نژادی می‌پرداخت. با ورود به قرن جدید و پس از حملات ۱۱ سپتامبر در نیویورک، توجه معطوف (عدم) مدارا با مسلمانان گشت. بنابراین، پژوهش‌های انعکاس‌دهنده مباحث اجتماعی مرتبط با این امر هستند که چه کسی دارای قدرت مدارا با چه کسانی است (ون دورن، ۲۰۱۲).

مدارا و فردگرایی

از نظر وگت (۱۹۸۳) مدارای اجتماعی پیوند محکمی با فردگرایی داشته و به طور مشابهی دارای ویژگی‌های متناقض است. در بهترین حالت می‌توان فرد گرایی را به عنوان باوری اجتماعی توصیف کرد که بر خودمختاری افراد منحصربه فرد در مواجهه با باورها و اجبارهای اجتماعی تاکید می‌کند. فردگرایی منجر به سیاست‌ها و اصول مشروعی می‌شود که از لحاظ اجتماعی افراد را مجبور می‌کند شخصا مسئول اعمال خود باشند و آن‌ها را وادار می‌کند سبک‌های قطعی رفتار در برابر سایر اشخاص را بپذیرند. به طور مشابه، در جامعه ای که به وسیله ی اصول مدارا اداره می‌شود، اشخاص مجبور می‌شوند با قواعد عمل مواجه شوند، اما این قواعد مانع مجبور کردن سایر اشخاص برای مواجهه می‌شود. به طور خلاصه، فردگرایی و مدارا ارزش‌هایی هستند که می‌خواهند افراد را در جامعه به هم پیوند دهند، اما آن‌ها چنین کاری را با اجازه دادن به اشخاص برای داشتن آزادی نسبی از سایر قیده‌های اجتماعی نیز انجام می‌دهند. فردگرایی و مدارا کاملا سازگار با حفظ هماهنگی در جامعه ای است که با پیچیدگی و تنوع مشخصه آن می‌باشد.

تقسیم بندی وگت از مدارا: مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی

وگت مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند که با یکدیگر همپوشی دارد، مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی (فلیس، ۲۰۰۴؛ کولسنت، ۱۹۹۷).

نخستین حالت مدارای سیاسی است. بنا بر تعریف وگت (۱۹۹۷)، این مورد یعنی مدارا با "اقدامات حوزه عمومی، از جمله سخنرانی‌ها، تظاهرات، اعلامیه‌ها، ترتیب دادن جلسات و غیره". این نوع از مدارا با پشتیبانی از آزادی‌های مدنی، معمولا برای گروه‌های مورد انزجار یا نامحبوب، مرتبط می‌گردد. مدارای سیاسی از دهه ۱۹۵۰ موضوع مطالعات علمی قرار گرفته است (گیسون ۲۰۰۶؛ سالیوان و همکاران ۱۹۸۲؛ نقل از ون دورن، ۲۰۱۲). به عبارت دیگر مدارای سیاسی به خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی اشاره دارد که مورد علاقه و توافق نباشد مصادیق مدارای سیاسی شامل: مدارا نسبت به روزنامه نگاران، نویسندگان و تهیه کنندگان منتقد، مدارای سیاسی عمومی می‌شود. (کولسنت، ۱۹۹۷؛ ۴۷).

از نظر وگت (۱۹۹۷) "مدارای سیاسی امری اساسی است، زیرا در جذب و حفظ مدارا در مقابل سایرین حائز اهمیت است". وی توضیح می‌دهد که چگونه مدارای سیاسی از سایر انواع مدارا پیشی می‌گیرد یا "مسیر را برای آن‌ها مهیا می‌سازد". اگرچه جهت‌گیری‌های سیاسی مختلف موضوع مطالعات سیستماتیک پیشین در زمینه مدارای سیاسی بوده‌اند (استافر ۱۹۵۵)، اما مدارای سیاسی به تنوع جهت‌گیری‌های سیاسی محدود نمی‌گردد. مدارای سیاسی با پشتیبانی از حقوق مدنی با توجه با تفاوت‌های مذهبی، قومی، سیاسی، فرهنگی و جنسیتی مرتبط است (ون دورن، ۲۰۱۲)

دومین نوع مدارای مورد اشاره وگت، مدارای اخلاقی است. این یعنی مدارا با اقدامات حوزه شخصی: "رایج‌ترین و بحث‌برانگیزترین نمونه در دهه‌های اخیر ... رفتار جنسی، مانند "زندگی در گناه"، پورنوگرافی،

همجنس‌گرایی، و سقط جنین" (وگت ۱۹۹۷) بوده است. وگت (۱۹۹۷) توضیح می‌دهد که موضوع اصلی خود رفتار نیست، بلکه این مسئله است که آیا این اقدامات معین باید مورد کنترل عمومی یا دولتی قرار گیرند یا خیر. این تنش در بحث‌های عمومی معاصر در زمینه حقوق همجنس‌گرایان و اتانازی مشهود است. در تاریخ اخیر اروپای غربی، تغییر موضعی نسبت به همجنس‌گرایی قابل مشاهده است که عدم مدارای کامل (منع عمومی و شخصی) تا افزایش مدارا (رفتار جنسی مسئله‌ای شخصی است و نباید مورد اجبار عمومی قرار گیرد) و اذعان کامل به حقوق برابر همجنس‌گرایی برای ازدواج و پذیرش سرپرستی کودکان در برخی از کشورها در دهه‌های اخیر را در برمی‌گیرد (ون دورن، ۲۰۱۲).

به طور کلی می‌توان گفت مدارای سیاسی نسبت به کسانی به کار می‌رود که در پی ایجاد خیر عمومی هستند و مدارای اخلاقی، مدارا نسبت به کسانی است که خارج از فضای خیر عمومی، به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خود هستند. تفاوت میان مدارای سیاسی و اخلاقی مربوط به حقوقی می‌شود که به دلیل توافق شهروندان بر سر پیروی از قراردادهای اجتماعی به آنها واگذار شده است. منظور از قراردادهای اجتماعی توافق میان شهروندانی است که نسبت به سهمیه‌های مختلف برای ساختن "خیر عمومی" مدارا می‌کنند که این در مقابل آزادی کامل افراد برای دنبال کردن زندگی مورد علاقه شان قرار دارد. خیر عمومی خیری است که برای سود تمام شهروندان ساخته می‌شود و محصول گفتمان منطقی درباره‌ی این مطلب است که حق "ما" به عنوان گروهی که اجتماع معینی را بنا کرده اند چیست؟ (کولسنت، ۱۹۹۷، نقل از مقتدایی، ۱۳۸۹)

سومین نوع مدارای مورد توصیف وگت، مدارای اجتماعی است. مدارای اجتماعی به پذیرش "خصوصیاتی که فرد از هنگام تولد دارا می‌باشد یا در مراحل نخست اجتماعی شدن آنها را کسب می‌کند، مانند رنگ پوست یا زبان" اشاره دارد (وگت ۱۹۹۷). وگت توضیح می‌دهد که اغلب این خصوصیات نیستند که مورد مخالفت قرار می‌گیرند بلکه رفتار و اقدامات "نامناسب" افرادی با این خصوصیات مدنظر قرار می‌گیرند. نمونه‌ای که وگت برای اشاره به مدارای اجتماعی به کار می‌برد عبارت است از استفاده از حمل و نقل عمومی و سایر خدمات عمومی توسط سیاه‌پوستان: ممنوع شده در آفریقای جنوبی تا پایان قرن بیستم؛ غیرقابل مدارا در ایالات متحده تا دهه ۱۹۶۰. آنچه مورد (عدم) مدارا قرار می‌گیرد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متغیر است و مورد اصلاحات اجتماعی و سیاسی واقع می‌شود. مدارای اخلاقی و رفتاری شامل مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، مجرمان و سبک‌های پوشش و رفتار می‌باشد. در واقع وگت با تمایزی که بین ابعاد سه گانه مدارا برقرار کرده، چند بعدی بودن پدیده‌ها و مسائل را مورد توجه قرار داده و می‌کوشد تا بر خلاء موجود در مورد سنجش مدارا فائق آید. (ون دورن، ۲۰۱۲).

آنتونیو گرامشی

گرامشی فیلسوف، انقلابی، و نظریه‌پرداز بزرگ مارکسیست، و از رهبران و بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایتالیا بود. او در بخشی از کتاب نوشته‌های سیاسی، با عنوان مدارا سازش‌پذیری، عدم مدارا سازش‌ناپذیری، مدارا را نه موضعی کاملاً نظری و نه فضیلتی اخلاقی یا نمایانگر تکلیف احترام (به دیگری) می‌داند، وی مدارا را به عمل موثر (پراکسیس) ربط می‌دهد، به این معنا که آن را شرط تعهد گروه اجتماعی و عمل سیاسی و نقطه‌ی مقابل بی‌تفاوتی می‌داند. به اعتقاد او مدارا زمان ویژه‌ای دارد: باید در گفت و شنود آزادانه‌ای که پیش از دست زدن به عمل صورت می‌گیرد نقش خود را بازی کند و تصمیم‌گیری‌های خردمندانه جمعی را میسر سازد. مدارا در این صورت یک "روش گفت و شنود بین انسان‌ها است، که در اساس با هم توافق دارند و می‌کشند تا بین اصول مشترک عملی خود و عملی که باید مشترکاً انجام دهند هماهنگی ایجاد کنند". مدارایی که تمام حقیقت‌ها را در بر گیرد موضع بی‌تفاوتی پیدا می‌کند و آنگاه حتی امکان یافتن حقیقت از بین می‌رود و دیگر مسئله مدارا یا سازش در هنگام عمل مطرح نخواهد بود بلکه مدارا مانعی خواهد شد در راه رسیدن به توافق‌های پایدار و قواعد عملی ضروری برای انجام عمل. از این رو عدم مدارا با سازش‌پذیری به هنگام عمل همراه است، در حالی که عمل باید توأم با سازش‌ناپذیری در زمینه تصمیم‌های تصویب شده باشد، به شرط آنکه تصمیم‌ها از سوی همگان به شکل تساهل آمیز به تصویب رسیده باشد. (سادا-ژاندرن، ۱۳۷۸: ۲۱۴-۲۱۵)

پیتر کینگ

پیتر کینگ (۱۹۷۶) مدارا را برحسب موضوع، به سه دسته هویتی، سیاسی و رفتاری تقسیم کرده است. در این تقسیم‌بندی، مدارای هویتی یعنی اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند و شامل مدارا نسبت به پیروان ادیان دیگر (مدارای دینی)، مدارا نسبت به افراد ملیت‌های دیگر (مدارای ملیتی) و مدارا نسبت به قومیت‌های دیگر (مدارای قومیتی) می‌شود. مدارای سیاسی که ناظر به قبول حق برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند. مدارای سیاسی به معنی شناسایی حق‌گردهمایی صاحبان عقاید مخالف و نشان‌دهنده‌ی حق اعتراض برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند. مدارای رفتاری به معنی عدم سختگیری نسبت به برخی از الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست هستند که خود شامل سه نوع مدارا است: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم و مدارا نسبت به مجرم. این سه نوع مدارا با استفاده از شش موقعیت که فرد در روابط خویش با دیگران ممکن است در آن قرار بگیرد سنجیده شدند. میزان تمایل فرد به قبول این موقعیت‌ها نشان‌دهنده‌ی میزان مدارای وی خواهد بود. این موقعیت‌ها عبارتند از ازدواج، همسایگی، همسفرگی، شراکت، همنشینی و معامله. (سراج زاده و همکاران، ۱۳۸۳: بشیریه، ۱۳۸۳؛ ص ۱۴۵).

چیکرینگ و ریسر

چیکرینگ و ریسر (۱۹۹۳) در بررسی آنچه که آن‌ها نیز مدارا نامیده اند منحصراً روی آنچه که وگت در قلمرو اجتماعی مدارا قرار می‌دهد تمرکز کرده‌اند. اگرچه آن‌ها اساساً روی مدارای اجتماع تمرکز کرده‌اند اما مدارا نسبت به عقاید و اعمال دیگران هم در عرصه‌ی خصوصی و هم در عرصه عمومی را نیز ذکر کرده‌اند که با مدارای سیاسی و اخلاقی در نظر وگت همپوشی دارد. آن‌ها به مدارا به عنوان حضور دو موقعیت توجه کرده‌اند: بین فرهنگی و بین فردی. به علاوه‌ی آنچه که آن‌ها به عنوان مدارا در نظر می‌گیرند با سازه‌ی وگت متفاوت است. آن‌ها به جای این که روی رفتار تاکید کنند بیشتر روی گرایش متمرکز شده‌اند (فلیس، ۲۰۰۴؛ ۲۷).

طبق نظر چیکرینگ و ریسر کسانی که مداراجو هستند «نوعی توانایی کسب کرده‌اند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا علاوه بر پذیرش و احترام نسبت به تفاوتها، به تحقیق بیشتری درباره‌ی این تفاوتها علاقه نشان دهند و نیز بپذیرند که این تفاوتها وجود دارند» (چیکرینگ و ریسر، ۱۹۹۳، به نقل از فلیس، ۲۰۰۴: ۲۸). این بیانات نوعی بخش سازنده‌ی گرایش رفتاری را پیشنهاد می‌کند که در تقابل با سازه‌ی وگت از مدارا می‌باشد. بدین معنی که از نظر چیکرینگ و ریسر افرادی که مداراجو هستند تنها مشکلات و ناملايمات را تحمل نمی‌کنند بلکه علاوه بر آن به افراد متفاوت از خودشان با آغوش باز خوش آمد می‌گویند و حتی صمیمیت اجتماعی با آن‌ها را جستجو می‌کنند (فلیس، ۲۰۰۴؛ ۲۸).

رابطه هینکلی

هینکلی در تحقیقات خود در ارتباط با شخصیت و مدارای سیاسی دنبال یافتن پاسخی برای این سوال بود که «آیا تمامی شهروندان می‌توانند با مشارکت در سیاست‌های دموکراتیک مدارای سیاسی را فراگیرند؟» در بسیاری از جوامع شهروندان حمایت بیشتری از فرایندها و نهادهای دموکراتیک می‌کنند تا گسترش آزادی‌های اساسی برای گروههای حاشیه‌ای. هنوز رابطه‌ی بین حمایت از دموکراسی و مدارای عملی موجود در دموکراسی‌های دیرپا در حد اندکی است. شهروندان این دموکراسی‌ها مدارا را به واسطه‌ی اعمال آزادی‌های عملی موجود فرا می‌گیرند. کمبود تجربه‌ی مستقیم در مورد فرایندهای دموکراتیک علت بخشی از شکاف مدارا بین دموکراسی‌های دیرپا و دموکراسی‌های نوپا است (هینکلی، ۲۰۱۰).

فقدان تجربه مستقیم فرایندهای دموکراتیک ممکن است دلیل بخشی از خلاء مدارا بین توده مردم در دموکراسی‌های استقرار یافته و نو باشد و اشاره خوش‌بینانه‌ای به آینده مدارا در اروپای پساکمونستی محسوب می‌شود. با این وجود، فراگیری مدارا محدود به افرادی به نظر می‌رسد که از منظر روان‌شناختی پذیرای مواضع مخالف باشند. عدم مشارکت در فرایندهای دموکراتیک دلیل بخشی از تفاوت میزان مدارا در دموکراسی‌های استقرار یافته و جدید است و دربردارنده دیدگاهی خوش‌بینانه به مدارا در دموکراسی‌های

اروپای پساکموننیستی در آینده می‌باشد. با این وجود، تأثیر مشارکت سیاسی بر مدارا می‌تواند مشروط به تمایلات و خواسته‌های فردی باشد. خصوصیات روان‌شناختی، از جمله جزم اندیشی (راکیچ ۱۹۶۰)، مانع فراگیری دموکراتیک هستند و اندیشمندان متعصب را به چهارچوب‌بندی سیاست در قالب رقابتی بین "خوب" و "بد" اخلاقی تشویق می‌نمایند. این چهارچوب شناختی قادر است تا فرصت آموختن ارزش مدارا را به موقعیتی برای تثبیت این اندیشه که گروه‌های مورد انزجار سزاوار حقوق دموکراتیک نیستند مبدل سازد.

بنابراین به اعتقاد وی یکی از عوامل تاثیر گذار بر مدارا، درگیری مستقیم در سیاست دموکراتیک است. به نظر وی در مدل یادگیری دموکراتیک، مدارا هنگامی بهتر فراگرفته می‌شود که شهروندان در معرض فراز و نشیب‌های سیاست‌های دموکراتیک قرار گیرند. این مواجهه با تعلیمات مدارای سیاسی می‌تواند به شیوه‌های مختلف رخ دهد، از مشاهده مباحثات مرتبط با آزادی‌های مدنی گرفته تا اعمال شخصی و فعالانه روش‌های دموکراتیک برای مقابله با دولت. به طور خلاصه، مدل یادگیری دموکراتیک بر مشارکت دموکراتیک شهروندان و نیز بافت دموکراتیک گسترده‌تری که در آن آزادی‌های مدنی گروه‌های نامحبوب و حاشیه‌ای مورد تأیید دولت قرار دارند تأکید می‌ورزد. در این فرمول‌بندی، تجربه فردی و بافت سازمانی به طور مشترک بر یادگیری دموکراتیک تأثیرگذارند. افراد به واسطه تکرار "بکارگیری آزادی‌های مدنی" برای اقلیت‌ها مدارا را فرامی‌گیرند (پفلی و رارشنايدر ۲۰۰۳).

تأثیر این مشارکت به عوامل سازمانی سطح کلان وابسته است. در یک حکومت دموکراتیک، فرصت‌های بیشتری برای تجربه و مشاهده اعمال هنجارهای دموکراتیک به موارد خاص در اختیار افراد قرار می‌گیرند. از این رو، تأثیر یادگیری در صورت مشارکت با حکومت‌های دموکراتیک باثبات بیشتر از مشارکت با دموکراسی‌های تازه یا حکومت‌های سلطه‌طلب خواهد بود. پژوهش‌های تجربی صورت گرفته تا امروز از چندین مفهوم مدل‌های یادگیری دموکراتیک پشتیبانی می‌کنند. اولاً، شرکت در فعالیت‌های نامرسوم از قبیل اعتراضات موجب پرورش مدارا است و احتمال تغییر نگرش‌ها توسط این فعالیت‌ها از تأثیر فعالیت‌های معمول از جمله رأی‌دهی بیشتر است (گوئرین، پتری، و کورت ۲۰۰۴؛ جنینگز ۲۰۰۲؛ پفلی و رارشنايدر ۲۰۰۳). دوماً، تأثیر فعالیت‌هایی که نیازمند مشارکت گروهی هستند، از جمله فعالیت‌های کمپین یا جلسات سیاسی، از فعالیت‌های فردی بیشتر خواهد بود (ویر ۲۰۰۳؛ نقل از هینکلی، ۲۰۱۰).

آیا تمامی شهروندان بهره‌براری از این مشارکت خواهند برد؟ معاشرت سیاسی ممکن است توسط خصوصیات و ارزش‌های فردی خاصی مورد ممانعت یا تقویت قرار گیرد. به عنوان مثال، شکل‌گیری یادگیری دموکراتیک می‌تواند تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی از قبیل اعتماد به نفس (اسنایدومن ۱۹۷۵) یا ارزش‌های فراگرفته‌شده به واسطه معاشرت‌های پیش از بزرگسالی (جنینگز و نیممی ۱۹۷۴) واقع شود. رایج‌ترین خصوصیت فردی مورد اشاره در مدارا جزم اندیشی است (راکیچ ۱۹۶۰)، و آثار بسیاری بر این یافته تأکید

کرده اند (از جمله، گیبسون ۲۰۰۲؛ گیبسون و گاوس ۲۰۰۳؛ سالیوان، پیرسون، و ماکوس ۱۹۸۲). تفکر مبتنی بر جزمیت یادگیری دموکراتیک را از طریق نحوه فرمول‌بندی شناختی فرد از افراد خارج از گروه محدود می‌سازد. افرادی با اندیشه متعصب در مواجهه با فراز و نشیب‌های سیاست‌های دموکراتیک، تمایل به حفظ ساختارهای اعتقادی موجود دارند و رقابت‌های سیاسی را نبردهایی بین دسته‌بندی ساده خود از "خوب" یا "بد" فرض نموده و افراد خارج از گروه خود را خطرناک و فاقد شایستگی برای حقوق دموکراتیک می‌پندارند. در مقابل، در افراد روشن‌فکر، بهره‌گیری مستقیم از حقوق موجود به تقویت لزوم گسترش این حقوق به گروه‌هایی که سزاوار ملاحظات مشابه هستند (حتی اگر مورد انزجار باشند) خواهد انجامید (هینکلی، ۲۰۱۰).

پرسل

پرسل در ارتباط با جامعه مدنی، بحران اقتصادی، و مدارای اجتماعی می‌گوید: مدارای اجتماعی با افراد و گروه‌هایی که متفاوت فرض می‌شوند یکی از ارزش‌ها و ضروریات‌های جوامع دموکراتیک، به ویژه کشور متنوعی همچون ایالات متحده، به شمار می‌آید. مدارای اجتماعی تام به پذیرش کامل هویت و منحصر به فردی تفاوت‌هایی که قابل چشم‌پوشی نیستند می‌انجامد. در صورت عدم پذیرش، با سطح پایین‌تری از مدارا مواجه خواهیم بود که دربرگیرنده تمایل به اعطای حقوق قانونی و سیاسی برابر به افراد متفاوت و خودداری از اظهار آشکار نگرش‌های مبتنی بر عدم مدارا می‌باشد. این سطح پایین‌تر، کمترین آستانه مدارای مورد نیاز برای عملکرد یک جامعه دموکراتیک در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به فرضیه ما مبنی بر این که شرایط اقتصادی بر جامعه مدنی تأثیرگذارند، چنین انتظار می‌رود که افرادی که بحران اقتصادی شدیدتری را تجربه می‌کنند، براساس مفاهیم بلا و سالیوان، بیش از سایرین در معرض منفعت‌طلبی، فعالیت‌های بهره‌گیرانه، و در نتیجه ارتباطات اشتراکی کمتر، اعتماد پایین‌تر، و سطوح بالاتری از ناهنجاری قرار داشته باشند (بلا و سالیوان ۱۹۸۱). همچنین، به اعتقاد کیس و همکاران (۱۹۸۹)، گیبسون (۱۹۹۲)، و آستیمر و ریت (۱۹۸۲)، این قبیل افراد احتمالاً سطوح پایین‌تری از مدارای اجتماعی بروز می‌دهند. به طور کل، نتایج نشان می‌دهند چندین جنبه از موقعیت اقتصادی دارای اثراتی محدود بر مدارا با سایر نژادها و هم‌جنس‌گرایان می‌باشند. درآمد حقیقی، بیکاری، و امنیت شغلی همگی ارتباطی مثبت، البته اندک، با مدارای اجتماعی دارند. بیکاری پیچیده‌ترین نتیجه به دست آمده است. احتمالاً بیکاران بیشتر در موقعیت‌های مختلف مشغول به کار بوده‌اند یا برپایه خصوصیات یا وقایع اجتماعی، درک بیشتری از آسیب‌پذیری دارند و از این رو، مدارای بیشتری نشان می‌دهند (پرسل، ۲۰۰۱).

معاشرت غیررسمی اثرات مختلطی بر مدارا دارد. افرادی که اغلب با دوستان خود معاشرت می‌کنند بیش از افراد غیراجتماعی اهل مدارای نژادی هستند. با این وجود، افرادی که بیش از سایرین با همسایگان خود

ارتباط دارند مدارای کمتری با همجنس‌گرایان نشان می‌دهند. یافته‌های حاصل به این اشاره دارند که در ایجاد مدارا، اهمیت خود معاشرت از ابعاد اساسی مکالمات اجتماعی کمتر است. شاید کسانی که زمان زیادی در کارها به سر می‌برند اغلب با افرادی با زمینه‌های مختلف ملاقات می‌کنند و به موجب آن میزان مدارا در آن‌ها افزایش می‌یابد، در حالی که فرد اهل معاشرت با همسایگان، معمولاً با طیف محدودی از اشخاص در تماس است. این نتایج نشان می‌دهند نقش معاشرت‌های غیررسمی بسیار پیچیده است و با انتظارات مختلف ما از آن دارای مطابقت است. اثرات معاشرت غیررسمی به احتمال زیاد به ارزش‌ها و هنجارهای افرادی که با آن‌ها در تماس هستیم بستگی دارد، نه به خود واقعیت اجتماعی شدن (همان منبع).

به اعتقاد پرسل عوامل متعددی می‌توانند تاثیر بحران اقتصادی (فشار مالی) را بر جامعه‌ی مدنی و مدارا مشروط نمایند. یکی از مهمترین عوامل «تحصیلات» است. اگر ارتباط مستقیم بین شرایط اقتصادی، جامعه‌ی مدنی و مدارای اجتماعی وجود دارد، باید انتظار داشت با افول شرایط اقتصادی، جامعه‌ی مدنی و میزان مدارای اجتماعی نیز کاهش یابد مگر اینکه نیروهای موثری دست اندرکار باشند. چنین نیرویی می‌تواند تحصیلات باشد، به این علت که سطوح تحصیلی در جامعه‌ی آمریکا بالا رفته است و سطوح تحصیلی به میزان بالایی با مدارای اجتماعی حداقل در میان گروه‌های سنی جوانتر ارتباط دارد. از نظر وی، فضای عمومی و انجمنی جامعه‌ی مدنی زمینه‌ای را فراهم می‌کند که مردم در آن یاد می‌گیرند که به تفاوتها ارزش نهند. (پرسل، ۲۰۰۱).

مایکل والزر:

والزر یکی از فیلسوفان سیاسی برجسته آمریکایی است. موضوع آثار او دامنه وسیعی را در برمی‌گیرد که از آن جمله می‌توان به جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه، ملی‌گرایی، قومیت، عدالت اقتصادی، نقادی اجتماعی، بنیادگرایی، مدارا و اجبار سیاسی اشاره کرد. او در زمینه مدارا چنین می‌گوید: مدارا در (مقام یک نگرش)، شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد و مدارا کردن (در مقام عمل) به روش‌های گوناگونی سامان می‌یابد. گو اینکه حتی در اکراه‌آمیزترین شکل‌های آن و بی‌ثبات‌ترین سامان‌های آن نیز بسیار مطلوب‌اند و چه کم در تاریخ بشر می‌توان از آنها سراغ گرفت و حال آنکه ارج‌شناسی آنها مه‌تنها در عمل که در مقام نظر نیز همواره مورد نیاز بشر بوده است. والزر مدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم با تاریخ، فرهنگ و هویت‌های گوناگون تعریف می‌کند (والزر، ۱۳۸۳: ۲).

او در کتاب خود "در باب مدارا" ذکر می‌کند که در گفتارهای عادی، اغلب می‌گویند مدارا رابطه‌ای است متضمن نابرابری که در آن موقعیت پست‌تر از آن گروه‌ها و افراد مورد مدارا می‌گردد. با دیگری مدارا کردن نوعی اعمال قدرت است، حال آنکه مورد مدارا واقع شدن گونه‌ای پذیرفتن ضعف است. ما باید به چیزی بهتر از آن اندیشیم، چیزی فراسوی مدارا، چیزی همچون احترام متقابل. احترام متقابل نگرشی است که موجب

مدارا می شود. از نظر وی اگر مردم درباره جایگاه و موقعیتشان در نسبت با دیگران تردید داشته باشند، مداراجویی آشکارا بخردانه ترین خط مشی خواهد بود (والزر، ۱۳۸۳: ۷۳ و ۷۴).

او در بحث از مقولات عملی مدارا، این مفهوم را با چندین مقوله اصلی و عملی ارتباط می دهد که عبارت است از: قدرت، طبقه، جنسیت، دین و آموزش و پرورش. به گفته والزر، مدارا می تواند به چندین حالت ذهنی اشاره داشته باشد. در پایین ترین سطح، مدارا را می توان پذیرش کناره گیرانه یا بی تفاوتی منفعلانه نسبت به تفاوت های فرهنگی و سیاسی در نظر گرفت. بر این اساس، باید در نظر داشت که سایرین نیز از حقوق مختص به خود برخوردار هستند، حتی اگر این حقوق را به شیوه هایی نامطلوب بکارگیرند. از طرف دیگر، مدارا می تواند به تمایل به فراگیری از دیگران یا حتی تأیید مشتاقانه تفاوت ها اشاره کند. او مقولاتی همچون بی تفاوتی و بی اعتنایی و پذیرش حاکی از تسلیم و رضا را همچون شیوه های پنهان اما مهمی از عدم مدارا در جوامع مختلف معرفی می کند (والزر، ۱۳۸۳).

آندرو فیالا

آندرو فیالا (۲۰۰۵) در فصل دوم کتابش "مدارا و زندگی اخلاقی"، مدارا را نیازمند فهم پیچیده ای از خود و تعهدات اخلاقی آن می داند. مدارا عموماً به عنوان واژه ای به کار می رود که فضیلت یا ویژگی یا تمایل به انجام اعمال بردبارانه را توصیف کند. هنگامی که در زبان معمولی روزمره می گوئیم فلانی هنگام درد مدارای زیادی دارد، بدین معنی است که او توانایی تحمل درد را دارد. اتفاقی نیست که واژه مدارا را در رابطه با درد به کار می بریم؛ چراکه مدارا به مثابه آرمانی اخلاقی، مستقیم به چیزهای منفی مربوط می شود. با این ریشه شناسی می توانیم به تعریفی کلی از مدارا دست یابیم که در بردارنده سه شرط به هم مرتبط است. بنابراین، وقتی من با چیزی مدارا می کنم:

۱- قضاوت و برداشتی منفی درباره آن دارم (آن چیز ممکن است شخص یا اعمال یا نگرش ها و عادت های او باشد)

۲- می توانم آن را خنثی و بی اثر کنم؛

۳- می توانم عمداً از خنثی سازی آن خودداری کنم.

شرط اول، نیازمند برداشتی منفی است. البته قضاوت منفی درباره مدارا کاملاً نامطلوب نیست؛ بلکه قضاوت و برداشت منفی در اینجا حد وسط بین موضوع مطلوب تا کاملاً نامطلوب است. این برداشت چه بسا جایی در یک پیوستار، از منفی ترین تا مثبت ترین شکل آن باشد. واژه قضاوت در اینجا در معنای وسیع تری به کار می رود که شامل واکنش های احساسی نیز می شود. به طور کلی، قضاوت بین چیزها تمایز ایجاد کرده و اثر تحریک کننده دارد. اگر قضاوت کاملاً مطلوب باشد، نیازی به مدارا مطرح نمی شود؛ همچنین اگر برداشت کاملاً نامطلوب باشد و آن چیز را محکوم کنیم، مدارا ناممکن خواهد شد. عموماً برداشت منفی، به

انجام کنش منفی متمایل است؛ اما نکته اینجاست مدارا هنگامی رخ می دهد که در برابر نتایج منفی همان برداشت منفی مقاومت کرده و به رغم داشتن قضاوت منفی، کنش منفی و نامطلوب سرنمی زند. شرط دوم بیان می کند که فرد قدرت بیان موضع منفی خود را در مقابل محتوای سؤال دارد. واژه خنثی کردن را در معنای گسترده ای به کار می برد که شامل تنوعی از واکنش های منفی، از کناره گیری گرفته تا تخریب شدید می شود. شرط سوم بیان می کند که فرد آگاهانه از اعمال قدرت برای خنثی کردن آن چیز خودداری می کند. این مهم است که فرد قدرت دارد. فردی که اهل مدارا نیست. اگر با چیزی که از آن بیزار بوده همراهی و موافقت کند، به دلیل این است که یا به آن کار مجبور شده یا ترسو است. به عکس، هنگامی فرد اهل مدارا است که به چیزی که از آن نفرت دارد، بی اعتنا نباشد؛ اگرچه قدرت آن را داشته باشد. در عوض آن را تحمل می کند و بردباری به خرج می دهد. نهایت این که، خودداری کاملاً آگاهانه است: از بی تفاوتی به آن چیز خودداری می کند چراکه دلیلی برای آن نمی بیند (فیالا، ۲۰۰۵).

کارل پوپر

پوپر بزرگترین فیلسوفان علم سده بیستم به حساب می آید و آثار زیادی در فلسفه سیاسی و اجتماعی از خود باقی گذاشته است. او از جمله اندیشمندانی است که بحث مدارا را با توجه به خاستگاه نظری آن مورد بررسی قرار داده و به دفاع از آن پرداخته است. اعتراف به این که انسان خطا پذیر است، پشتوانه ی نظری این نوع مدارا می باشد. در این دیدگاه مدارا ابزاری است برای رسیدن به حقیقت، حقیقتی که اگر چه دست یافتنی نیست، اما رسیدن به آن مشکل است. نظریات پوپر در باب مدارا (که عمدتاً مدارای سیاسی است) منتج از نظریه ی معرفت او است. او معتقد است که تنها یک جامعه ی باز، که در آن باب نقد اندیشه ها همواره گشوده است و نسبت به اندیشه های نو و متعارض مدارا می نماید، می توان میدان خیزش علم باشد و اساساً ماهیت علم چنین جامعه ای را اقتضا می کند (بشیریه، ۱۳۹۲: ۷۶). پوپر در کتاب "جامعه باز و دشمنان آن" تمام فعالیت هایی را که به منظور استقرار یک نظام سیاسی بر اساس دستیابی به حقیقت مطلق صورت گرفته است را مردود می شمارد و معتقد است متفکرانی چون افلاطون که دستیابی به حقیقت مطلق را ممکن می دانستند و سعی در پایه گذاری جامعه بر اساس چنین پیش فرضی داشتند نهایتاً به یک جامعه نامتساehl و بسته می رسند، جامعه ی فاضله ای که مملو از زور و خشونت و سرکوب است و هیچ نوع مدارایی را نسبت به مخالفان بر نمی تابد. به نظر پوپر اعتقاد به این که حقیقت آشکار است و با روش های علمی خاص می توان بدان ها دست یافت، اعتقادی است که عملاً جلوی خیزش اندیشه تساهل و مدارا را سد می کند. در مقابل اعتقاد به لغزش پذیری انسان و اینکه حقیقت به سادگی در دام انسانها نمی افتد، راه را برای ظهور همه اندیشه های معارض باز می کند و زمینه مدارا را فراهم می سازد (عسکری، ۱۳۸۵).

جان راولز

راولز متفکر و فیلسوف آمریکایی برای اندیشیدن به مدارا از نظریه‌های مبتنی بر سودمندی آن، مانند نظریه جان استوارت میل یا نظریه‌هایی که تنها منافع دولت را ملاک قرار می‌دهند فاصله می‌گیرد. زیرا در آن، از دست دادن آزادی برای یک گروه می‌تواند به دلیل آن که دیگران بیشتر سود برده اند توجیه شود. به اعتقاد راولز دو اصل اساسی در سازش نخستین (زمانی که انسان‌ها در زیر حجاب نادانی، وضعیت همانند دارند و هیچ کس نمی‌تواند اصولی تنها به سود خویش برپا کند و اصول عدالت نتیجه یک سازش منصفانه است)، تعیین کننده می‌شود: از یک سو برابری در تخصیص حقوق و تکالیف (بین افراد و گروه‌ها) و از سوی دیگر اصلی که طبق آن نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی تنها در صورتی عادلانه دانسته خواهد شد که برای تعدیل مزایای افراد به ویژه بی بهره ترین اعضای جامعه بوجود آمده باشد. پذیرش برابری آزادی برای همه که پایه در برابری حقوق و تکالیف و نیز حتی در برابری مزایا دارد، اساس عدالت است. در وضعیت آغازین، اصل آزادی وجدان (عقیده) برای همه تصویب می‌شود، بنابراین اجازه داده نخواهد شد که آیین‌های اخلاقی یا مذهبی حاکم، آزادی عقیده یا وجدان را در لوای قانون به مخاطره اندازند. طرفین سازش از آزادی برابر همگان دفاع می‌کنند: حتی اگر زمانی آن حجاب برداشته شود احتمال آنکه عقیده ای جزء عقاید حاکم باشد بسیار خواهد بود، اما متقابل خطر از دست رفتن آزادی نیز بسیار بالا می‌رود. خلاصه هیچ سود اقتصادی، اجتماعی یا مذهبی نمی‌تواند نخستین اصل، یعنی برابری آزادی برای همه را که ناشی از سازش نخستین است به حالت تعلیق در آورد.

راولز نظریه اصالت سودمندی را از همین جهت مورد انتقاد قرار می‌دهد: در این نظریه فرض بر آن گذاشته شده که از دست دادن آزادی برای یک گروه می‌تواند به دلیل آنکه دیگران بیشتر سود برده اند، توجیه شود. به اعتقاد راولز در جامعه عادلانه برابری حقوق مدنی و آزادی برای همه امری مسلم شناخته می‌شود. انتقاد از نظریه اصالت سود مستقیماً بر مفهوم مدارا تأثیر گذاشته است و عنوان می‌کند که مدارا و تساهل نتیجه اصل برابری آزادی برای همه است و در برابری آزادی عقیده متجلی می‌شود و هرگز نمی‌توان چیزی از آن کاست یا نابودش کرد. مدارا جزء ذات اصل اساسی نظریه ی عدالت است. وقتی دولت نمی‌تواند هیچ مذهب خاصی را برتری دهد. پس آزادی عقیده تنها حدی که دارد مصالح عموم است.

به اعتقاد او مدارا ناشی از ضرورت عملی یا امری سیاسی و دولتی نیست. بلکه نتیجه مستقیم اصل برابری آزادی برای همه است. هیچ خواست گروهی یک جانبه ای نمی‌تواند با اصل اساسی برابری آزادی برای همه تعارض داشته باشد: هر خواست مذهبی باید نخست با دو اصل عدالت (یعنی آزادی و برابری) که مستقل از منافع و عقاید همه برقرار شده، سازگار باشد. کوتاه ساختن اینک تنها کسی شایسته و درخور مدارا است که با عدالت، به معنای انصاف، موافق باشد و این تعریف یکجای مدارا و حدود آن است (سادا- ژاندرون، ۱۳۸۷؛ ۱۹۳-۱۹۶).

پی‌یر بیل

بیل نویسنده و متفکر پروتستان مذهب فرانسوی است که به تأمل در باب مدارای دینی پرداخته است و اصل عدم یقین را که به عنوان اصل و اساس مدارای دینی، نخستین بار توسط جان لاک مطرح شده بود را با قدرت و استحکام بیشتری مطرح و پیگیری کرد. او نظریه‌ی خود را در کتابی تحت عنوان «رساله‌ی در باب تساهل عمومی» در سال ۱۶۸۶ نوشت. بیل در رد شکنجه‌هایی که از سوی مسیحیان نسبت به یکدیگر اعمال می‌شد یک بنیان و اساس کلامی را پی‌ریزی نمود. به نظر او اجبار یک قوم یا ملت که به عقاید دینی دیگری، معتقد است با عقل منافات داشته و لذا غیر قابل دفاع است. به نظر او بین عقل و ایمان تفاوت وجود دارد. او معتقد است که ایمان مذهبی راهی است که ما را اغنا و مجاب می‌نماید. لذا انسان می‌بایست بنا بر میل قلبی خود به خداوند عشق بورزد و او را بپرستد. به نظر بیل ایمان واقعی عبارتست از اظهار عشق و علاقه قلبی و ابراز ارادت به خداوند. بنابراین اجبار شخص به پرستش خداوند و انجام اعمال دینی نه تنها او را به معنای واقعی کلمه دین‌دار نمی‌کند بلکه بر عکس از او انسانی غیر مذهبی و ریاکار می‌سازد (لاک، ۱۳۹۵: ۲۷).

به نظر بیل تفاوت‌های دینی امری غیرقابل اجتناب است انسانی که در کشورها و دوره‌های متفاوتی زندگی میکند و طبایع و شرایط زیستی و تاریخی متفاوتی دارد، طبیعی است که حقایق دینی را به طرق گوناگون و با تفسیرهای متفاوت دریابد، این تفاوت‌ها خیلی عجیب نیستند اما شکنجه‌ها و کشتارهایی که در بین آدمیان به دلیل وجود این تفاوت‌ها رخ می‌دهد بسیار شگفت‌آور است. بیل از حق وجدان انسان‌ها دفاع می‌کند و معتقد است همه‌ی انسان‌ها تمام جهد و تلاش خود را بکار می‌برند تا حقیقت را تشخیص دهند، اما اگر فردی پس از همه‌جهد و تلاش‌ها از شناسایی حقیقت بازماند، قطعاً نباید مستحق مجازات باشد زیرا وجدان نیز ممکن است مرتکب خطا و اشتباه شود. به نظر بیل تفکر انسان را نمی‌توان به انقیاد در آورد، و تکرار هر فرد فقط در اختیار اوست. او می‌گوید اگر همه‌ی انسان‌ها بتوانند همدل و همفکر باشند، خصوصاً اگر در باب اعتقادات دینی با هم همدلی کنند، بسیار خوب است. اما همواره به دلیل جهل و هوای نفسانی بشر و یا دلایل دیگر، چنین توافق و همدلی همگانی ناممکن است، البته به نظر او، هم این نواقص، جزء طبیعت و سرشت بشر است. او معتقد است شناخت محدودیت‌ها و نواقص بشر و اینکه این نواقص جزو طبیعت انسان است به طور طبیعی اعتقاد به مدارا را ضروری می‌نماید. بنابراین مدارا شکل منطقی و نتیجه‌ی اخلاقی یک واقعیت است که انسان یک مخلوق ناقص است و هیچگاه نمی‌تواند ادعا کند که به قطع و یقین دست یافته است، بر این اساس هیچ کس و هیچ فرقه‌ی دینی‌ای به هیچ وجه نمی‌تواند از سر یقین ادعا کند که بر حق است و به هیچ عنوان نباید ایمان و اعتقادات خود را بر دیگر ملل تحمیل کند یا آنکه بخواهد عقاید آنان را تغییر دهد (لاک، ۱۳۹۵: ۳۰ و ۳۱).

بیل معتقد است اجبار نمی تواند کسی را دین دار کند، زیرا اجبار و خشونت از سویی ناتوان از اقناع و جای دادن عشق و ترس از خدا را در قلب انسان است و از سوی دیگر، توان فراوانی برای برانگیختن اعمالی برونی در جسم انسان دارد که با واقعیت درون او همگون نیست، یعنی این اعمال برونی یا ریاکارانه و از روی سوء نیت یا عصیانی در برابر وجدان است. (سادا- ژاندرون، ۱۳۸۷؛ ۱۰۰).

جان لاک:

لاک از فیلسوفان سده ۱۷ میلادی انگلستان بود که به عنوان پدر لیبرالیسم کلاسیک شناخته می شود. او نخستین فیلسوف سیاسی است که به دفاع از مدارای سیاسی برخاسته و در تایید مدارا استدلالی اساساً سیاسی دارد و نه دین پژوهانه. لاک از حق آزادی وجدان در تعیین مذهب حقیقی و ایمان حقیقی دفاع می کند. مبنای این حق را تکلیفی مهمتر و اساسی تر می داند زیرا ناشی از الهی بودن وجدان است. حکم وجدان در هر شرایطی الزام آور است و تنها کسی که از آن فرمان برد رستگار خواهد شد (سادا- ژاندرون، ۱۳۷۸؛ ۷۸-۷۹)

لاک در «نامه ای در باب تساهل» به دفاع از حق آزادی همه فرقه های مذهبی برای انجام اعمال عبادی یا داشتن اعتقادات دینی همت می گمارد. به عقیده لاک وظیفه مذهب این است که زندگی انسان ها را بر اساس اصول تقوا و فضیلت و پاکدامنی انتظام بخشد. یک مسیحی واقعی می بایست در برابر عقاید و افکار ادیان دیگر اهل مدارا و شکیبایی باشد. او مدارا در برابر عقاید مخالفان را نه تنها مورد تأیید همه ادیان می داند بلکه استدلال می نماید که چنین چیزی مورد تأیید عقل سلیم نیز هست. لاک معتقد است همه ادیان بنابر ماهیتشان چیزی نیستند که بتوان آنها را به زور بر مردم تحمیل کرد و بنابراین همه ادیان ماهیتاً اهل تساهل و مدارایند (لاک، ۱۳۹۵: ۳۳-۳۵)

توجیه لاک از مدارا دارای بنیان غایت شناختی می باشد و بحثهایی که وی به گسترش آنها پرداخت عمیقاً ریشه در عقاید مذهبی اش دارد. مطلب اساسی که در «نامه ای در باب تساهل» مورد اشاره و تأکید قرار گرفته چنین است:

«سرکوب سیاست موثری نیست زیرا زور می تواند به ظاهر فرد را به اطاعت وادار نماید، اما نمی تواند موجب پذیرش عقیده ای در روح او گردد، تنها نتیجه گسترش تظاهر و ریاکاری خواهد بود. بنابراین سیاست سرکوبگرانه در زمینه عقاید از نظر اخلاقی زیانبار است و به طریق اولی موجب هدایت کسی به راه راست نمی شود و رستگاری او را تأمین نمی کند»

نکته ی دوم، رد استدلال سنتی بود. سنت گرایان مسیحی می گفتند وظیفه ی هر فرد نسبت به کلیسا همان وظیفه ی فرد نسبت به دولت است و اگر در برابر مخالفان کلیسا تسامح ورزیم، دولت دچار هرج و مرج می شود، اما لاک می گفت رسالت کلیسا در جهان مستقل از نقش دولت است. علت وجودی، نجات روح

انسان است و این رسالت را تنها از راه ترغیب و تبلیغ، آن هم با روشهای خالی از خشونت می تواند انجام دهد، ولی علت وجودی دولت حفظ حقوق مردم، یعنی حفظ جان و مال و آزادی آنان است و به همین دلیل در مواردی می تواند به عنوان آخرین چاره، از زور استفاده کند (نویسی، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

نظریه ی وی در خصوص مدارا پیوند تنگاتنگی با نظریه ی او درباره ی آزادی داشت. از آنجا که او معتقد بود یکی از بنیادی ترین دلایل برای وجود دولت حفظ حق طبیعی انسان برای آزادی بود، مدلی ساخت که دولت فقط وقتی حق استفاده از زور بر ضد فرد را دارد که حمایت از حقوق دیگران آن را ضروری سازد.

وی معتقد بود که برخی امور را نمی توان مورد مدارا قرار داد که عبارتند از:

۱- تبلیغ آرای مغایر با جامعه ی انسانی یا مغایر با قوانین اخلاقی ای که برای حفظ جامعه ی مدنی ضروری اند.

۲- نقض بیعت و بیعت کردن با امیری بیگانه یا اطاعت اتباع از حکام خارجی.

۳- انکار وجود خدا

۴- فعالیت اشخاصی که آماده اند در هر فرصتی حکومت را به دست بگیرند و خودشان را مالک اموال و دارایی های هموعان شان قلمداد کنند.

۵- هر دعوی برای داشتن امتیاز خاص که معارض با حق مدنی اجتماع باشد (کرنستن، ۱۳۷۶: ۶۶).

به طور کلی اعمالی که به جامعه یا دیگران آسیب برساند قابل مدارا نیست. اجمالاً در اندیشه ی تساهل، دولت نمیتواند به دلیل ماهیت خود و به حکم متکثر بودن حقیقت، مدعی باشد که حقیقت را آن گونه که هست شناسایی کرده و نمی تواند آنچه را که شناسایی کرده، به اجبار به دیگران تحمیل کند، پس باید تساهل نشان دهد که بر سیاستهای دولت، تاثیر زیانباری بر جای نهد و دولت بهتر بتواند اندیشه های خود را در صحنه های مختلف اجتماعی به مرحله ی بروز برساند (نویسی، ۱۳۷۹: ۱۱).

فرانسوا ولتر

ولتر از نامدارترین فیلسوفان و نویسندگان فرانسوی عصر روشنگری است. شهرت او به خاطر مخالفت هایش با کلیسای کاتولیک، حمایتش از آزادی مذهب، آزادی بیان، و جدایی دین از سیاست و شجاعتش در بیان نظریات بی پرده است. تمام شور زندگی او در جستجوی عدالت بود. او مانند بسیاری از متفکران عصر روشنگری دئیست بود و در آثارش اغلب به نقد عدم مدارا، تعصب مذهبی، و ساختار قدرت در فرانسه عصر خود می پرداخت.

اگرچه تمام اندیشه ی ولتر از سال ۱۷۶۲ متوجه ی مدارا می شود، اما رساله در باب مدارای (۱۷۶۳) او، برنامه ای بلند مدت برای انگیختن افکار عمومی به سود مبارزه علیه تعصب است. ولتر در این رساله شدیداً به کلیسای کاتولیکی حمله می کند و آن را آزمند قدرت این جهانی و سازنده ی دین پژوهی بیهوده می داند

که نتیجه آن در جمله ای تند و کوتاه بیان شده است: مسیحیت، تاریخ "شانزده قرن بربریت است". وی همچنین در نامه ای می نویسد «مبارزه در راه مدارا باید این ننگ را بزدايد». منظور از ننگ تعصب به هر شکل، به ویژه تعصب در مسیحیت است. (سادا- ژاندرن، ۱۳۸۷؛ ۱۱۸).

از نظر ولتر مدارا را یک فضیلت انسانی و نیز یک فضیلت اجتماعی است. رساله در باب مدارا آن را یک "خصیصه طبیعت" می داند و ولتر در واژه نامه فلسفی آن را "خصیصه انسانیت" می شمارد. مدارا همچنین به عنوان گذشت و بردباری و دلسوزی تعریف می شود. به اعتقاد وی نادانی بهره همگان است، پس هر انسانی باید با تمامی دیگران مدارا ورزد. ما باید همه با هم مدارا ورزیم زیرا همه ناتوان و ساده اندیش و دستخوش دگرگونی و خطاییم. مدارا چون متقابل است با گذشت همراه می شود و مبین رابطه سلطه بیم مداراکننده و کسی که با او مدارا می ورزد نیست.

ولتر برای استقرار مدارا دو را پیشنهاد می کند: یکی فعالیت در زمینه ی افکار عمومی، دیگر کار شهریاران که با راه دادن به عقاید گوناگون در کشور، اندک اندک احساسات مذهبی را خاموش سازند. وی نقش قاطعی برای تبلیغ یا آگاه ساختن مردم قائل می شود. به اعتقاد او مردم فرآورده ی روشنگری اند و در مبارزه ی مدارا علیه تعصب می توان آنها را به میدان آورد. نقش شهریاران جلوگیری از احساسات تند مردم است و این کار با وضع قوانین برای پرهیز از آشوب های مذهبی و پایان بخشیدن به خرافات میسر می شود. مدارا برنامه بلند مدت شهریاران است و هدف از آن جلوگیری تدریجی از مذاهب تحصلی است و با مفهوم کبیر دینی بودن دولت ملازمه ندارد

عقیده‌ی ما یا با عقیده‌ی رایج زمانه موافق نیست، پس نباید کیفر ببیند. کتاب مقدس، خود تعبیرهای مختلف را مجاز می‌داند. کژ دینی در واقع تنها در مورد اخلاقیات صدق می‌کند که اصول آن به وضوح تعیین شده است». وی با تایید ابهام کتاب مقدس در امور نظری، چشم انداز نوین دوگانه‌ای می‌گشاید. از یک سو از حقوق فردی آزادی عقیده و ایمان دفاع می‌کند و اتهام پافشاری (در گریز از حقیقت) را که به کژ دینان زده می‌شود را بی اعتبار می‌سازد: اختلاف درباره یک حکم شرعی دلیل گریز از حقیقت و یا دوری از خداوند نیست، زیرا خداوند خود این ابهام در احکام را اراده کرده است. بنابراین آدم کژ دین کمتر سرسخت است تا سرکوب‌گری که کژ دینی را به عمل بر «خلاف وجدان خود، یعنی به ایستادگی در برابر خدا و می‌دارد». از سوی دیگر کاستلیون نقش قاطعی برای عقل در تشخیص حقیقت قائل است، عقل را چراغ راهنمایی می‌داند برای همگان که به آن‌ها امکان می‌دهد تا آموزش‌های روشن و لازم را برای رستگاری در کتاب مقدس بشناسند، بدین سان وی دفاع از مدارا را بر پایه‌ی پذیرش تکالیف مربوط به وجدان فرد و شناخت ارزش عقل بنا نهاد (سادا- ژاندرون، ۱۳۸۷: ۶۴).

کاستلیون در کتاب دیگر خود تحت عنوان "پندی به فرانسه پریشان" اشاره می‌کند که تمام کوشش‌های فکری اش متوجه تحلیل جنگ‌های اجتماعی است که در فرانسه زخ داده است و ادعا می‌کند که علت اصلی جنگ‌ها نابردباری و عدم مدارای مذهبی و اجبار زوری است که بر وجدان انسان‌ها تحمیل می‌شود. او معتقد است اجبار و تحمیل موجب می‌شود که مخالفان یک عقیده بیش از پیش بر عقاید خود اصرار ورزند و جنگ را ادامه دهند. برای حل مناقشه و جنگ، هر دو طرف می‌بایست از تحمیل عقایدشان بر یکدیگر دست بردارند و نسبت به یکدیگر اهل تساهل و مدارا گردند (لاک، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۳).

استدلال‌های کاستلیون را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای از این براهین را می‌توان استدلال‌های اصولی نام نهاد که معتقد است اصولا اجبار انسان‌ها امر نادرستی است. اگر کسی را به خاطر آنکه مومن شود شکنجه کنند نه تنها به جسم او بلکه به روح او نیز خیانت کرده‌اند. دسته دیگر از استدلال‌های کاستلیون استدلال‌های ابزاری است: بدین معنا که او ابزار زور و قدرت را برای نیل به غایت دین عقیم می‌داند، به نظر او غایت و هدف اعتقادات دینی خیر و خوب است، اما ابزارهای آن یعنی زور و قدرت شر و بداند. او از این استدلال خود نتیجه می‌گیرد که: بر غیر مومنان حتی اگر مخالف آنان باشیم همواره باید مدارا روا داشت، زیرا ابزار زور و قدرت قادر نیست به طور واقعی ما را به غایت دین برساند و نمی‌تواند باور قلبی به وجود آورد. به اعتقاد او هر جا که آدمیان مجبور به ایمان داشتن نبوده‌اند در آنجا همواره تعداد مومنان بیشتر از جاهایی است که مومنان مجبور به ایمان داشتن بوده‌اند. (لاک، ۱۳۹۵: ۱۴).

گوردون آلپورت

از زمان جنگ دوم جهانی، توجه به موضوع مدارا ذهن برخی اندیشمندان را به خود معطوف کرد. در این میان، روان‌شناسان پیش‌گام بودند و اغلب آن‌ها بر متغیرهای فردی تأکید کرده‌اند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، سه نظریه گسترده وکلان و یک تبیین علی درباره مدارا ارائه داده‌اند که عبارت است از:

۱- نظریه "شخصیت اقتدارطلب" آدورنو و همکاران در سال ۱۹۵۰

۲- فرضیه "تماس" آلپورت در سال ۱۹۵۸

۳- نظریه "هویت اجتماعی" تاجفل و ترنر در سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۲

آلپورت روان‌شناس آمریکایی و یکی از اولین نظریه پردازان شخصیت بود. فرضیه آلپورت (۱۹۵۸) بیان می‌کند در وضعیتی خاص، برخورد با اشخاص برون‌گروه، مدارا را در برابر افراد این گروه‌ها افزایش می‌دهد. از عواملی که به افزایش مدارا منجر می‌شود نیز عبارت است از ارزیابی مثبت از این برخوردها به وسیله نهادهای مثل مدارس و شرکت‌ها یا به وسیله دولت (کواینتلیر، ۲۰۰۸).

نظریه تضاد گروهی واقع‌گرایانه، وابستگی متقابل منفی را منبعی برای تعصب در نظر می‌گیرد؛ درحالی‌که فرضیه تماس معتقد است وابستگی متقابل مثبت، ممکن است روابط را بهبود بخشد. آلپورت (۱۹۵۴) برای اولین بار نظریه تماس را مطرح و به شرایط مورد نیاز برای توسعه روابط بین گروهی مثبت اشاره کرد. شرایطی که آلپورت مطرح می‌کند، شامل موارد زیر بود.

۱- وابستگی متقابل همراه با همکاری و مشارکت در کل گروه‌ها؛

۲- جایگاه برابر بین اعضای گروه اقلیت و گروه اکثریت در تعقیب اهداف مشترکشان؛

۳- حمایت نهادهای و مسئولان از روابط بین گروهی؛

۴- ایجاد فرصت برای اعضای همه گروه‌ها تا به عنوان افراد، با یکدیگر کنش متقابل داشته باشند (کریستی

و داو، ۲۰۰۱)

ژولی سادا- ژاندرون

سادا-ژاندرون در یک تقسیم‌بندی کلی مدارا را به دو حوزه مدارای مدنی و مدارای مذهبی تقسیم می‌کند، اما معتقد است مدارای مدنی و مدارای مذهبی جدایی‌ناپذیرند. مدارای مدنی آزادی‌اعطایی دولت به مردم برای پذیرش مذهبی به انتخاب خویش است و مدارای مذهبی (کلیسایی) نمایانگر اختیاری است که مقامات کلیسا برای رد یا قبول پاره‌ای از نکات غیر مهم آیین مذهبی به مومنان می‌دهند. بنابراین مدارای مدنی را قانون و حاکم تعیین می‌کند و حال آنکه مدارای مذهبی بسته به مقررات داخلی کلیسا (به معنای گسترده آن) و حدود راست دینی و کژدینی است که کلیسا تعیین می‌کند مدارای مدنی مستلزم آن است

که مصالح ملی- تنها مصالحی که دولت همیشه باید در نظر داشته باشد- و مسئله حقیقت مذهبی از یکدیگر جدا باشند. (سادا- ژاندرن، ۱۳۸۲؛ ۲۵۴).

جان استوارت میل

استوارت میل متفکر بریتانیایی سده نوزدهم و بنیانگذار لیبرالیسم مدرن، خطوطی را که جان لاک در باب مدارا ترسیم کرده بود را با این اعتقاد که مدارا امری اخلاقی است و لازمه آن وجود تعدد در مکاتب است، با قوت بیشتری پیگیری کرد. مبنای تفکر میل مبتنی بر پلورالیسم است، وی معتقد است که نه تنها تنوع باید وجود داشته باشد، بلکه دولت نیز باید در حفظ و بسط آن بکوشد، همچنین تأکید دارد که اگر انسان‌ها بخواهند خودمختار باشند، باید حق انتخاب داشته و این حق انتخاب ممکن نیست مگر در جامعه ای که تنوع و تعدد افکار وجود دارد. در مورد پلورالیسم سه دیدگاه وجود دارد، دیدگاه اول آن که آن را به عنوان یک واقعیت موجود اجتماعی می پذیرد، دیدگاه دوم سیاست گذاری‌های دولت را مشخص می کند و دیدگاه سوم نه تنها این واقعیت را می پذیرد بلکه آن را تشویق می کند. از این دیدگاه هر چه دافعه ی انتخابهای فرد بیشتر باشد تا یکی از راهها را انتخاب کند، اختیار بیشتری دارد (بهشتی، ۱۳۷۶).

به نظر میل تنها توجیه برای دخالت در آزادی دیگران و عدم مدارا این است که به واسطه آزادی‌های فردی، آزادی‌های دیگران به خطر افتد. میل در رساله آزادی خود توضیح می دهد که اگر حکومتی در سرکوب عقیده مخالف از پشتیبانی افکار عمومی برخوردار باشد باز هم مجاز به سرکوب مخالفان فکری خود نیست. بهترین و بدترین حکومت‌ها حق ندارند عقیده ای را به زور خاموش کنند. چنین کاری ذاتا مخرب است و اگر با موافقت افکار عمومی صورت گیرد زیانش بیشتر خواهد بود. بر این اساس میل دو فرض را مطرح می کند: فرض اول این است که عقیده ی مورد مخالفت عقیده ای صحیح است و فرض دوم این است که عقیده ی مورد مخالفت عقیده ای باطل و نادرست است. در هر دو فرض میل معتقد است همواره می بایست نسبت به عقاید مخالفان مدارا نمود تا از این طریق بتوان از صحت عقاید خود مطمئن شد زیرا آن عمل صاحبان عقیده صحیح را وادار می دارد تا با تأمل بیشتر در مذهب خود بیاندیشند و با استدلال بیشتر به نفی عقاید دیگران بپردازند. میل در دفاع از مدارای فکری و آزادی اندیشه توضیح می دهد که در طول تاریخ هرگاه مجالی بوجود آمده است تا فرقه‌های دینی نسبت به عقاید یکدیگر مدارا نمایند، هر فرقه ای توانسته با آزادی کامل عقاید خود را ابراز نماید، بر این اساس نه تنها از قوت و استحکام اصول و عقاید صحیح و بر حق آنها کاسته نشده است، بلکه این اصول زنده تر و پرتروات تر درک شده اند و سر زنده تر به حیات خود ادامه داده اند. (لاک، ۱۳۹۵: ۳۵-۳۶).

او توضیح می دهد تا زمانی که فضای تساهل و مدارا وجود دارد، هر فرقه ای مشغول به دفاع عقلانی از اصول اعتقادی خود است و نتیجه آن خواهد بود که معانی و مفاهیم دینی در زندگی بشر حضوری فعال

خواهد داشت و از این طریق، دین بر حق نیز به عنوان عنصر پر تحرک و فعال در زندگی انسان‌ها نقش خود را ایفا خواهد کرد. فقط در سایه‌ی مدارای فکری و آزادی اندیشه است که زمینه برای طرح عقاید رقیب مهیا می‌گردد و بدین وسیله امکان پیوند پاره‌های حقیقت که بین رقیبان فکری توزیع شده است به وجود می‌آید. همچنین میل میان اعمال معطوف به خود و دیگران تمایز قائل است و معتقد است در خصوص اعمال معطوف به خود همه‌ی انسان‌ها از آزادی عمل برخوردارند و جامعه به هیچ عنوان حق دخالت در آن حوزه را ندارد اما در حوزه‌ی اعمال معطوف به دیگران اگر چنانچه آسیبی از آن حیث متوجه آزادی دیگران شود، جامعه حق مدارا ندارد و باید آزادی فرد را محدود کند. در نهایت میل می‌کوشد تا حوزه‌ی مدارا را هر چه بیشتر بسط دهد زیرا به گمان او شرافت انسانها بر فردیت، آزادی و تنوع اندیشه مبتنی است و مدارا لازمه‌ی رسیدن به این اهداف می‌باشد. در همه‌ی این مفروضات استدلال میل فایده‌گرایانه است زیرا او منافع حاصل از سیاست مدارا را در نظر می‌گیرد که در نهایت موجب ترقی حیات اجتماعی و تنوع شیوه‌های زندگی می‌گردد (لاک، ۱۳۹۵: ۳۹).

جان استوارت معتقد است که رفتار فرد در جامعه باید مبتنی بر دو شرط باشد:

- ۱) افراد به منافع یکدیگر آسیب نرسانند، منافع افراد را نیز یا قانون تعیین می‌کند یا به موجب تفاهم ضمنی افراد مشخص می‌شود.
- ۲) هر فردی باید تعهدات خود را نسبت به جامعه بر عهده گیرد و از هیچ اقدامی برای حراست حقوق دیگران دریغ نرزد. (عسگری، ۱۳۸۵).

برنارد ویلیامز

ویلیامز فیلسوفی بریتانیایی و استاد دانشگاه کیمبریج و دانشگاه کالیفرنیا، برکلی بود. به اعتقاد او در زمینه‌ی مدارا مذهبی مشکل از آنجا ناشی می‌شود که این امر هم لازم می‌نماید و هم غیرممکن. در هر جا که گروه‌های غیر اجتماعی با عقاید مختلف از لحاظ اخلاقی، سیاسی و مذهبی دریاوند که راه دیگری جز زندگی با یکدیگر ندارند، بردباری ضرورت می‌یابد. مگر آنکه تسلیم درگیری مسلحانه شوند که آن هم موجب مشکلات بیشتر خواهد بود. اگر در این موارد خطر خشونت و قطع همکاری اجتماعی پدید آید، به سبب آن است که بعضی‌ها عقاید یا شیوه‌ی زندگی دیگران را نمی‌پذیرند. مثلاً در زمینه‌ی مذهب (قلمرویی که اندیشه بردباری نخست در آن تجلی می‌کند) نیاز به مدارا از آنجا سرچشمه می‌گیرد که یک گروه، حداقل فکر می‌کند که گروه دیگر در اشتباه به سر می‌برد، اشتباهی که آن را کفرآلود، ناگوار و مخالف عفت عمومی می‌شمارد. لذا در این شرایط معتقد می‌شود که پیروزی اعتقاد او نه تنها به نفع خودش، که به نفع گروه دیگر هم هست. دست و پا زدن در این اختلاف عمیق، پذیرش موجودیت طرف دیگر را ناممکن می‌کند.

به نظر وی بحث بر سر مدارا جزئی از بحث وسیع تر بر سر قوانینی است که باید در یک کشور وضع گردد. خصوصاً قوانینی که برخی از اعمال مذهبی که عبادات را منع یا تشویق می کنند و طبعاً استوارترین قوانین هستند. از لحاظ اصولی مدارا عبارتست از رفتار هر گونه جمعیت نسبت به جمعیت دیگر و به روابط آمر و مأمور محدود نمی شود. مسائل مربوط به مدارا از روابط افراد و رفتار متقابل گروه‌هایی که شیوه‌های زندگی متفاوت دارند بروز می یابند.

هر مذهبی همواره مایل است که موجبات گرایش دیگران را فراهم کند اما این نتیجه با اجبار به دست نخواهد آمد و در بهترین صورت خود به نوعی رضایت و موافقت بیرونی می انجامد. انسانها می توانند پیرامون اعتقادات مشترکی پیوستگی خود را حفظ کنند و مدارای بین آنها، جوامع و دولت برقرار می گردد. در این شیوه از یک سو به تنوع اعتقادات اخلاقی یا دینی عمیقی که گروه‌های مختلف در بطن جامعه دارند توجه می شود و از سوی دیگر پیش بینی می شود که یک دولت واقعاً بیطرف وجود داشته باشد که حقوق هر شهروند را برای برخورداری از احترام برابر و برخورداری از اعتقادات خاص خود و دفاع از آنها محترم بشمارد. یعنی این که در سطح غیر دولتی جایی برای اعتقادات مختلف در گروه‌ها و اجتماعات در نظر گرفته می شود و در همان حال قبول چندگانگی عقیدتی در ساختار دولت گنجانده شده است. جامعه ای که بر چهارچوبی از حقوق افراد و اشتیاق همگانی برای رسیدن به احترام متقابل استوار باشد و نه مجموعه ای از اعتقادات خاص، چنان شهروندی را نیاز دارد که برای تحمل بار چنین مسئولیتی آمادگی داشته باشد (ویلیامز، ۱۳۷۳؛ ۹-۱۱).

توسلی

توسلی جامعه‌شناس برجسته ایرانی و از چهره‌های سرشناس جریان ملی مذهبی ایران، بردباری را تحت عنوان «تساهل، تسامح» مطرح می کند. او معتقد است هنگامی که قدرت در دست اکثریت است از لحاظ سیاسی احتیاجی به استعمال اصطلاح تساهل نداریم، فقط باید بگوییم اکثریت تا کجا حاضر است دایره ی اظهار نظر (یا فعالیت را) برای اقلیتها وسیع یا تنگ سازد. البته چنین روشی با قدرت عوض می شود و نسبی است، اما به نظر او تساهل و تسامح معانی عام تری نیز دارد که از حدود خط مشی حکومت فراتر می رود و زمینه‌های روابط انسانی، اجتماعی، فرهنگی و دینی را در بر می گیرد. به نظر می رسد که نقش دین در قبول یا رد اصل تساهل و تسامح بسیار مهم باشد. در حوزه ی دین در صورتهای مختلف خود نیاز بیشتری برای تساهل و تسامح احساس می شده است، زیرا روی هم رفته انگیزه‌های عقیدتی از قوی ترین انگیزه‌های بشری است که مطلق در نظر گرفته میشود و به سوی جزمیت و عدم اغماض گرایش پیدا می کند. تسامح در مباحث دینی همان جدال احسن است. به عبارت دیگر وقتی از سطح موضع گیری ایدئولوژیک فراتر رویم می توانیم وارد قلمرو بحثهای فکری و نظری آزادتر شویم یعنی شیوه‌های مطلق اندیشانه را کنار بگذاریم و حرف یکدیگر را بشنویم و به جای یک سویه اندیشی و جزم گرایی نظرات متقابل را نیز محترم بشماریم، بنابراین

در سطح جامعه زمانی بحث تساهل و تسامح پیش می آید که تعصب و افراط وجود داشته باشد. (توسلی، ۱۳۷۶: ۴۰).

در مرتبه ی اول تساهل و تسامح یک امر انسانی است. یعنی باید اصل را بر این بگذاریم که انسانها با هم متفاوتند و اندیشه‌ها و افکار و عقاید و حتی برداشتهای مختلف است و همه یکسان فکر نمی کنند اما در یک مورد مشترکند و آن انسانیت و نیاز به روابط سالم انسانی است و باید آزادی اراده و سلاقی محترم شمرده شود. بنابراین تساهل و تسامح در مورد دیگران منجر به تساهل و تسامح در مورد خود ما می شود. بعد از توجه به این اصل انسانی عام، مسائل اجتماعی و روابط بین گروهها از اهمیت بیشتری برخوردار است، در یک جامعه گروههای مختلف اجتماعی زندگی می کنند، با عقاید و افکار متفاوت و رسوم و سنن گوناگون و اگر نتوانند با دیدی وسیع تر و سعه ی صدر بیشتر و با تساهل و تسامح به این تنوع و تکثر بنگرند، نه تنها تنش و فشار در جامعه افزون می شود، بلکه این گونه فشارها موجب انحراف مختلفی در جامعه می گردد. پس تساهل و تسامح نه به عنوان یک اصل اخلاقی ماورایی، بلکه به عنوان یک شیوه ی عملی می تواند جلوی اختلافات را بگیرد. در مرحله ی سوم، بحث دولت‌ها، فرقه‌ها، ادیان و گروههای سیاسی، فرهنگی و قومی پیش می آید که باز هم به تساهل و تسامح نیاز دارد. تا قرن هفدهم و هجدهم شاهد شدیدترین اختلافات مذهبی و کشتارهای فجیع بر سر عقاید و افکار بوده ایم. در این جا نیز تساهل و تسامح است که به کمک آنها آمده و محیط را کمی آرام کرده است. در ایران از گذشته این تساهل و تسامح دینی بین مسلمانان و اقلیتهای دینی وجود داشته است. هر زمان که جامعه در حال تعادل، سلامت روح و آرامش بوده، تساهل و تسامح نیز وجود داشته است. اما به محض آن که افراط و تفریط به وجود می آید، فشارها و تنش‌ها نیز افزایش می یابد و اختلاف و درگیری نیز به حد افراط می رسد و تساهل و تسامح به حداقل کاهش یافته است. (توسلی، ۱۳۷۶: ۴۳).

مدارا از دیدگاه اسلام

تساهل و مدارا به مفهوم اسلامی در دو معنا به کار رفته است. نخست به معنای سهولت در سماحت شرع مقدس اسلام که در مواردی از آن به «نفی حرج» از دین تعبیر شده است و دیگری به عنوان یک فضیلت اخلاقی و شیوه ی رفتار و عمل که جایگاه ارزشی آن در فرهنگ اسلامی مورد توافق همگان است. ریشه ی تساهل در مفهوم نخست به روایت معروف پیامبر (ص) برمیگردد که بر اساس آن شریعت اسلام را شریعت «سمله و سهله» توصیف میکند. شریعت بدین معنا، راه و رسم زندگی و سرچشمه ی روابط بشری است و خداوند نخواسته است که دینداران در سختی زندگی کنند. تساهل به معنای دوم نیز ناظر به پذیرش تکثر برداشتهای مختلف درون دینی و نحوه ی سلوک با پیروان ادیان دیگر است. یکی از اصول اساسی مدارای اسلامی، تحمل عقاید مخالف است که بیان دیگری از اصل همزیستی مسالمت آمیز شمرده می شود. اساسا

به رسمیت شناخته شدن ادیان متکی به وحی الهی در قرآن، از ابتدا مبنایی دینی از مدارا با غیر مسلمانان را به اسلام داده است. همچنین، در مقام عمل نیز اسلام به پیروان ادیان آسمانی دیگر اجازه می دهد که در جامعه مدنی اسلامی عقایدشان را حفظ و مراسم و مناسک دینی خود را اجرا کنند.

خداوند در قرآن، یهودین، مسیحیان، صائبان و مجوس را به عنوان اهل کتاب معرفی می کند و در آیه‌های فراوانی خواستار برقراری روابط دوستانه و همزیستی مسالمت آمیز با آنهاست (بقره/ ۱۰۹-۱۳۹، آل عمران/ ۶۴). بدیهی است در این مورد استثناهایی نیز وجود دارد. از جمله، کسانی از اهل کتاب که به انکار حق مبارذرت ورزند و به جنگ و خصومت با مسلمانان اقدام کنند، مشمول مدارا نخواهند بود.

همچنین اسلام پیامبر اکرم (ص) را در مواردی به مدارا و صلح با کفار، مشرکان و حتی منافقان فرا می خواند. البته نه بدین معنا که در برابر مشرکان محارب هم باید با مدارا رفتار کرد. تردیدی نیست که در اینگونه مواقع قرآن از شدت بر کفار و غلظت با آنها سخن می گوید (انفال/ ۳۹ و ۵۸؛ نساء/ ۸۹ و ۹۱ و ۱۴۳، توبه/ ۱۴ و ۲۹، نقل از فرزانه فر، ۱۳۸۳).

حوزه‌های اعمال مدارا

از نظر اسلام مدارا در مرحله ی اول یک امر انسانی است که در عرصه‌های مختلف فکری، عملی، سیاسی، اجتماعی و رفتار قابل اعمال است. اما از آنجا که دست کم در جوامع امروزی مدارا بیشتر در روابط حکومت و مردم تبلور عینی می یابد و از طرف دیگر مدارا رابطه ای است که از موضع قدرت اعمال می شود، بنابراین مهمترین عامل مدارا از حیث قدرت، حکومت است که به تبع آن تعیین کننده حوزه و میزان اعمال مدارا نیز می باشد. بر این اساس می توان حوزه‌های اعمال تساهل و مدارا در اندیشه‌های سیاسی اسلام را به سه حوزه ی اخلاق سیاسی، رفتار سیاسی، قانون گذاری و تشریح احکام تقسیم نمود (فرزانه فر، ۱۳۸۳).

حوزه اخلاق سیاسی

در اندیشه ی اسلامی تساهل و مدارا یکی از اصول اساسی و فضیلت‌های اخلاقی است که در میزان کارآمدی روشهای حکومتی تاثیر بسزایی دارد. از جمله جلوه‌های تساهل و مدارا در اخلاق سیاسی، صفاتی چون سعه صدر، عدالت، مساوات و برادری است. طبق نظریه ی اسلام اصل سعه ی صدر لازمه ی امر حکومت داری و برخوردهای اجتماعی به طور عام است. عدالت نیز یکی از جلوه‌های تساهل و مدارا در اخلاق سیاسی است. عدالت تنها یک امر پسندیده اخلاقی نیست، بلکه مهمترین اصل مدیریت اجتماعی است که در مرحله عمل و اجرا با موانع و مخالفت‌های زیادی رو به رو می شود. اینجاست که پای مدارا به میان می آید. هنر حکومت این است که ضمن تلاش برای اجرای عدالت، به شهروندانش نیکی کند، در جهت رضایت آنان قدم بردارد و همه را در برابر قانون مساوی ببیند. تاکید فراوان متون اسلامی بر برپایی حق و عدالت، نشان از روح مداراگری اسلام در امر حکومت و سیاست دارد.

اندیشه‌ی برابری و مساوات نیز همچون عدالت به حوزه‌ی اخلاق سیاسی مربوط می‌شود. مساواتی که اسلام میان انسانها قائل شده است در دو زمینه است: مساوات در اصل انسانیت و مساوات در برخورداری از حقوق و اجرای قوانین. در این مورد حکومت اسلامی وظیفه دارد که: نخست، مساوی تلقی کند، دوم، در جهت فراهم نمودن فرصتها و امکانات برای بروز استعدادهای بالقوه‌ی شهروندان تلاش کند و سوم، زمینه‌ی مشارکت عمومی شهروندان برای کسب قدرت و اعمال آن از طریق احزاب و گروه‌ها را به طور مساوی فراهم نماید (همان).

حوزه‌ی رفتار سیاسی

رفتار سیاسی به هر نوع عملی اطلاق می‌شود که به نحوی با مقوله‌هایی مانند کاربرد قدرت، نفوذ، اقتدار جهت تغییر رفتار و یا تأثیرگذاری بر کنش افراد و اجتماعات در جامعه سروکار دارد. مفهوم مدارا در این حوزه ابعاد گوناگونی دارد که مقوله‌هایی همچون نحوه‌ی رفتار حکومت در قبال مسئله‌ی مشارکت سیاسی شهروندان در روند اعمال قدرت، چگونگی تعامل با اقلیتهای مذهبی و گروه‌های سیاسی مخالف حکومت و همچنین نحوه‌ی نگرش و برخورد حکومت با آزادی‌هایی اساسی از آن جمله است. مشارکت سیاسی به ویژه در ابعاد رقابتی آن، همواره در قالب تکثرگرایی سیاسی ظاهر می‌شود و پای افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف را به امر قدرت و حکومت با می‌کند. در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، تکثرگرایی درون دینی به رسمیت شناخته شده است، به این معنا که برای تشکیل احزاب و اندیشه‌ی تعدد در درون حکومت اسلامی، هیچ گونه مانع شرع وجود ندارد. تنها محدودیتی که در این زمینه وجود دارد، این است که نخست: این گونه احزاب باید به اصول و ارزشها عقیدتی و مبانی شریعت اسلام احترام بگذارند و دوم: در راستای تحقق اهداف دشمنان اسلام و امت اسلامی عمل نمایند.

یکی دیگر از مظاهر رفتار سیاسی حکومت اسلامی، نحوه‌ی تعامل با اقلیتهای مذهبی است. از بررسی مجموعه آیه‌های قرآنی به این نتیجه می‌رسیم که رفتار دولت اسلامی و شهروندان مسلمان با اقلیتهای دینی باید بر اساس دو اصل مدارا و عدالت باشد و از ستم و تجاوز و بد رفتاری با آنان به شدت پرهیز شود. بر این اساس، غیرمسلمانان با پرداخت «جزیه» از حقوق و مزایایی همچون از حمایت خون، اموال، معابد و ارزشهای آنها در مقابل تجاوز خارجی و ظلم داخلی، برخورداری از حق آزادی و در رأس آن آزادی اعتقاد و پرستش و اجرای مراسم و شعایر عیادی و غیره برخوردار می‌شوند. مدارای دینی و فکری سلسله مراتبی دارد که بالاترین مرتبه‌ی آن این است که در مسائلی که در دین و عقیده عامل مدارا حرام و در دین و عقیده مخالف او جایز است، مخالف را برای ترک آن در تنگنا قرار ندهد. به عبارتی مادامی که اقلیتهای یا مخالفان اسلام به حقوق اکثریت تجاوز نکنند و بر ضد اسلام و مسلمانان توطئه نمایند، در کشورهای اسلامی آزادی کامل دارند و مسلمانان وظیفه دارند با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنند (قرضاوی، ۱۳۷۹؛ نقل از فرزانه فر، ۱۳۸۳: ۱۶۸).

از مهمترین پیامدهای نفی آزادی عقیده در جامعه ی اسلامی، گسترش نفاق، تظاهر و تنفر درونی از دین و در نهایت فرو غلطیدن جامعه در ورطه ی استبداد دینی است که خطرناکترین انواع استبدادها است. اما مهم ترین رکن آزادی در جامعه، آزادی بیان و رفتار سیاسی است که نمود آن در آزادی قلم، مطبوعات و رسانه‌های جمعی، عضویت در تشکله‌ها و احزاب سیاسی و مبارزه برای کسب قدرت تجلی پیدا کرده است. از دیدگاه اسلام، نه تنها آزادی بیان برای انسان به رسمیت شناخته شده است، بلکه حق طبیعی و فطری و نیز تلقی می شود (فرزانه فر، ۱۳۸۳).

حوزه ی تشریح و قانون گذاری

از آنجا که دین اسلام بر فطرت مبتنی است و فطرت انسانی نیز به آسان گرایی و آسان پذیری تمایل دارد، سمت و سوی نظام تشریح و قانون گذاری آن نیز در جهت راحت و رفع دشواری و زدودن سختی‌ها و گشودن بندها و برداشتن بارهای سنگین از گردن مکلفان است. مبنای این آسان گیری، عنایت به ناتوانی انسان، فزونی تکالیف و تعدد مشغله‌ها و دغدغه‌ها وی و نیز اطلاع از فشار زندگی و مقتضیات ناشی از آن است. از طرف دیگر، اصول و قاعده‌های بنیادی مختلفی همچون قاعده نفی حرج، اصل تقیه در حدود به شبهات و قاعده ی تسامح در ادله ی سنن، قاعده ی اضطرار، قاعده ی رفع و غیره بر سراسر فقه اسلامی حکومت دارد که متضمن سهولت و سماحت در حوزه قانون گذاری اسلامی است. وجود رخصت‌های تشریحی در نظام تشریح و قانون گذاری نشان دهنده ی اهتمام اندیشه ی اسلامی به آسان گیری و تساهل در فعالیت‌های فردی و مناسبات اجتماعی است و از سوی دیگر از ویژگی‌های واقع نگری شریعت اسلام حکایت دارد زیرا وجود احکام و قوانین حرجی موجبات گرفتاری و اختلال نظام اجتماعی و فعالیت‌های فردی را فراهم و افراد انسانی را به هنجار شکنی و عدول ا مرزهای مجاز در روابط انسانی وادار می کند و این امر به نوعی نقص غرض است، زیرا فلسفه ی قانون و قانون گذاری، تنظیم روابط و بسترسازی برای تکامل روحی، روانی و مادی انسانها است (همان منبع).

عوامل تعیین کننده مدارا

فرضیه تماس

آلپورت از اولین روانشناسانی بود که روی مطالعه شخصیت تمرکز داشت. پس از جنگ جهانی دوم، فرضیه تماس توسط آلپورت (۱۹۵۸) ارائه شد که توصیفی علی از مدارا دارد (رینولدز و ترنر ۲۰۰۲). فرضیه تماس توسعه یافته توسط آلپورت (۱۹۵۸) از این قرار است که در شرایط خاص، تماس با افراد "خارج از گروه" منجر به افزایش میزان مدارا نسبت به اعضای این گروه‌ها می‌گردد. یکی از عوامل افزایش مدارا عبارت است از ارزیابی مثبت نهادها-مدارس یا شرکت‌ها- یا دولت‌ها از این تماس (فریچه ۲۰۰۶). این یعنی اتحادیه

اروپا قادر است تا از طریق توصیف شهروندی اروپا به عنوان مفهومی معادل با پذیرش تفاوت‌ها که به ارزیابی مثبتی از تماس با افراد متعلق به گروه‌های مختلف می‌انجامد، مشوق مدارا باشد. (کوئینتلیر و دجاقر، ۲۰۰۸)

براساس فرضیه تماس، اگر تماس از نوع درستی باشد، جهت‌گیری‌های مثبت نسبت به یک گروه به موازات افزایش تماس با اعضای آن گروه بیشتر می‌شوند. جهت‌گیری مثبت از تماس حاصل می‌شود که شخصی، مثبت، با وضعیتی برابر، اختیاری، و دربردارنده اهداف مشترک است (دیکسون و روزنهام ۲۰۰۴).

این نوع تماس افراد را به تعامل، همکاری، به اشتراک‌گذاری تجربیات ارزشمند، مهرورزی، و فراگیری نکات نسبتاً دقیق و مثبت درباره یکدیگر تشویق می‌کند (فرانک ۲۰۰۹). اگر افراد تماسی درست با اقلیت‌ها داشته باشند، جهت‌گیری‌هایشان نسبت به آن‌ها مثبت‌تر می‌گردد. اما تمامی تماس‌ها حاوی اثرات مثبت نیستند. به عنوان مثال، رقابت اقتصادی می‌تواند به جهت‌گیری‌های منفی نسبت به یک گروه رقیب بیانجامد. مطالعه اثرات احتمالی تماس بر مدارا اغلب به روابط نزدیک می‌پردازد، از قبیل دوستان و خویشاوندان (نقل از کوتاه و اریکسون، ۲۰۰۹).

اما آن‌گونه که پاتنام (۲۰۰۰) و سایرین اشاره دارند، تماس با تعداد اندکی از افراد خاص، محدودتر از این است که منجر به تغییر جهت‌گیری‌های کلی نسبت به تمامی گروه‌های اجتماعی گردد. اگر نزدیک‌ترین دوست یک شخص به یک گروه اقلیت تعلق داشته باشد، به آسانی می‌توان این دوست را منحصر به فرد توصیف نمود و این یعنی ارج نهادن به او و کوچک شمردن گروه. به اعتقاد محققین، مدارا از تماس گسترده با طیف کاملی از تجربیات اجتماعی حاصل می‌شود، از جمله ارتباط با آشنایان و نزدیکان. فرضیه تماس عمومی به این اشاره دارد که افرادی با شبکه‌های اجتماعی متنوع و اشخاصی که در محیط‌های اجتماعی مختلفی از قبیل انجمن‌های اختیاری و مناطق کلان‌شهری مشارکت دارند، مدارای بیشتری از خود نشان می‌دهند. با این وجود، استدلال ما این است که تنوع یکسان نیست. انواع متعددی از تنوع در شبکه‌های اجتماعی وجود دارند که تماس‌های مختلف و اثرات متفاوتی بر مدارا به همراه دارند: مثبت، منفی، و بی‌اثر (داویدو و همکاران ۲۰۰۳؛ نقل از کوتاه و اریکسون، ۲۰۰۹).

فرضیه رقابت

فرضیه رقابت روی منفی فرضیه تماس است. در حالی که تماس مساعدت‌آمیز منجر به تقویت مدارا می‌گردد، رقابت و فقدان تماس شخصی به عدم مدارا می‌انجامد. هنگامی که گروه‌های قومی در فضایی خاص به رقابت می‌پردازند، یکدیگر را تهدیدی برای خود می‌پندارند. در این صورت، تماس بین فردی مثبت کاهش و تنش افزایش می‌یابد (بوناپیچ ۱۹۷۲؛ اولزاک ۱۹۹۲) و دیدگاه‌های منفی ایجاد می‌گردند (آلپورت ۱۹۵۴؛ فوربس ۱۹۹۷؛ کانویچ ۲۰۰۴). رقابت و تهدید اشکال گوناگونی دارند اما رایج‌ترین آن‌ها تهدید وضعیت اجتماعی، از قبیل رقابت اقتصادی برای مشاغل یا تجارت، است (براون ۲۰۰۰؛ کانویچ ۲۰۰۴، نقل از کوتاه و اریکسون، ۲۰۰۹).

در صورت تعدد گروه‌های اقلیت، رقابت با اقلیت‌ها بیشتر می‌شود: در برخی از بخش‌های اقتصادی در مناطق کلان‌شهری. در شهرهای بزرگ کانادا اقلیت‌ها مورد تمرکز شدید قرار دارند و تعداد اندکی از آن‌ها در جوامع کوچک‌تر تهدید فرض می‌شوند. گروه‌های اقلیت در محیط‌های کاری شهری نیز تحت تمرکز واقع می‌شوند. کارفرمایان اغلب اقلیت‌ها را مورد تبعیض قرار می‌دهند و سرمایه انسانی مهاجر کسب شده از خارج از کانادا را کم‌ارزش می‌شمارند. معمولاً اقلیت‌ها قادر به رقابت برای مشاغل طبقه متوسط نیستند، حتی اگر شایسته آن باشند، و مجبور می‌شوند تا برای مشاغل طبقه کارگر رقابت کنند. در نتیجه، افراد متعلق به طبقه کارگر ممکن است بیش از طبقه متوسط اقلیت‌ها را تهدیدی برای خود فرض کنند.

فرضیه رقابت عدم مدارا را نتیجه این تفکر می‌داند که گروه‌های اقلیت و ناسازگار دارای اثری منفی بر منافع افراد هستند. بنابراین، مدارا از طریق تهدیدات ناشی از گروه و شرایط اقتصادی فردی و ملی-که بر احساس امنیت افراد تأثیرگذار هستند قابل پیش‌بینی می‌باشد. (پرسل و همکاران ۲۰۰۱). اثرات مواجهه با اخبار بر مدارا را نیز می‌توان با نحوه به تصویر کشیده شدن گروه‌های اجتماعی خاص به عنوان تهدید توسط اخبار توضیح داد. در روی دیگر سکه، اعتماد اجتماعی به گونه‌ای مثبت با مدارا ارتباط داده می‌شود (سالیوان و ترانسو ۱۹۹۹، نقل از لی، ۲۰۱۳).

فرضیه فراگیری

فرضیه فراگیری بر لزوم فراگیری مدارا، تأکید می‌ورزد. بر این اساس، آموزش و توسعه شناخت به مدارا منجر می‌گردد (گیبسون ۱۹۹۲؛ بوبو و لاکاری ۱۹۸۹)، در حالی که تعصب و سرسختی با سطوح پایین‌تر مدارا مرتبط می‌شوند (هینکلی ۲۰۱۰؛ سوتلو ۲۰۰۰). علاوه بر این، افراد می‌توانند به واسطه مشارکت مدنی و سیاسی (و بر ۲۰۰۳) یا حتی تجربه "فراز و نشیب‌های" زندگی دموکراتیک (پفلی و رارشنایدر ۲۰۰۳)، سازش و همکاری با مخالفان خود را فراگیرند (نقل از لی، ۲۰۱۳).

مدارای افراد تاحدی به این دلیل افزایش می‌یابد که نکات بیشتری درباره اقلیت‌ها و مسئله مدارا به صورت کلی فرامی‌گیرند. این رایج‌ترین توضیح برای پیوند اثبات‌شده بین آموزش و مدارا است؛ تحصیل مایه روشن‌گری است. فرضیه فراگیری بخشی از فرضیه تماس محسوب می‌شود، زیرا تماس مثبت نکات مثبتی درباره سایرین به فرد می‌آموزد. اما این فرضیه بخشی از فرضیه رقابت نیز به شمار می‌آید. گروه‌هایی که با یکدیگر رقابت دارند، رقیبان را تهدیدی برای خود یا عوامل خارج از گروه منفی می‌پندارند. آن‌ها به عقاید منفی درباره این گروه‌ها توجه بیشتری نشان می‌دهند و چنین "فرامی‌گیرند" که دیگران تا چه حد غیرقابل مدارا هستند. برای اعمال فرضیه فراگیری، به این می‌پردازیم که چه انواعی از تجربیات اجتماعی آموزنده نکات مثبت یا منفی درباره اقلیت‌ها می‌باشند. (لی، ۲۰۱۳)

فرضیه تأثیر

افراد نه تنها درباره افرادی که با آنها در تماس هستند نکاتی فرامی‌گیرند، بلکه تحت تأثیر این افراد نیز قرار خواهند گرفت (پتیگرو ۱۹۹۸). به عنوان مثال، تماس مکرر با اشخاص اهل عدم مدارا، به افزایش عدم مدارا می‌انجامد. اگر افراد به گونه‌ای مستمر با گروه‌های اجتماعی با مدارای متوسط در تماس باشند، سطح مدارایشان تغییری نمی‌کند. به همین ترتیب، تنوع تماس هنگامی به ارتقای مدارا منجر می‌شود که حاوی تماس‌های مکرر و متنوع با افراد اهل مدارا باشد (کاواکامی و همکاران، ۲۰۰۰). به گونه‌ای مشابه، براساس استدلال ما، انواع مختلف انجمن‌های اختیاری حاوی اثرات مختلفی هستند: برخی مثبت، برخی منفی، و برخی خنثی نسبت به مدارا. این مدل ساده تأثیر برای بررسی حاضر کافی به نظر می‌رسد، اما سایر موضوعات ممکن است به طیفی از مدل‌های تأثیرگذاری و مدل‌هایی با اثر شبکه متفاوت که جهان اجتماعی را به طور کلی و همانند شبکه خاص یک فرد فرض می‌کنند نیاز داشته باشند. برای توضیحات بیشتر و کاربرد آن‌ها در دیدگاه‌هایی درباره مسائل جنسیتی، رجوع کنید به اریکسون (۲۰۰۶).

در نهایت، فرضیه تأثیر چنین عنوان می‌دارد که تعامل با افراد اهل مدارا (یا عدم مدارا) می‌تواند منجر به ایجاد مدارا (یا عدم مدارا) شود. بر این اساس، مشارکت در انجمن‌ها مدنی ارتقادهنده دیدگاه‌های لیبرال که نسبت به جذب افراد روشن‌فکر اقدام می‌کنند می‌تواند به ایجاد مدارا بیانجامد، در حالی که مشارکت در جوامع حامی تعصبات مروج عدم مدارا خواهد بود (کوته و اریکسون ۲۰۰۹؛ ایگلیک ۲۰۱۰، نقل از لی، ۲۰۱۳).

شبکه‌های اجتماعی

براساس پیش‌بینی فرضیه تماس عمومی، شبکه‌های متنوع گسترده، به ویژه پیوندهای ضعیف‌تر متعدد، منجر به تقویت مدارا می‌شوند. بررسی ما از این موضوع نیازمند توجه بیشتر به انواع مختلف تنوع است که اثرات مختلفی بر مدارا دارند. سنجش و نظریه‌پردازی درباره انواع مختلف تنوع در شبکه گسترده یک فرد، از جمله آشنایان و نزدیکان مورد تأکید مطالعات پیشین درباره مدارا، حائز اهمیت است.

سرمایه اجتماعی نوعی تجربه از شبکه اجتماعی است که نتایج ارزشی مثبتی در پی دارد؛ اغلب چنین استدلال می‌شود که مدارا یکی از این نتایج است. افرادی با شبکه‌های متنوع که شامل تماس‌های بسیار هستند تجربیات مثبتی از تعامل با افراد مختلف کسب می‌کنند. آن‌ها علائق خود را با اشخاصی خارج از گروه‌های خود به اشتراک می‌گذارند، از مشارکت‌ها خود نکاتی فرامی‌گیرند و حس حمایتشان از سیاست‌های مفید افزایش می‌یابد. در اصل، حس مدارا در آن‌ها تقویت می‌شود. فعالیت‌های انجمنی نیز منجر به افزایش ارتباط فرد با اشخاصی که با وی متفاوت هستند اما منافع و علائقی مشترک دارند می‌گردد. بسیاری از

محققین، به ویژه پاتنام (۲۰۰۰)، بر این باورند که شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های اختیاری انواعی از سرمایه اجتماعی هستند زیرا هر دوی آن‌ها در ایجاد نتایج مثبت مانند مدارا شریک می‌باشند. نتایج حاصل از تاثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مختلف حاکی از این است که، بر خلاف فرضیه تماس، تمام شبکه‌های اجتماعی مدارای اجتماعی را افزایش نمی‌دهند. عضویت در کلیسا/ تشکیلات مذهبی با کاهش مدارا نسبت به همگان به جز گروه همجنسگرایان در ارتباط است. تاثیر منفی عضویت در یک گروه مذهبی بر مدارا با دیگر نژادها، ادیان، زبان‌ها، قربانیان ایدز و مهاجران متفق با این مفهوم است که تشکیلات مذهبی علقه‌های معمولاً درون‌گروهی را تقویت می‌کنند (کوته و اریکسون، ۲۰۰۹).

تنوع اجتماعی

ملل توسعه یافته‌تر که از میانگین ثروت بیشتری برخوردارند باید دارای مدارای اجتماعی بیشتری نیز باشند. تنوع اجتماعی - میزان شکاف دینی، نژادی و زبانی در یک کشور - می‌تواند بر مدارای اجتماعی از سه مسیر تاثیر بگذارد. مسیر اول از طریق افزایش در میزان تنوع اطلاعات در جامعه است و از این طریق تنوع قومیتی می‌تواند تاثیر غیرمستقیمی بر تعداد احزاب داشته باشد (اموریم نتو و کاکس ۱۹۹۷). دومین مسیر احتمالی تاثیر مستقیم است. با افزایش تنوع اجتماعی، احتمال این که هر فرد با فردی از قومی دیگر یا یک گروه مهاجر مواجه شود و به تبع آن میزان تفاهم و پذیرش نسبت به چنین گروه‌هایی افزایش یابد بالا می‌رود (هادسون و دیگران ۱۹۹۴، ویلسون ۱۹۹۱). در انتها، بیشتر قرار گرفتن در معرض ایده‌ها و فرهنگ‌های مختلف منجر به تنوع اطلاعاتی می‌شود. این امر به نوبه خود به افزایش مدارا کمک می‌کند. لذا انتظار می‌رود که افزایش در تنوع اجتماعی در یک کشور با افزایش میزان مدارای اجتماعی فرد متناظر است. (دان و همکاران، ۲۰۰۹).

انجمن‌های اختیاری

مشارکت در انجمن‌های اختیاری یکی از منابع مهم مدارا است (سیگلر و جاسلین ۲۰۰۲؛ پکستون ۲۰۰۴؛ پیکرینگ ۲۰۰۶). انجمن‌های اختیاری محیط‌هایی هستند که شرایط اصلی فرضیه تماس در آن‌ها برقرار است. افرادی با تفاوت‌های بسیار، به جز در چهارچوب منافع خاص انجمنی که عضو آن هستند، در جایگاهی برابر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در پی منافع مشترک هستند. این دلیل اصلی تأکید پاتنام (۲۰۰۰) و سایرین بر اهمیت انجمن‌های اختیاری به عنوان نگرش‌های اجتماعی مدارامحور است. علاوه بر این، انجمن‌ها می‌توانند مراکز فراگیری باشند. مدت‌هاست که انجمن‌های اختیاری تحت عنوان "مدارس دموکراسی" خوانده می‌شوند که در آن‌ها افراد به واسطه مشارکت در گروه‌های خاص، طیف وسیعی از مهارت‌ها و فضایل مدنی را می‌آموزند. فعالیت در انجمن‌های اختیاری می‌تواند اثرات غیرمستقیمی بر مدارا

نیز داشته باشد. به اعتقاد پاتنام (۲۰۰۰)، انجمن‌ها به مدارا کمک می‌کنند زیرا افراد مختلف را گرد هم می‌آورند (نقل از کوتاه و اریکسون، ۲۰۰۹).

به اعتقاد پاتنام (۲۰۰۰)، فعالیت‌های اختیاری انجمنی شبکه‌های متنوع می‌سازند و از این رو تقویت‌کننده مدارا محسوب می‌شوند. اما اکثر افراد به دلیل تشویق آشنایان خود به انجمن‌ها می‌پیوندند. احتمال جذب افرادی که از شبکه‌های ارتباطی گسترده‌تری برخوردار هستند به فعالیت‌های انجمنی بیشتر است و این به نحوی دیگر به توسعه مدارا می‌انجامد. هنگام در نظر گرفتن خصوصیات شخصی مانند تحصیلات، دامنه توالی‌های علی گسترده‌تر نیز می‌شود. به عنوان مثال، آیا تحصیل موجب روشنگری است، منجر به شبکه‌های اجتماعی متنوع‌تر می‌شود، یا به سطوح بالاتری از فعالیت‌های انجمنی می‌انجامد؟ (کوتاه و اریکسون، ۲۰۰۹).

اریکسون (۲۰۰۴) نشان می‌دهد میزان فعالیت در انجمن‌های اختیاری تنها عامل قدرتمند پیش‌بینی‌کننده تنوع در شبکه ارتباطات است. بعلاوه، تحصیلات و وضعیت شغلی اعضای انجمن‌ها در سطح بالای متوسط قرار دارد و این امر احتمال اثرگذاری بر مدارا را افزایش می‌دهد. این استدلال‌ها در بررسی‌های دقیق‌تر روشن می‌سازند که اثرات انجمن‌های اختیاری باید متنوع باشند، زیرا سطوح عوامل مؤثر بر مدارا متفاوت است. پاتنام (۲۰۰۰) به رغم اعتقاد به مثبت بودن این اثرات به طور متوسط، عنوان می‌دارد که برخی از انجمن‌ها نه تنها از مدارا پشتیبانی نمی‌کنند بلکه برای آن زهرآگین نیز هستند. براساس گزارش سیگلر و جاسلین (۲۰۰۲)، مدارا برای اعضای گروه‌های قومی و کهنه‌سربازان نسبتاً کمتر و برای اعضای انجمن‌های سیاسی و فرهنگی نسبتاً بیشتر است. آن‌ها معتقدند که این تنوعات ریشه در سطوح مختلف تنوع عضویت دارند، اما قادر به آزمودن مستقیم این مکانیزم نیستند.

میزان انعکاس شرایط فرضیه تماس توسط انجمن‌ها متفاوت است. به اعتقاد سیگلر و جاسلین، میزان فراهم نمودن فرصت تماس با افراد متفاوت، از قبیل اعضای گروه‌های اقلیت، توسط انجمن‌ها متغیر است. آن‌ها ساختار عضویت متفاوتی دارند، از جمله تعداد متغیری از اعضای اهل مدارا (تحصیل‌کرده‌ها، طبقه متوسط، و اقلیت‌ها). علاوه بر این، انجمن‌ها در انواع مختلفی از فعالیت‌ها سهیم می‌شوند که میزان تسهیل بحث‌های مثبت در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی در آن‌ها متفاوت است (پرین ۲۰۰۵). اما در فضای بعضی از انجمن‌ها، فرضیه رقابت مطلوب‌تر به نظر می‌رسد. گروه‌های شغلی از جمله اتحادیه‌های کار، گروه‌های تجاری، و انجمن‌های حرفه‌ای افرادی را گرد هم می‌آورند که فشارها و تنش‌های شغلی مشابهی را تجربه نموده‌اند. در جایی که رقابت بازار با گروه‌های اقلیت بالا است، مانند کلان‌شهرها، انجمن‌ها می‌توانند آگاهی از این رقابت‌ها را افزایش دهند، درک تهدید گروهی را بیشتر کنند، و به سطوح نسبتاً پایین‌تری از مدارا بیانجامند. با توجه به تمامی این احتمالات، انتظار می‌رود فعالیت در انجمن‌ها تمامی اثرات ممکن بر مدارا را در پی داشته باشد: براساس ماهیت انجمن، فعالیت در آن می‌تواند مدارا را افزایش دهد، کاهش دهد، یا

تأثیری بر آن نداشته باشد. علاوه بر این، اثرات ظاهری انجمن‌ها بر مدارا می‌توانند کاذب یا غیرمستقیم باشند. اثرات ظاهرا مثبت برخی از انواع انجمن‌ها ممکن است کاذب باشند، زیرا افرادی با تحصیلات بیشتر و شبکه‌های متنوع‌تر فعالیت بیشتری در انجمن‌ها دارند. اگر انواع خاصی از انجمن‌ها افرادی با مدارای کمتر را جذب نمایند، مانند افراد بیشتری از طبقه کارگر و اعضای با تحصیلات کمتر از برخی اتحادیه‌ها، فعالیت‌ها می‌توانند اثری منفی بر مدارا داشته باشند. اگر تأثیر ظاهری انجمن‌ها در واقع تنها اثر نوع افراد ملحق شده به آن‌ها باشد، این اثر با کنترل خصوصیات فردی از میان خواهد رفت. همچنین، اثر ظاهری فعالیت انجمنی بر مدارا ممکن است غیرمستقیم باشد، زیرا فعالیت در انجمن تنوع قابل توجهی در شبکه‌های ارتباطی پدید می‌آورد. در این صورت، اثرات مثبت ظاهری انجمن‌ها با کنترل تنوع طبقه متوسط (که مدارا را افزایش می‌دهد) تضعیف یا ناپدید می‌شوند، و اثرات منفی ظاهری فعالیت در انجمن با کنترل تنوع طبقه کارگر (که مدارا را کاهش می‌دهد) تضعیف یا ناپدید خواهند شد. پاتنام (۲۰۰۰) و سایرین اعتقاد دارند که انجمن‌ها با برقراری تماس بین افراد متفاوت، مدارا ایجاد می‌کنند. در این صورت، اثرات ظاهری انجمن‌ها باید با کنترل تنوع شبکه اجتماعی ضعیف یا ناپدید شوند. این امر در انجمن‌هایی که برای آن‌ها فعالیت ارتباطی مثبت با مدارا دارد (زیرا این قبیل انجمن‌ها اعضای مفید مختلفی دارند، به ویژه اعضای متنوعی از طبقه متوسط) و انجمن‌هایی که برای آن‌ها فعالیت رابطه‌ای منفی با مدارا دارد (زیرا این قبیل انجمن‌ها فاقد تنوع اعضا هستند یا اعضای مختلفی از طبقه کارگر دارند) صادق است. این امکان نیز وجود دارد که انجمن‌ها به واسطه نوع افراد شرکت کننده در فعالیت‌هایشان، با مدارا همبستگی نداشته باشند. اگر اثرات ظاهری انجمن‌ها از منظر خصوصیات کاذب باشند، باید کنترل این خصوصیات به تضعیف یا از بین رفتن آن‌ها بیانجامد. خصوصیات، شبکه‌های ارتباطی، و انجمن‌ها همگی بر مدارا تأثیرگذارند، برخی از این ویژگی‌ها حاوی اثرات حقیقی و مستقیم هستند. سطح مدارا در افراد تحصیل کرده‌تر، مسن‌تر، ساکنین جوامع بزرگتر، و خود اقلیت‌ها بالاتر است. با این وجود، به اعتقاد ما "اثرات" هنوز به توضیحات بیشتر نیاز دارند. (کوته و اریکسون، ۲۰۰۹).

تهدید

تهدید به عنوان یکی از منابع محوری مدارا شناخته می‌شود. به گفته گیبسون: "آن‌هایی که تهدیدی از جانب دشمن خود حس می‌کنند، احتمالاً مدارای کمتری از خود بروز می‌دارند". اگرچه تهدید یکی از عوامل ثابت توضیح‌دهنده تنوع در سطح مدارا است، اما دقیقاً نمی‌دانیم تنوع در میزان درک تهدید ناشی از چیست: پروژه‌های اندکی موفق به ایجاد پیوند بین درک تهدید و عواملی از قبیل هویت‌های اجتماعی (گیبسون و گاوس ۲۰۰۲)، ساختارهای شخصیت (مارکوس و همکاران ۱۹۹۵)، و استرس اجتماعی (گیبسون و گاوس، ۲۰۰۲) شده‌اند، اما هیچ پژوهشی موجود نیست که توضیح جامعی از تنوع در سطح تهدید گروهی درک شده

ارائه نموده باشد (گیبسون ۲۰۰۶). به گونه‌ای متناقض، چنین به نظر می‌رسد که قدرت گروهی (به عنوان شاخصی برای میزان واقعی تهدید یک گروه برای شیوه زندگی اکثریت) تأثیر خاصی بر درک تهدید نداشته باشد (مارکوس و همکاران ۱۹۹۵؛ گیبسون و گاوس ۲۰۰۲، در گیبسون ۲۰۰۶). تعاملات متقابل ویژگی‌های شخصیتی مانند روان‌رنجوری و اضطراب با درک تهدید نیز گزارش شده‌اند (مارکوس و همکاران ۱۹۹۵). افراد روان‌رنجورتر آسان‌تر از سایرین احساس تهدید می‌کنند و عدم‌مدارای بیشتری در مقابل گروه‌های تهدیدکننده نشان می‌دهند. گیبسون (۲۰۰۶) معتقد است باید بین انواع درک تهدید و گروه‌های هدف مختلف تمایز ایجاد کرد. اخیراً تمایزی بین تهدید امنیت و تهدید نمادین تعریف شده است. براساس پژوهش‌ها، تأثیر تعارض ارزشی بر عدم مدارا از تأثیر تعارض اقتصادی بین گروه‌ها بیشتر است. به گفته گیبسون (۲۰۰۶): "آن‌هایی که "شیوه زندگی خود" را تحت تهدید می‌بینند-نه امنیتشان را-اغلب بیشترین مدارا را از خود نشان می‌دهند". (ون دورن، ۲۰۱۲).

علاوه بر این، هنجارهای دموکراتیک نهادینه شده دارای "تأثیری تعدیل‌کننده" بر اثرات منفی درک تهدید می‌باشند. هرچه فرد از جانب یک گروه تهدید بیشتری حس کند، نسبت به آن مدارای کمتری نشان می‌دهد (سالیوان و همکاران ۱۹۸۲). چهارم، خصوصیات شخصیتی خاص رابطه قابل توجهی با مدارای سیاسی نشان می‌دهند. براساس نتیجه‌گیری سالیوان و ترانسو (۱۹۹۹)، در پژوهش‌های تطبیقی بین‌المللی، تأثیر خصوصیات شخصیتی کاملاً استوار است و این نشان می‌دهد تا حدودی رابطه شخصیت و شرایط است که منجر به (عدم)مدارا می‌گردد. اعضای گروه‌های اقلیت در تلاش برای گریز از تبعیض شغلی، اغلب وارد حوزه تجارت می‌شوند یا به دنبال تحصیلات حرفه‌ای می‌روند. از آن جایی که رقیبان احتمالی در این بخش‌ها به خوبی سازمان یافته‌اند و تعداد اعضای گروه‌های اقلیت نیز بسیار است، این احتمال افزایش می‌یابد که رقبا اقلیت‌ها را تهدیدی برای موقعیت خود به شمار آورند. در آن دسته از مناطق کلان‌شهری که اقلیت‌ها در آن‌ها تمرکز بیشتری یافته‌اند، اعضای اتحادیه‌های کار، گروه‌های حرفه‌ای، و گروه‌های تجاری احتمالاً مدارای کمتری نشان می‌دهند. (ون دورن، ۲۰۱۲).

دین

ورباکل و جاسپرز (۲۰۱۰) بیان داشتند که دین هویت‌ها و فرهنگ‌های جوامع را شکل داده است و مشخصاً افراد دیندار تحت تأثیر نیاکان دیندارشان هستند. دین مؤلفه غالب مدارای اجتماعی است زیرا دین است که تعیین می‌کند فرد چگونه بیندیشد و زندگی کند. افراد دیندار ارزش‌های دینی را پیشه خود می‌سازند، و ارزش‌های دینی نیز معمولاً مدارا را بر نمی‌تابند؛ لذا دین تأثیر منفی بر مدارای اجتماعی بر جای می‌گذارد (ورمیر ۲۰۱۲).

کاریوف (۲۰۰۲) دریافت که عدم مدارا اساسا با گرایشات تئوکراتیک هم در لهستان و هم در ایالات متحده در ارتباط است. اسپیرینگز (۲۰۱۴) رابطه میان به‌دینی و نگرش‌های مسلمانان را در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا مورد بررسی قرار داد و دریافت که نگرش‌های دینی هیچ تاثیری بر مدارای سیاسی ندارند. (یورولماز، ۲۰۱۶).

به عقیده ماکس وبر (۱۳۸۲) آنجا که از سوی دین موضع‌گیری خاصی در جهت نفی برخی امور وجود دارد که منجر به تنش دین با این امور می‌شود، دینداران نیز به تبعیت از آن همین موضع‌گیری را نشان می‌دهند که پیامد آن عدم مدارا نسبت به آن امور و رفتار است. لازم به یادآوری است که برداشت‌های سنتی از دین لزوماً بازنمای جوهر حقیقی دین به گونه‌ای که مورد نظر شارع مقدس و پیامبران بوده نیستند، بلکه گاه بازنمای تعصبات خودمدارانه جوامع سنتی می‌باشند. تلقی‌های خودمدارانه جوامع سنتی از دین باعث شده است که در اکثر رویدادهایی که با عدم مدارا همراه بوده است، بتوان نشانه‌هایی از باورهای دینی ملاحظه کرد. جنگ‌های مذهبی که به دلیل عدم تحمل مذاهب دیگر صورت می‌گرفت و برخوردهایی که به لحاظ علمی و نظری با اندیشمندان بدعت‌گذار می‌شد، معمولا انگیزه و صورت مذهبی داشت.

خصوصیات فردی

سن:

جوانی اغلب با مدارا در ارتباط است (کاتلر و کافمن ۱۹۷۵) زیرا دیدگاه افراد جوان‌تر از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است. محققین همچنین به وجود یک اثر گروهی اشاره دارند (پرسل و همکاران، ۲۰۰۱؛ ویلسون ۱۹۹۴)، شاید به این دلیل که هر چه افراد جوان‌تر باشند، در طول سال‌های شکل‌گیری هویتشان در اجتماعات متنوع‌تر و مدارامحورتری عضویت دارند. شاید یکی دیگر از دلایل بالا بودن سطح مدارا در جوان‌ترها این باشد که سطح تحصیلات عالی آن‌ها بالاتر است، در مناطق شهری زندگی می‌کنند، و اغلب خودشان نیز اقلیت فرض می‌شوند (کوته و اریکسون، ۲۰۰۹).

طبق یافته‌ها، سن احتمال مدارا با همسایگانی را که به زبان دیگری سخن می‌گویند یا همسایگان مبتلا به ایدز افزایش می‌دهد. این امر حاکی از آن است که مدارا با این گروه‌ها می‌تواند تحت تاثیر تجارب زندگی باشد که فرد با بالا رفتن سن کسب می‌کند (اسکیت و زیخالی، ۲۰۱۱).

همچنین میزان مدارا می‌تواند در افراد مسن‌تر بیشتر باشد. افراد جوان‌تر در مدارس و محله‌های خود تجربیات متمرکز محلی بیشتری دارند که تا حدودی از منظر قومی جداسازی شده است (اگرچه این امر در کانادا بسیار کمتر از آمریکا رخ می‌دهد). در این محیط‌ها، آن‌ها آزاد هستند تا با سایر جوانان از گروه‌های مشابه معاشرت کنند. اما افراد مسن‌تر در محیط‌هایی از قبیل محل کار با طیفی از سایرین مواجه می‌شوند که اغلب حق انتخاب زیادی برای گزینش تماس با آن‌ها در اختیار ندارند. این افراد همچنین از تجربیات زندگی

بیشتری برخوردارند که انواع مختلفی از تماس با اقلیت‌ها و آموختن درباره آن‌ها را دربرمی‌گیرد. چنین پنداشته می‌شود که معمولاً زنان دلسوزتر و اجتماعی‌تر از مردان هستند، و زنان کانادایی امروزه در قیاس با مردان نگرش لیبرال‌تری به بسیاری از موضوعات دارند (گیدنگیل و همکاران، ۲۰۰۳). در نتیجه، ممکن است میزان مدارا در زنان بیشتر باشد. با این وجود، تمامی گروه‌های قومی-نژادی و مهاجران متشکل از زنان و مردان هستند. تجربیات مرتبط با مدارای زنان و مردان تقریباً یکسان است و آن‌ها احتمالاً مدارا را به عنوان یک مسئله جنسیتی تجربه نمی‌کنند. شاید به این دلیل که میزان مدارا حقیقتاً در مردان و زنان متفاوت نیست (کوته و اریکسون، ۲۰۰۹).

تحصیلات:

تحصیلات یکی از قوی‌ترین عوامل مرتبط با مدارا است (بویو و لیکاری ۱۹۸۹؛ کینگستون و همکاران، ۲۰۰۳). شاید دلیل این باشد که آموزش ذهن افراد را نسبت به بی‌توجهی به کلیشه‌ها می‌گشاید و دانش آن‌ها را درباره جنبه‌های مثبت گروه‌های مختلف افزایش می‌دهد. اما ارتباط تحصیل با مدارا، محصول مستقیمی از خود تحصیلات نیست. همچنین، افرادی با تحصیلات بیشتر شبکه‌های اجتماعی متنوع‌تری دارند (اریکسون ۲۰۰۴) و در انجمن‌های اختیاری فعال‌تر هستند (کورتیس و گرب ۱۹۹۲)، و این دو نوع تجربه توسعه‌دهنده مدارا فرض می‌شوند. با این وجود، امکان تضعیف تأثیر تحصیل بر مدارا به واسطه تنوع شبکه‌ها و یا فعالیت‌های انجمنی وجود دارد (کوته و اریکسون، ۲۰۰۹).

چه مؤلفه‌ای از تحصیل به مدارا می‌انجامد؟ شاید تأثیر تحصیلات طولانی شبیه به اثر سریع گذراندن دوره‌های آموزشی نباشد، بلکه با مواجهه مادام‌العمر با اطلاعات به طریقی آگاهانه و منتقدانه برابری کند. افرادی با سطح تحصیلات بالاتر توجه بیشتری به اخبار نشان می‌دهند و موضع فعالانه‌تری در مقابل سیاست اتخاذ می‌کنند. آن‌ها سال‌ها پس از اتمام تحصیل در مدرسه، به فراگیری مسائل اجتماعی از قبیل مدارا ادامه می‌دهند. در نخستین مطالعات صورت گرفته در زمینه مدارا به ارتباط مثبت مدارا با تحصیلات پی برده‌اند. افرادی با تحصیلات بالاتر به طور کلی اعتقاد بیشتری به آزادی‌های مدنی و مدارا دارند و در مواجهه با گروه‌های مورد انزجارشان، کمتر از افرادی با سطح تحصیلی پایین‌تر از اصول مبتنی بر مدارای خود عقب می‌نشینند (لارنس ۱۹۷۶؛ کوزنکمپ، ۲۰۱۱، نقل از ون دورن، ۲۰۱۲).

کوندرس و شیپرز (۲۰۰۳) بیان می‌دارند که تحصیلات از تعصب قومی می‌کاهد و آگاهی در باب ارزش‌های همگانی را افزایش می‌دهد. به همین ترتیب، چن (۲۰۱۳) دریافت که پیشرفت تحصیلی دارای تأثیر مثبتی بر افزایش مدارا با برون‌گروهی‌ها دارد (یورولماز، ۲۰۱۶).

تا کنون مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش‌های مرتبط با مدارا عبارت بوده‌اند از شرایط تداوم تأثیر تحصیلات و نحوه و دلیل تقویت مدارا توسط تحصیلات. وگت در کتاب *مدارا و آموزش* (۱۹۷۷) چنین نتیجه‌گیری می‌کند: "تحصیل نه تنها اطلاعات جدید در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد، بلکه نحوه تفکر و شخصیت

آن‌ها را تغییر داده و تجربیات اجتماعی نوینی به آن‌ها ارائه می‌کند. پژوهش‌های گسترده حامی این ادعای کلی هستند" (۱۹۹۷). "آموزش و تحصیل منجر به افزایش مدارا و کاهش تعصبات و کلیشه‌انگاری درباره گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی می‌گردند" (۱۹۹۷). پرسش درباره نحوه تأثیر تحصیل بر مدارا از بررسی وجود این اثر مهم‌تر است، اما وگت (۱۹۹۷) به چهار توضیح رایج اشاره می‌کند: (۱) توسعه شخصیت، (۲) توسعه شناختی، (۳) تماس بین گروهی، و (۴) آموزش مدنی، اخلاقی و چندفرهنگی. اخیراً اثرات "سرمایه اجتماعی" از منظر جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و این بررسی‌ها به توصیف مدارا کمک می‌کنند. سرمایه اجتماعی نمایانگر دسترسی به اطلاعات، فراهم نمودن تجربیات مثبت حاوی تنوع و اعتماد سیاسی است که همه این عوامل موجب ارتقای مدارا می‌شوند و مکمل آموزش هستند. (کوته و اریکسون، ۲۰۰۹).

نتایج حاکی از این است که تحصیلات می‌تواند مدارا را نسبت به همسایگانی از نژاد، زبان و دین متفاوت، مهاجران و نیز افراد مبتلا به ایدز افزایش دهد. تحصیلات عموماً در محیطی اتفاق می‌افتد که در آن فرد امکان می‌یابد با گروهی متنوع تعامل یابد، مدارا نسبت به ایده‌های غیر را افزایش می‌دهد و لذا فرد را قادر می‌سازد در باب گروه‌ها یا فرهنگ‌های مختلف بیشتر بیاموزد. این امر همراستا با انگاره‌های فرضیه یادگیری در باب مدارا است (بابو و لیکاری ۱۹۸۹، شومان و دیگران ۱۹۹۷، کینگستون و دیگران ۲۰۰۳). همچنین، فرد را قادر می‌سازد مطالب جدید را پردازش و شبیه‌سازی نماید، و این امر می‌تواند به آنها در مواجهه با همسایگان مختلف راحتی بخشد. نکته جالب توجه این است که تحصیلات هیچ تأثیری بر مدارا با همجنسگرایی ندارد. پاسخ دهنده‌های مرد در مقایسه با زنان از مدارای کمتری نسبت به همسایگان همجنسگرا برخوردارند (اسکیت و زیخالی، ۲۰۱۶).

آموزش نقشی مرکزی-و اثبات شده-در پیدایش مدارا ایفا می‌کند. نخبگان سیاسی یا "افراد تحصیل کرده و فعال سیاسی" (سالیوان و ترانسو ۱۹۹۹) بیش از سایرین حامی آزادی‌های مدنی هستند و در نتیجه معمولاً مدارای سیاسی بیشتری نشان می‌دهند (مک کلاسکی و بریل ۱۹۸۳؛ اسنایدمن و همکاران ۱۹۹۶). دوماً، هر چه افراد با قدرت بیشتری اعتقاد به هنجارهای انتزاعی دموکراسی را پذیرفته باشند، در قضاوت‌های مبتنی بر مدارای خویش باثبات‌تر خواهند بود (مک کلاسکی ۱۹۶۴؛ سالیوان و همکاران، ۱۹۸۲؛ نقل از ون دورن، ۲۰۱۲).

فراگیری زندگی نیز می‌تواند عامل مدارای بیشتر در افراد مسن‌تر (که سال‌های بیشتری به فراگیری مشغول بوده‌اند) و ساکنان کلان‌شهرها (که در معرض اطلاعات بیشتری درباره مسائل اقلیت‌ها قرار دارند و با این قبیل مسائل در ارتباط مستقیم‌تری هستند) باشد. به منظور تعیین اثرات خصوصیات، پژوهش‌های آتی باید دربردارنده بررسی مستقیم اشکال مختلف یادگیری اجتماعی باشند.

همچنین عضویت در یک گروه اقلیت، با احساسات مثبت بیشتر نسبت به اقلیت‌ها در ارتباط است. دلیل آن تا بخشی عبارت از این است که افراد نگاه مثبت‌تری به گروه‌های خود دارند (جاد و پارک ۱۹۹۳) و بخش دیگر این که آن‌ها دانش بهتری درباره گروه‌های خود به دست می‌آورند و عقاید و قضاوت‌هایشان کمتر متکی به کلیشه‌ها است. برخلاف تأثیر تحصیل، دلایل محدودی برای این تفکر وجود دارند که اثر ظاهری وضعیت قومی در واقع تأثیر پنهان شبکه‌ها یا انجمن‌های اختیاری است. اقلیت‌ها معمولاً تنوع شبکه روابط محدودتر (اریکسون ۲۰۰۴) و سطوح فعالیت انجمنی-به جز قومی و مذهبی-پایین‌تری دارند (کوته و اریکسون، ۲۰۰۹).

عوامل شخصیتی:

پژوهش آدورنو و همکاران (۱۹۵۰) در زمینه "شخصیت اقتدارطلب" (برآورد شده توسط مقیاس F متشکل از آیتم‌هایی از این قبیل که "اطاعت و احترام نسبت به مافوق مهم‌ترین فضیلتی است که کودکان باید فراگیرند") مسیر پژوهش بیشتر در زمینه ویژگی‌های شخصیتی مؤثر بر تعصبات را هموار نمود. به همین ترتیب، آلپورت (۱۹۵۴) در ماهیت تعصب یک فصل را به شخصیت اهل مدارا (صفحه ۴۲۵) در مقابل شخصیت متعصب (صفحه ۳۹۵) اختصاص داده است، و او نیز مانند آدورنو برای توضیح تعصب و عدم مدارا از نظریه‌های روان‌شناختی بهره می‌گیرد و معتقد است تعصب در شخصیت‌هایی خاص ذاتی است. به موازات پژوهش در زمینه تعصبات، چنین دریافته شد که مدارای سیاسی نیز با ویژگی‌های شخصیتی معینی در ارتباط است (مک کاسکی و بریل ۱۹۸۳؛ مارکوس و همکاران ۱۹۹۵؛ نقل از ون دورن، ۲۰۱۲).

سالیوان و ترانسو (۱۹۹۹) از جزمیت، انسان‌گریزی، تمایل به روش‌های فرزندپروری سخت‌گیرانه، بدبینی، روان‌رنجوری و برون‌گرایی به عنوان مواردی با ارتباط مثبت با عدم مدارا، و انعطاف‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، پذیرش تجربیات و اعتماد به عنوان خصوصیات در رابطه مثبت با مدارا یاد می‌کنند. پذیرش تجربیات قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده مدارای سیاسی به نظر می‌رسد (مارکوس و همکاران ۱۹۹۵، در سالیوان و ترانسو ۱۹۹۹)، در حالی که "ناامنی روان‌شناختی" (براساس معیار سنجش جزم اندیشی راکیچ) بیشترین رابطه را با عدم مدارا نشان می‌دهد (سالیوان و همکاران ۱۹۸۲؛ نقل از ون دورن، ۲۰۱۲).

قابل ذکر است که رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و مدارای سیاسی با آموزش مختل می‌گردد (وگت ۱۹۹۷)، یعنی "خصوصیات" شخصیتی با آموزش قابل تغییر هستند. مارکوس و همکاران (۱۹۹۵) به این نکته توجه داشته‌اند که ویژگی‌های شخصیتی بر جستجوی اطلاعات معتبر تأثیر دارند که این نیز نشان می‌دهد ممکن است بین آموزش و شخصیت ارتباط تعاملی وجود داشته باشد که به افزایش مدارای اجتماعی می‌انجامد. اخیراً مدل‌های یکپارچه‌ای ارائه شده‌اند که برای توصیف عدم مدارا، رویکردهای شخصیتی و اجتماعی شدن اولیه را با نظریه‌های بین گروهی ترکیب می‌کنند (داکیت و سیبلی ۲۰۱۰).

چارچوب نظری پژوهش

پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی به گونه‌ای است که شاید کمتر نظریه واحدی بتواند به طور جامع یک پدیده اجتماعی را تبیین نماید. مدارای اجتماعی نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست. لذا اندیشمندان متعددی از دیدگاه‌ها و زوایای مختلف به این پدیده نگریسته‌اند و به تبیین آن پرداخته‌اند.

در تبیین میزان مداراگری دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان به بازشناسی عوامل مؤثر بر این رفتار اجتماعی دست یافت. عوامل مختلفی در اتخاذ نگرش و منش مداراجویانه تأثیر دارند که دینداری یکی از آنها می‌باشد. رابطه دین داری و مدارای اجتماعی را مبتنی بر نظریه دورکیم و وبر ارائه می‌کنیم. به اعتقاد دورکیم دین داران هنجارهایی را بر اساس دین خود درونی کرده‌اند و با اعمال و عقایدی که مغایر با هنجارهای مذهبی دین آنها باشد مخالفت می‌کنند (دورکیم، ۱۳۶۹)، بر اساس نظر ماکس وبر (۱۳۸۲) نیز دین الگوی خاصی از رفتار را تجویز کرده و در برابر رفتارهای مخالف آن موضع‌گیری می‌کند و انتظار دارد پیروانش از این الگو تبعیت کنند. بنابراین مدارای دین‌داران نسبت به افرادی که بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول دین آنها رفتار نمی‌کنند کمتر می‌باشد و پیروان ادیان آمادگی کمتری برای تحمل و مدارا با رفتارهایی که مورد قبول دین آنها نیست دارند.

اگرچه مسلمانان نسبت به همجنسگرایان عموماً از مدارا برخوردار نیستند، نسبت به افرادی از دیگر نژادها و مهاجران با مدارا رفتار می‌کنند. از سوی دیگر مسیحیان معمولاً نسبت به مهاجران و افراد مبتلا به ایدز از مدارا برخوردارند. سیاهپوست بودن با عدم مدارا نسبت به تمام گروه‌ها به جز افرادی از دین دیگر در ارتباط است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که افرادی که تمایل به حفظ ارزش‌های سنتی مثل باور دینی دارند نسبت به مهاجران دارای مدارا هستند اما نسبت به همجنسگرایی از عدم مدارا برخوردارند. (پوفروم ۲۰۱۰؛ نقل از اسکیت و زاخالی، ۲۰۱۶).

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی اعتماد اجتماعی در نظر گرفته شده که بر اساس پژوهش کتابی (۱۳۸۹) رابطه معناداری بین دین‌داری و پنداشت از میزان دین‌داری مردم در جامعه با اعتماد اجتماعی وجود دارد و چنانچه دین داری بر مدارای اجتماعی تأثیرگذار باشد، اعتماد اجتماعی نیز می‌تواند به عنوان یک عامل تأثیرگذار در نظر گرفته شود. در زمینه اعتماد اجتماعی به دیدگاه پاتنام اشاره می‌کنیم. پاتنام (۲۰۰۰) نظریه خود را در رابطه با سرمایه اجتماعی و مدارا مطرح می‌کند و اعتماد اجتماعی را یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری و مدارا بوده و حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیکان با دیگران حاصل می‌شود، اما در جوامع بزرگ تر و پیچیده تر یک اعتماد غیر شخصی تر یا شکل غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد که توسعه مدارا را روان تر می‌گرداند. بدین ترتیب مردمی که ارتباطات فعال و

اعتماد آمیز با یکدیگر دارند، خصوصیات شخصی مفید برای جامعه در آنها گسترش می یابد. این افراد مداراجوتر هستند و بیشتر با مشکلات دیگران همدلی می کنند (پاتنام، ۲۰۰۰).

از طرف دیگر پژوهش قدیمی (۱۳۸۶) نشان داد که بین اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و چنانچه اعتماد اجتماعی بر مدارا تأثیرگذار باشد، مشارکت اجتماعی نیز می تواند به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار مورد بررسی قرار گیرد.

پشتوانه نظری رابطه مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی را مبتنی بر نظریه پاتنام (۲۰۰۰) و همچنین کوتاه و اریکسون (۲۰۰۹) بیان می کنیم. از نظر پاتنام (۲۰۰۰) مشارکت در انجمن های داوطلبانه (شبکه های مشغولیت مدنی) از یک طرف از طریق ایجاد فضایی که در آن افراد به مبادله افکار و عقاید خود می پردازند و یا یکدیگر به گفت و گو می نشینند، باعث افزایش مدارا می گردد. بدین ترتیب که در معرض تعاملات درون گروهی چهره به چهره قرار گرفتن باعث گسترش هنجارهایی از قبیل اعتماد و همیاری می شود و اعتماد و همیاری نیز به نوبه خود بر مدارا تأثیر می گذارد (سیگلر و جاسلین، ۲۰۰۲).

هرقدر میزان مشارکت اجتماعی افراد نسبت به موقعیت اجتماعی پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آنها بیشتر و بالعکس هرچه مقدار این مشارکت اجتماعی کمتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی، کاهش می یابد و می توان انتظار داشت که مدارای اجتماعی نیز کاهش یابد.

بر اساس نظریه تریانندیس (۱۹۹۶) یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی فردگرایی می باشد. تریانندیس عنوان می کند که در فرهنگ های فردگرا، افراد مستقل و خودمختار عمل می کنند و اهداف فردی در الویت قرار دارد و بر اساس سود و زیان خود وارد روابط اجتماعی می شوند ولی در فرهنگ های جمع گرا رفتارها بر اساس هنجارهای جمعی شکل می گیرد و نسبت به افرادی که رفتار و عقایدی متضاد با این هنجارها داشته باشند کمتر مدارا می کنند. در فرهنگ فردگرا همانگونه که فرد برای خود حق انتخاب و آزادی مستقلانه قایل است برای سایر افراد جامعه نیز این حق را در نظر می گیرد. بنابراین فرد مدارای بیشتری نسبت به رفتار متفاوت دیگران خواهد داشت زیرا اعتقاد دارد که دیگران نیز دارای حق انتخاب و استقلال فردی هستند. در پژوهش حاضر نیز مبتنی بر نظر تریانندیس فردگرایی یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی در نظر گرفته شده است.

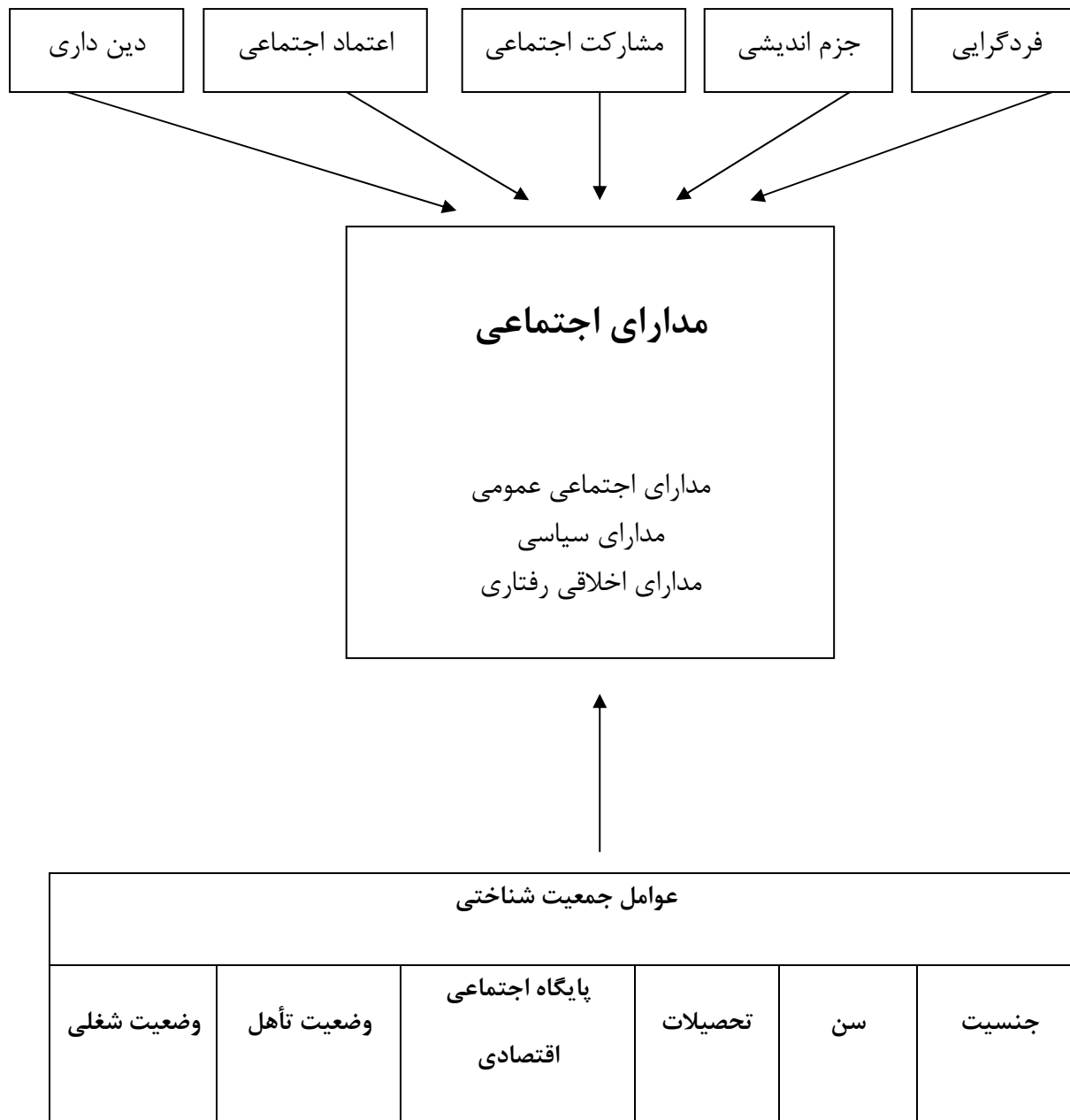
از دیگر عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی جزم اندیشی افراد در نظر گرفته شده که مبتنی بر نظریه هینکلی (۲۰۱۰) می باشد. او سیاست دموکراتیک را عاملی جهت افزایش مدارا در جامعه می داند و عنوان می کند تعصبات مذهبی و جزم اندیشی منافع حاصل از فعالیت های سیاسی را محدود می کند و این تعصبات در طول زمان تمایل به سمت عدم مدارا را ایجاد می نماید. بنابراین مطابق دیدگاه هینکلی می توان گفت که بین جزم اندیشی و مدارا رابطه وجود دارد و به نظر می رسد افراد جزم اندیش رفتارهای مداراجویانه کمتری دارند.

عوامل جمعیت شناختی در بیشتر پژوهش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند و تأثیر آنها بر پدیده‌های اجتماعی سنجیده می‌شود. در پژوهش حاضر نیز تأثیر عوامل جمعیت شناختی بر مدارای اجتماعی بررسی خواهد شد و پشتوانه نظری و تحقیقاتی هر یک نیز عنوان می‌شود. بر این اساس رابطه بین جنسیت و مدارای اجتماعی در پژوهش ترکارانی (۱۳۸۹)، گلبیوسکا (۱۹۹۱) و ورکاتن و همکارانش (۲۰۰۷) مورد بررسی قرار گرفته و نشان می‌دهد برخی از ابعاد مدارای اجتماعی در زنان کمتر از مردان است و به نظر می‌رسد زنان در عدم مدارا، متفاوت از مردان باشند و جنسیت می‌تواند عاملی تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی باشد. کورانی و دیگران (۲۰۰۹) و اورسه (۲۰۰۸) بیان داشتند که زنان نسبت به مردان مدارای بیشتری نسبت به همجنسگرایان نشان می‌دهند.

سن افراد نیز می‌تواند مدارای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار دهد. بر این اساس پژوهش ترکارانی (۱۳۸۹)، کارپف (۱۹۹۹) و کزنکامپ (۲۰۱۱) عنوان می‌کند که افزایش سن برخی از جنبه‌های مدارای اجتماعی را افزایش می‌دهد و بر برخی از جنبه‌های دیگر مدارا تأثیری ندارد. در زمینه تأثیر تحصیلات بر مدارای اجتماعی بر اساس پژوهش بوبو و لیکری (۱۹۸۹)، بهمن پور (۱۳۸۷)، (ترکارانی، ۱۳۸۹) می‌توان گفت که تحصیلات بر مدارا تأثیر دارد و افرادی که باسوادند و تحصیلات بالاتر دارند متمایل به حمایت از آزادی‌های مدنی در جامعه می‌باشند و مدارای بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین یکی دیگر از عوامل مهم در سطح مدارا موقعیت اقتصادی اجتماعی است که بر مبنای پژوهش پرسل و همکاران، (۲۰۰۱) و بهمن پور (۱۳۸۷) می‌توان گفت افراد دارای موقعیت اقتصادی اجتماعی بالاتر دارای سطح بالاتری از مدارا می‌باشند.

مدل نظری پژوهش

بر اساس چارچوب نظری در نظر گرفته شده برای این پژوهش، مدل مفهومی پژوهش در زیر ارائه شده است.



برای سنجش مدارای اجتماعی از نظریه وگت استفاده شده است. در توصیفی که وگت از مدارا ارائه داده است کارهای قدیمی تر از قبیل کریک (۱۹۹۷)، کینگ (۱۹۷۶)، و کربت (۱۹۸۲) را با هم ادغام کرده است (فلیس، ۲۰۰۴). وگت مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند که این سه با یکدیگر همپوشی دارند. مدارای اجتماعی، مدارای سیاسی، مدارای اخلاقی، رفتاری (فلیس، ۲۰۰۴؛ کولسنت، ۱۹۹۷).

مدارای اجتماعی: مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن، چه آنهایی که از هنگام تولد همراه با افراد است (مثل رنگ پوست، جنسیت) و چه آنهایی که در طول زندگی، از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند (مثل زبان صحبت کردن) می‌باشد (فلیس، ۲۰۰۴؛ کولسنت، ۱۹۹۷).

مدارای سیاسی: مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران می‌باشد (فلیس، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر مدارای سیاسی به خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی اشاره دارد که مورد علاقه و توافق نباشد (کولسنت، ۱۹۹۷).

مدارای اخلاقی، رفتاری: حاکی از مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی می‌باشد (فلیس، ۲۰۰۴). به طور کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که مدارای سیاسی نسبت به کسانی می‌باشد که در پی ایجاد خیر عمومی هستند و مدارای اخلاقی مدارا نسبت به کسانی است که به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خودشان، خارج از فضای خیر عمومی می‌باشند.

فرضیه‌های پژوهش:

- ۱- بین دین‌داری و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین جزم اندیشی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین فردگرایی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین عوامل جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی اقتصادی، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی) و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه پژوهش:

پیشینه داخلی

تحقیقی با عنوان رابطه نشانگان فرهنگی با بردباری اجتماعی توسط بهمن پور (۱۳۸۷) در دانشگاه شهید بهشتی انجام گرفت. وی با استفاده از یک مدل ترکیبی به سنجش بردباری اجتماعی بر روی شهروندان تهرانی پرداخته که نشان می‌دهد بردباری یک مفهوم چند بعدی است که ابعاد بردباری سیاسی و بردباری اجتماعی و بردباری مذهبی آن قابل تفکیک است. میزان مدارای مناطق مورد مطالعه نشان داد که منطقه یک بالاترین مدارا و منطقه هفده پایین‌ترین میزان مدارا را دارا می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که مدارای اجتماعی با اقتدارگرایی و جزم اندیشی رابطه منفی دارد و فردگرایی، احساس عدالت و تحصیلات از عوامل مؤثر بر مدارای مذهبی می‌باشد.

سراج زاده و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی پرداختند. نتایج نشان داد که دینداری با ب مدارای سیاسی، مدارای ملیتی و مدارای قومی تأثیر معناداری ندارد. همچنین با افزایش میزان دینداری مدارا نسبت به موضوعاتی مانند مسائل جنسی، جرم و ارتباط با غیر مسلمانان کمتر می باشد.

چلبی و امیرکافی (۱۳۸۳) در بخشی از پژوهش خود با عنوان تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی، مدارای اجتماعی را به عنوان یکی از پیامدهای انزوای اجتماعی معرفی می کنند. بر این اساس هرچه سطح روابط اجتماعی کمتر باشد مدارای اجتماعی کمتر می شود. مدارای اجتماعی با گسترش شبکه ها و تعاملات اجتماعی افزایش می یابد و با تضعیف آنها کاهش می یابد. یعنی پیوستن به انجمن های داوطلبانه که در آنها شرح مسائل، ابراز عقیده و پیشنهادهای، تصمیم گیری ها و انتخاب بر اساس اصل مجاب سازی صورت می گیرد، مدارای اجتماعی را تقویت می کند.

تحقیق دیگری با عنوان "بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی" توسط صابر و همکاران (۱۳۸۳) بر روی دانشجویان دانشگاه مقدس اردبیلی انجام گرفته است. یافته ها نشان می دهد که همبستگی بین دینداری با مدارای اجتماعی و انواع آن منفی است، یعنی هر چه فرد دین دارتر باشد مدارای اجتماعی کمتری خواهد داشت. نتایج رگرسیون چند متغیری در این تحقیق نشان داد که متغیر نوع دین داری قوی ترین متغیر تأثیرگذار بر شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن می باشد.

شارع پور و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله ای به تحلیل ارتباط بین سرمایه اجتماعی و انواع مدارا پرداخته اند. نتایج نشان داد که از میان متغیرهای سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی با تمامی ابعاد مدارا رابطه معکوس و معنی دار دارد. همچنین، مشارکت در شبکه های رسمی و غیررسمی سیاسی با ابعاد مدارا رابطه مستقیم و معنی داری را نشان داد.

شارع پور و عسکری (۱۳۸۸) در مقاله دیگری به گونه شناسی مدارا و سنجش آن پرداخته اند و براساس تقسیم بندی وگت به بررسی سه نوع مدارای اجتماعی و سیاسی و اخلاقی رفتاری پرداخته اند. از نتایج مهم این تحقیق، رابطه مثبت و معنی دار میان تحصیلات و میزان مدارای اجتماعی است. بدین ترتیب که با افزایش مقطع تحصیلی افراد میزان مدارای آنها در زمینه های مختلف نیز افزایش پیدا کرده است.

ترکرانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود، به بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان پرداخته است. یافته ها نشان می دهد میزان شاخص کل مدارای اجتماعی در استان لرستان متوسط رو به پایین است. همچنین در جامعه مورد مطالعه مدارای قومیتی و ملیتی و مدارا در رفتار با مجرمان در سطح متوسط رو به بالا، مدارای جنسیتی، مدارای محلی، مدارای عقیدتی در سطح متوسط و مدارا نسبت به جرم و مدارا در روابط جنسی و مدارای سازمانی در سطح پایینی قرار دارد.

مقتدایی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر اهواز پرداخت. داده‌های پژوهش نتایج نشان می‌دهد که عواملی چون آنومی و جزم اندیشی رابطه معکوس و معنی‌داری با مدارا اجتماعی در شهر اهواز دارد. همچنین ارزشهای ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فردگرایی و تحصیلات رابطه مثبت و معنی‌داری با مدارا دارد. همچنین متغیرهایی جمعیت شناختی همچون جنسیت، وضعیت تاهل، قومیت، محل تولد به طور مستقیم بر میزان مدارای شهروندان تاثیر می‌گذارد.

جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۰) عوامل مؤثر و پیامدهای مدارا را در خانواده‌های شهر شیراز سنجیده‌اند. ایشان متغیرهای امکانات زندگی، تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها و روابط خانوادگی را متغیرهای اثرگذار بر مدارا در فضای خانواده تحلیل کردند و مسائلی مانند انحرافات، دروغ و ترک خانواده را از جمله پیامدهای مدارا نکردن مورد مذاقه قرار دادند. در میان عوامل مؤثر بر مدارا، میزان برخورداری از امکانات زندگی، بیشترین تأثیر را بر مدارا نشان داد. در مورد پیامدهای مدارا نیز نتایج نشان داد که مدارا رابطه معکوسی با تمایل اعضا به ترک خانه، انحرافات و دورویی در خانواده دارد.

بهشتی و رستگار (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان تبیین جامعه شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی دریافتند که متغیر قومیت، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری و سرمایه فرهنگی مدارای اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قوم‌مداری و جامعه‌پذیری قومی ارتباط منفی و معناداری با مدارای اجتماعی نشان دادند.

گلابی و رضایی (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان پرداختند. نتایج یافته‌ها نشان داد که میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن دارای همبستگی مستقیم و معنی‌دار می‌باشد، ولی مشارکت و مدارای اجتماعی بر اساس وضعیت تاهل دانشجویان معنی‌دار نبود. در متغیرهای زمینه‌ای، مقطع تحصیلی تأثیر معناداری بر مدارای اجتماعی داشت. در نهایت، تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۲/۸ درصد از تغییرات متغیر مدارای اجتماعی توسط ابعاد سه‌گانه مشارکت قابل تبیین است.

پیشینه خارجی

تحقیقی توسط ساندو^۱ (۲۰۰۲) از دانشگاه بخارست رومانی تحت عنوان تفاوت‌های اروپائیان در مدارای اجتماعی انجام گرفت. این تحقیق گزارشی از مدارا در اروپای اواخر قرن بیستم را نشان می‌دهد و رویکرد اصلی آن بر مبنای متغیرهایی مانند، عدم تبعیض، فهم زمینه‌ای و مکانیسم‌های نهادی رفع تضادها می‌باشد، که این عناصر، ابعاد اصلی مفهوم مدارا را تشکیل می‌دادند. بر اساس این تحقیق، اروپا از زاویه مدارا، به ۳

^۱ - Sandu

قسمت تقسیم شده است، پسا کمونیست، کاتولیک، پروتستان، که هر قسمت دارای میزان و نوع خاصی از مدارای اجتماعی هستند (ساندو، ۲۰۰۲)

پژوهش بوبو و لیکری (۱۹۸۹) در مورد تحصیلات و مدارای سیاسی نشان داد که تحصیلات بر مدارا نسبت به گروه‌های غیر هم‌نوا تأثیرگذار است و هرچه تحصیلات افراد بیشتر می‌شود مدارای آنها نسبت به افرادی از گروه‌های غیر هم‌نوا بالاتر می‌رود. همچنین با افزایش تحصیلات مدارا نسبت به افرادی از گروه‌های هم‌نوا که فرد احساسات منفی نسبت به آنها دارد نیز افزایش می‌یابد.

وگت (۲۰۰۲) بر اهمیت نقش آموزش و تحصیلات و برخورداری از کالاهای فرهنگی در افزایش میزان مدارای افراد در جامعه تأکید کرده است. وی در بخشی از تحقیق اشاره می‌کند که هرچه تحصیلات در جوامع بالاتر می‌رود سطح مدارای اجتماعی در بین مردم بیشتر می‌شود.

پرسل و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیق خود با عنوان «جامعه‌ی مدنی، فشار اقتصادی و مدارای اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که شرایط اقتصادی هم مستقیماً بر مدارای اجتماعی (مدارا نسبت به همجنس بازان و مدارای نژادی) تأثیر می‌گذارد و هم از طریق ایجاد وضعیت آنومی به طور غیر مستقیم بر مدارا مؤثر است. همچنین از میان متغیرهای شکل دهنده‌ی شرایط اقتصادی، درآمد واقعی، تجربه‌ی بیکاری و امنیت شغلی رابطه‌ی مثبت و متوسطی با هر دو نوع مدارای اجتماعی داشته‌اند.

هازاما^۱ (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر مدارای سیاسی انجام داد و نتایج حاکی از آن بود که عواملی مانند استبداد، آموزش و پرورش و ارتباط و احساس خطر عوامل تأثیرگذار بر مدارا در جامعه می‌باشند.

سرکوئی^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان تعاملات اقتصادی و مدارای اجتماعی به تحلیل مدارا در میان عوامل ناهمگن اقتصادی پرداختند و عنوان کردند که عدم تحمل و بردباری بسیار بیشتر از بردباری در جامعه دیده می‌شود و ماندگارتر است. با وجود مدارای اجتماعی در جامعه رفاه بیشتری برقرار می‌شود. بسیاری از محققان مثل شاتز (۲۰۰۴)، کوینتیلیر^۳ (۲۰۰۸)، گیبسون (۲۰۰۶) به ارتباط میان مدارا در ابعاد مختلف آن با مسئله دموکراسی پرداخته‌اند. شاتز (۲۰۰۴) مدارای اجتماعی را عنصر اساسی در شکل‌گیری دموکراسی‌ها می‌داند که می‌تواند مفهومی کلیدی در توسعه سیاست‌های اجتماعی باشد. از نظر کوینتیلیر (۲۰۰۸) مدارا عنصر ضروری فرهنگ دموکراتیک و شهروندی اروپایی است. همچنین گیبسون (۲۰۰۶) عنوان می‌کند که اگر مدارای سیاسی افزایش یابد، احتمال موفقیت دموکراسی افزایش می‌یابد.

^۱ - Hazama

^۲ - Cerqueti

^۳ - Quintelier

ویتنبرگ و باترس^۱ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه برخی ویژگی‌های شخصیتی با ابعاد مدارا پرداختند. ابعاد مدارا شامل مدارای عقیدتی، مدارای عملی و مدارای گفت و گو بود. نتایج پژوهش نشان داد که ویژگی شخصیتی بازبودن و توافق‌پذیری پیش‌بینی‌کننده مدارای عقیدتی می‌باشد. همچنین ویژگی شخصیتی همدلی که مؤلفه‌های آن ارتباط نزدیکی با ویژگی توافق‌پذیری دارد مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده مدارای گفت و گو است.

در سال ۲۰۰۹ پژوهشی با عنوان "فهم ریشه‌های مدارا" توسط کوته و اریکسون^۲ در میان مردم کانادا انجام گرفت. نمونه این پژوهش ۲۰۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان در انتخابات فدرال کانادا بودند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های فردی، شبکه‌ها و انجمن‌ها همگی بر مدارا تأثیر می‌گذارند. از میان ویژگی‌های فردی، تحصیلات، سن، زندگی در انجمن‌ها و عضو گروه اقلیت یا اکثریت بودن تأثیر بسزایی در این زمینه دارند. هرچه تحصیلات بالاتر باشد مدارا بیشتر است. هرچه سن بالاتر باشد مدارا بیشتر است. افرادی که در اجتماعات بزرگتر زندگی می‌کنند، مدارای اجتماعی بیشتری دارند. همچنین افرادی که خود جزء اقلیت‌ها هستند، مدارای بیشتری دارند (کوته و اریکسون، ۲۰۰۹).

لی (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی سطوح و عوامل تعیین‌کننده مدارای اجتماعی و سیاسی در هنگ کنگ پرداخت. این مطالعه پنج گروه اقلیت یا مخالف را در بر می‌گرفت. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میزان مدارا در گروه‌های هدف متغیر است. گروهی که مورد بیشترین مدارای اجتماعی قرار گرفته است الزاماً دریافت‌کننده بیشترین مدارای سیاسی نبوده است. بسیاری از افراد نگرش "همزیستی خاموش" یا "فاصله احترام‌آمیز" را در برابر گروه‌های خاص اقلیت یا مخالف حفظ می‌کنند. همچنین این پژوهش به عوامل پیش‌بینی‌کننده جمعیت‌شناختی و نگرشی مدارا نیز پرداخته و دریافته است که مدارا در میان جوانترین گروه بیشتر و در میان مهاجران جدید ضعیف‌تر است. همچنین مدارا ارتباط قابل توجهی با اعتماد اجتماعی و جهت‌گیری پساماتریالیستی دارد.

تحلیل پیشینه پژوهش:

با نگاهی به نتایج تحقیقات انجام شده می‌توان عنوان کرد که مدارا مفهومی است که در بسیاری از ابعاد زندگی ما تنیده شده است و در تحقیقات موجود از هر سو در رابطه با زندگی اجتماعی بدان نگریده‌اند. در هر پژوهشی از تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست گرفته تا اخلاق، همه‌جا نشانی از این موضوع را پیدا خواهیم کرد، مدارا چه به عنوان یک ارزش و یا روش و چه به عنوان یک رویکرد و یا رفتار اهمیت زیادی در زندگی روزمره انسان‌ها دارد. با این وصف، تحقیقات انجام شده در زمینه مدارای اجتماعی با وجود دقت فراوان در

^۱- Witenberg & Butrus

^۲ - Cote & Erickson

بررسی و ارزیابی مدارا در مواردی کاستی‌ها و کمبودهایی دارند. ۱- از جمله کاستی‌ها در بیشتر تحقیقات داخلی، محدودیت جامعه آماری و اختصاص آن به دانشجویان بوده است. ۲- در بیشتر تحقیقات به بررسی یک یا چند عامل در رابطه با مدارا پرداخته اند و عوامل تأثیرگذار را بسیار محدود در نظر گرفته‌اند. ۳- در برخی موارد نتایج پژوهش‌ها با یکدیگر مغایر بوده و معناداری روابط را در جهاتی معکوس ارائه داده‌اند. به عنوان مثال، در بررسی عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی برخی سن را مؤثر و برخی تأثیر آن را رد می‌کنند. برخی رابطه مدارا با وضعیت تأهل را معنادار و برخی غیرمعنادار ذکر کرده‌اند. بنابراین ارزیابی مدارای اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن در سطحی گسترده‌تر می‌تواند وضعیت مدارا در بین ایرانیان را مشخص کرده و راه‌گشای روابط اجتماعی مسالمت آمیزتری باشد.

تمایز طرح پیشنهادی با پژوهش‌ها و مطالعات پیشین

۱- همانگونه که مطرح شد، تحقیقات انجام شده در زمینه مدارای اجتماعی با وجود تعداد زیاد و دقت در انجام پژوهش، در بررسی و ارزیابی مدارا در مواردی کاستی‌ها و کمبودهایی دارند که در پژوهش حاضر از طرفی تلاش در جهت رفع این کمبودهاست.

۲- از طرف دیگر تاکنون پژوهشی با این گستردگی و حجم گروه نمونه در زمینه مدارای اجتماعی، صورت نگرفته است و پژوهش حاضر با گروه نمونه ای بزرگ تر به بررسی میزان مدارای اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن می پردازد.

۳- در برخی تحقیقات داخلی، جامعه آماری در بین دانشجویان بوده و با توجه به اینکه دانشگاه‌ها را قشر تحصیل کرده و جوان تشکیل می‌دهند، نوع نگرش آنها متفاوت از عموم جامعه در رده‌های سنی مختلف می باشد، در پژوهش حاضر گروه نمونه از نوجوان تا سالمند را در بر می گیرد و افرادی با تحصیلات دانشگاهی و بدون آن را تحت پوشش قرار می دهد.

۳- همچنین در تحقیقات پیشین، در بررسی عوامل مؤثر بر مدارا تعداد محدودی عامل در نظر گرفته شده است که در تحقیق حاضر سعی شده در سطح گسترده‌تری به بررسی عوامل تأثیرگذار پرداخته شود.

۴- در تحقیقات انجام شده، عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی از جوانب متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته اند و نتایج متفاوتی به دست آورده اند که با توجه به گستردگی پژوهش حاضر تلاش بر آن است که نتایجی دقیق و راهبردی حاصل شود.

۴- به علاوه در هر یک از تحقیقات از تقسیم بندی‌های مختلفی برای سنجش مدارا استفاده شده است که برخی مفهوم مدارا را به طور کامل پوشش نمی‌دهند، لذا در این پژوهش سعی بر آن است تا مدارای اجتماعی در ابعاد مختلف و همچنین عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی به طور کامل‌تری مورد بررسی قرار گیرد.

فصل سوم

روش پژوهش

روش پژوهش و شیوه گردآوری داده‌ها:

پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده کرده است که در زمره پژوهش‌های میدانی می‌باشد. به لحاظ زمانی پژوهش مقطعی است و قلمروی زمانی آن سال ۱۳۹۷ می‌باشد. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. برای سنجش مدارای اجتماعی از نظریه وگت استفاده شده است که مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند. مدارای اجتماعی (شامل مدارای دینی، مذهبی، قومی، ملیتی و مدارای اجتماعی عمومی)، مدارای سیاسی (شامل مدارا نسبت به فمنیست‌ها، ژورنالیست‌ها، نویسندگان، منتقدان و مدارای سیاسی عمومی)، مدارای اخلاقی، رفتاری (شامل مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، مجرمان و سبک‌ها پوشش و رفتار). این پرسشنامه توسط شارع پور و همکاران (۱۳۸۸) ساخته و اعتبار و روایی آن محاسبه شده است. همچنین در تحقیقات دیگر نیز استفاده شده و اعتبار و روایی آنها مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین برای سنجش متغیرهای مستقل نیز از پرسشنامه‌های محقق ساخته که روایی و پایایی آن در پژوهش‌ها مورد تایید قرار گرفته است استفاده شده است.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه:

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان ۱۵ تا ۷۰ ساله شهر تهران می‌باشند. به منظور گستردگی بیشتر جامعه آماری و بررسی مدارا در رده‌های سنی مختلف و بر اساس اینکه سن کار و تعاملات اجتماعی در این بازه سنی جای دارد، از این رنج سنی استفاده شد. دلیل انتخاب تهران به عنوان جامعه آماری مهاجرپذیری بالای آن به مثابه مادر شهر ایران و وجود تنوع قومی در این شهر است. از آنجا که مهاجرپذیری به ویژه از اقوام مختلف باعث نزدیک شدن مکانی و فضایی افراد با ویژگی‌های فرهنگی و قومی مختلف است، فرصت بیشتری را برای برخورد و تضارب افکار و عقاید ایجاد می‌کند و به زعم ما عرصه را برای بررسی مدارای اجتماعی بیشتر فراهم می‌آورد.

بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ جمعیت کل شهر تهران تعداد هشت میلیون و ۲۴۵ هزار نفر ثبت شده است و جمعیت بالای ۱۵ سال آن ۶۳۴۱۲۹۷ می‌باشد (درگاه آمار ایران، ۱۳۹۱). برای تعیین حجم نمونه از معادله نمونه‌گیری کوکران استفاده شده که با توجه به پژوهش‌های انجام شده در سطح شهر تهران نمونه ۶۰۰ نفر می‌تواند تبیین کننده نظرات شهروندان تهران باشد.

شیوه نمونه‌گیری

همچنین در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به نواحی مختلف تقسیم شدند. بر اساس اطلاعات جغرافیایی و نقشه‌ای شهرداری تهران و مرکز آمار ایران، مناطق مورد نظر به نواحی، محلات و بلوک‌های شهری تقسیم‌بندی شدند و در نهایت با روش

نمونه‌گیری تصادفی در درون بلوک‌های انتخابی، با مراجعه پرسشگران به درب منازل اطلاعات با استفاده از تابلت جمع‌آوری شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی

جنسیت: سن: تحصیلات: وضعیت تأهل: وضعیت اشتغال: وضعیت فعالیت: قومیت: طبقه اجتماعی: منطقه زندگی: مالکیت مسکن: درآمد: هزینه ماهیانه: پایگاه اجتماعی اقتصادی:

پرسشنامه مدارای اجتماعی

پرسشنامه مدارای اجتماعی بر اساس نظریه وگت شامل ۳ خرده مقیاس می باشد که مدارای اجتماعی، مدارای سیاسی و مدارای اخلاقی و رفتاری را در بر می گیرد.

مدارای اجتماعی

منظور وگت از مدارای اجتماعی مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن، چه آنهایی که از هنگام تولد همراه با افراد است (مثل رنگ پوست، جنسیت) و چه آنهایی که در طول زندگی، از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند (مثل زبان صحبت کردن) می‌باشد (فلیس، ۲۰۰۴؛ کولسنت، ۱۹۹۷). در این پژوهش برای مدارای اجتماعی ۳ مؤلفه در نظر گرفته شده است که بدین ترتیب می باشند. مدارای دینی، مدارای قومیتی، ملیتی و مدارای اجتماعی عمومی. مدارای دینی خود دارای دو بعد مدارا با پیروان سایر ادیان و مدارا با اقلیت‌های مذهبی می باشد. گویه‌های ۱ تا ۷ مربوط به مدارای دینی (گویه ۱ تا ۴ مدارا با سایر ادیان، گویه ۵ تا ۷ مدارا با اقلیت‌های مذهبی). گویه‌های ۸ تا ۱۱ مربوط به مدارای قومیتی و گویه‌های ۱۲ تا ۱۴ مربوط به مدارای ملیتی و گویه‌های ۱۵ و ۱۶ مربوط به مدارای اجتماعی عمومی می‌باشند.

گویه‌های سنجش متغیر مدارای اجتماعی:

- ۱- باید به افراد سایر ادیان مقیم ایران اجازه سخنرانی کردن در ملاء عام را داد.
- ۲- باید به افراد سایر ادیان مقیم ایران اجازه تدریس در دانشگاه‌ها را داد.
- ۳- هم اتاق شدن (هم خانه شدن) با افراد سایر ادیان اشکالی ندارد.
- ۴- افراد سایر ادیان در ایران باید از سایر شهروندان دور نگه داشته شوند.
- ۵- مردم باید اجازه اجرای مراسم مذهبی شان را داشته باشند، حتی اگر اکثریت با آنها مخالف باشند.
- ۶- از بحث‌های مذهبی با کسانی که عقاید فرد را به چالش می کشند باید خودداری کرد.

- ۷- ازدواج با افراد متعلق به دیگر ادیان و داشتن نسبت فامیلی با آنها اشکالی ندارد.
- ۸- زمانی که دیگران با زبانی صحبت می کنند که من آن را نمی فهمم احساس ناراحتی می کنم.
- ۹- از شرکت در گروه‌هایی که در آنها از نظر قومی در اقلیت قرار گیرم خودداری می کنم.
- ۱۰- از نظر من داشتن نسبت فامیلی با سایر قومیت‌ها اشکالی ندارد.
- ۱۱- خوب است که زبان یکی از اقلیت‌های قومی را یاد بگیریم.
- ۱۲- داشتن نسبت فامیلی با افراد سایر ملیت‌ها اشکالی ندارد.
- ۱۳- هم اتاق شدن با افراد سایر ملیت‌ها اشکالی ندارد.
- ۱۴- افراد سایر ملیت‌ها باید از کشور ما بیرون بروند.
- ۱۵- به نظر من خوب است که راه‌های متفاوت زندگی کردن را تجربه کنیم.
- ۱۶- به نظر من یکی از اهداف آموزش عالی باید این باشد که به دانشجویان چگونگی زندگی کردن با افراد متفاوت را بیاموزد.

مدارای سیاسی

منظور وگت از مدارای سیاسی مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران است (فلیس، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر مدارای سیاسی به خودداری آزادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی اشاره دارد که مورد علاقه و توافق نباشد (کولسنت، ۱۹۹۷). در پژوهش حاضر برای مدارای سیاسی ۴ مؤلفه در نظر گرفته شده است که عبارتند از مدارا نسبت به فمنیست‌ها، ژورنالیست‌ها، نویسندگان و تهیه کنندگان منتقد و مدارای سیاسی عمومی. با توجه به جدول زیر گویه ۱ مربوط به مدارا نسبت به فمنیست‌ها، گویه ۲ و ۴ مدارا نسبت به ژورنالیست‌ها، گویه‌های ۵ تا ۷ مدارا نسبت به نویسندگان منتقد و گویه‌های ۸ تا ۱۰ مربوط به مدارای سیاسی کلی می باشد.

گویه‌های سنجش مدارای سیاسی:

- ۱- کتاب‌هایی که از برابری حقوق زنان و مردان صحبت می کنند باید از کتابخانه‌های عمومی بیرون انداخته شوند.
- ۲- دانشجویان باید اجازه ارائه مطالب بحث انگیز در روزنامه‌های دانشجویی را داشته باشند.
- ۳- باید در هر کشوری روزنامه‌ها و مجلات متفاوت وجود داشته باشد.
- ۴- روزنامه نگاران باید اجازه داشته باشند منابع خبری خود را فاش نکنند.
- ۵- به فیلم‌هایی که به انتقاد از سیاست‌های موجود می پردازد نباید اجازه اکران داده شود.
- ۶- باید به نویسندگانی که از سیاست‌های حاکمیت انتقاد می کنند اجازه انتشار مطالبشان داده شود.
- ۷- مردم باید اجازه بیان نظراتشان را داشته باشند حتی اگر اکثریت با آن نظرات مخالف باشند.

- ۸- مردم در انتخاب گرایش سیاسی باید آزاد باشند.
- ۹- باید در جامعه احزاب گوناگون وجود داشته باشد.

مدارای اخلاقی رفتاری

مدارای اخلاقی و رفتاری مدارا نسبت به اعمال کسانی است که به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خودشان، خارج از فضای خیر عمومی هستند (فلیس، ۲۰۰۴؛ کولسنت، ۱۹۹۷). البته خود این ویژگی‌ها موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند. بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند موضوع مدارا یا عدم مدارا می‌باشند (فلیس، ۲۰۰۴). در این پژوهش برای مدارای اخلاقی و رفتاری ۳ مؤلفه در نظر گرفته شده است که عبارتند از مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، مدارا نسبت به مجرمان و مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار. گویه‌های ۱ تا ۳ مربوط به مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، گویه‌های ۴ تا ۶ مربوط به مدارا نسبت به مجرمان، گویه‌های ۷ تا ۹ مربوط به مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار می‌باشد.

گویه‌های سنجش مدارای اخلاقی و رفتاری:

- ۱- باید از رابطه دوستی بین دخترها و پسرها جلوگیری کرد.
- ۲- نباید با کسانی معاشرت کرد که گرایش‌های جنسی متفاوتی دارند.
- ۳- به کسانی که گرایش جنسی متفاوتی دارند نباید اجازه تدریس در مدارس و دانشگاه‌ها را داد.
- ۴- اکثر مجرمان محصول و قربانی شرایط بد اجتماعی-اقتصادی محیط هستند، از این رو در مجازات آنها باید به این شرایط توجه نموده و به فکر اصلاح آنها بود.
- ۵- مجرمان انگل جامعه هستند که برای حفظ امنیت دیگران باید با قاطعیت و بدون ملاحظه کاری با آنها رفتار کرد.
- ۶- مجرمان از انسانیت به دور اند، از این رو برخورد غیر انسانی با آنها اشکالی ندارد.
- ۷- دانشجویان باید از پوشیدن لباس‌هایی که مورد پسند مردم نیست خودداری کنند.
- ۸- آدم باید مطابق سلیقه خود عمل کند و هر نوع لباس را که دوست دارد بپوشد حتی اگر دیگران راضی نباشند.

لازم به ذکر است که در تهیه مقیاس مدارا از کار دکتر شارع پور و علی عسگری (۱۳۸۵) استفاده شده است.

اعتبار و پایایی پرسشنامه

برای ارزیابی اعتبار، سه روش اصلی وجود دارد که عبارتند از: اعتبار محتوا، معیار و سازه (دواس، ۱۳۸۳: ۶۳). در پژوهش شارع پور و عسگری (۱۳۸۵) به منظور بررسی اعتبار این پرسشنامه از اعتبار محتوایی

استفاده شده است و پژوهشگر از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر خبرگان این حوزه به این نتیجه رسیده که شاخص گنجانده شده در سوالات پرسشنامه معرف حوزه معنایی مفاهیم مورد مطالعه هستند. همچنین برای اطمینان از پایایی ابزار سنجش پرسشنامه مورد پیش آزمون قرار گرفت. به این صورت که تعداد ۳۰ نفر از پاسخگویان پرسشنامه را تکمیل کردند. پس از آن پرسشنامه کدگذاری و در نرم افزار SPSS وارد شدند و پایایی آنها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. سپس با توجه به نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی اصلاحات لازم در ابزار سنجش به عمل آمد تا اعتبار و پایایی آن افزایش یابد. پس از اعمال اصلاحات لازم پرسشنامه نهایی در میان پاسخگویان به اجرا درآمد. ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده مقیاس‌ها برابر مدارای اجتماعی ۰/۸۶، مدارای سیاسی ۰/۷۷، مدارای اخلاقی رفتاری ۰/۸۰ و مدارای کل ۰/۹۰ به دست آمد که نشان از پایایی مناسب ابزار پژوهش دارد. در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای مدارای اجتماعی ۰/۷۶، مدارای سیاسی ۰/۷۲، مدارای اخلاقی رفتاری ۰/۷۰ و مدارای اجتماعی کل ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسشنامه دینداری

دین پدیده‌ای چند بعدی می‌باشد که به نظر می‌رسد الگوی کلارک و استارک برای مطالعه هر نوع دین و در هر تحقیق که دین داری را یک متغیر در نظر می‌گیرد الگوی مناسب و به کار بستنی باشد (سراج زاده، ۱۳۸۰).

به نحوی که این الگو تقریباً بومی شده و شاخص‌های مناسب دین اسلام با این الگو بارها تست شده است. لذا ما نیز با توجه به تعریف مفهومی از الگوی کلارک و استارک برای سنجش میزان دین داری افراد استفاده می‌کنیم.

پرسشنامه دینداری کلارک و استارک توسط کلارک و استارک (۱۹۶۵) برای سنجش نگرش‌ها و باورهای دینی و دینداری ساخته شده است. این پرسشنامه در اصل یک نسخه ۵ بعدی است که شامل ابعاد ۵ گانه اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و فکری می‌باشد. پرسشنامه مورد استفاده ۴ بعد از ابعاد فوق را به کار برده و بعد فکری دین به دلیل وسعت تبلیغات در ایران حذف شده است. در نهایت این پرسشنامه شامل ۲۶ سوال می‌باشد (سراج زاده، ۱۳۷۴). مقیاس اندازه‌گیری لیکرت می‌باشد و هرگویه ۵ درجه ارزشی را در بر می‌گیرد که از کاملاً مخالف: ۰ تا کاملاً موافق: ۴ متغیر می‌باشد. نمره گذاری سوالات ۷، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹ به صورت معکوس می‌باشد. مقیاس‌های این پرسشنامه به شرح زیر است.

بعد اعتقادی (Ideological): باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن اعتقاد داشته باشند. کلارک و استارک این باورها را به سه نوع تقسیم کرده‌اند: باورهای پایه‌ای مسلم که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایت‌گرا که هدف و خواست خداوند از

خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این اهداف باز می نمایند و باورهای زمینه ای که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند در بر می گیرد (سراج زاده، ۱۳۸۰).

برای سنجش این بعد از ۷ گویه استفاده شده است. این پاسخ‌ها از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم را شامل می شود. گویه‌ها برای سنجش بعد اعتقادی به این شرح است.

- ۱- شیطان واقعا وجود دارد.
 - ۲- اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم فساد و فحشا همه جا را پر می کند.
 - ۳- در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقا رسیدگی می شود و نیکوکاران در بهشت و بدکاران به جهنم خواهند رفت.
 - ۴- قرآن کلام خداست و هرچه می گوید حقیقت محض است.
 - ۵- این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور حضرت مهدی (عج) پر از عدل و داد خواهد شد.
 - ۶- من به وجود فرشته اعتقاد دارم.
 - ۷- هنوز مطمئن نیستم که خدا واقعا وجود دارد.
- بعد مناسکی یا عمل دینی (Ritualistic): اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و را که انتظار می رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند در بر می گیرد (سراج‌زاده، ۱۳۸۰).
- برای سنجش بعد مناسکی از ۷ گویه استفاده شده است. گویه‌ها برای سنجش بعد مناسکی به شرح ذیل است.

- ۱- هر چندوقت یکبار برای ادای نماز جماعت به مسجد می روید؟
 - ۲- در ایام ماه رمضان (چنانچه مریض یا مسافر نباشید) چقدر روزه می گیرید؟
 - ۳- تا چه حد قرآن می خوانید؟
 - ۴- چقدر با مسجد محل یا موسسات مذهبی (اسلامی) دیگر همکاری دارید؟
 - ۵- آیا نماز می خوانید؟
 - ۶- آیا در نماز جمعه شرکت می کنید؟
 - ۷- آیا در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری که در مساجد و تکیه‌ها تشکیل می شود شرکت می کنید؟
- بعد تجربی یا عاطفی (Experimental): در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است ظاهر می شود. برای سنجش بعد تجربی از ۶ گویه استفاده شده است. گویه‌ها برای سنجش بعد تجربی به این شرح است.
- ۱- کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی ترسد.

- ۲- گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام.
 - ۳- بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی پوچ و بی‌هدف است.
 - ۴- هر گاه به حرم یکی از امامان و اولیا می‌روم احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد.
 - ۵- بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد.
 - ۶- گاهی احساس توبه می‌کنم و از خدا می‌خواهم تا برای جبران گناهم به من کمک کند.
- بعد پیامدی یا آثار دینی (Consequential): شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است (سراج زاده، ۱۳۸۰). برای سنجش بعد پیامد از ۶ گویه استفاده شده است. گویه‌ها برای سنجش بعد پیامدی به این شرح است.
- ۱- در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید اینقدر سخت‌گیری کرد.
 - ۲- تقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است.
 - ۳- رهبران سیاسی باید کاردان باشند. مذهبی بودن یا نبودنشان چندان مهم نیست.
 - ۴- به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد.
 - ۵- با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد.
 - ۶- زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به عنوان تماشاچی شرکت کنند.

اعتبار و پایایی پرسشنامه

گلارک و استارک (۱۹۶۵) پایایی نسخه مربوط به مسلمانان را به روش آلفای کرونباخ محاسبه نمودند. ضریب آلفای کرونباخ را برای این پرسشنامه ۰/۸۹ گزارش کردند. همچنین سراج زاده و پویافر (۱۳۹۱) در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۲ گزارش نموده و تحلیل عاملی نیز ۵ بعد این پرسشنامه را تأیید نمود. این آزمون همچنین به دلیل استاندارد بودن دارای پایایی بالایی است. مقدار آلفا برای متغیرهای بعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، بعد پیامدی ۰/۷۲ و بعد مناسکی ۰/۸۳ می‌باشد (سراج زاده و پویافر، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیر دینداری ۰/۷۹، بعد اعتقادی ۰/۸۴، بعد تجربی ۰/۶۹، بعد پیامدی ۰/۶۸ و بعد مناسکی ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسشنامه اعتماد اجتماعی

پرسشنامه اعتماد اجتماعی توسط صفاری نیا و شریف (۱۳۸۹) با همکاری متخصصان مربوطه در این زمینه ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۲۵ گویه می‌باشد و ۵ مؤلفه را در بر می‌گیرد که برای هر مؤلفه ۵ سوال در نظر گرفته شده است. مؤلفه‌های پرسشنامه به صورت زیر است.

سوالها	مolfهها
۵ تا ۱	رفتار مبتنی بر اعتماد کردن
۱۰ تا ۶	تمایلات همکاری جویانه
۱۵ تا ۱۱	صراحت
۲۰ تا ۱۶	صداقت
۲۵ تا ۲۱	اطمینان

آزمودنی‌ها به سئوالات بر مبنای مقیاس ۵ درجه ای لیکرت به صورت کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) پاسخ می دهند. حد پایین نمره برای هر آزمودنی، ۲۵ و حد بالای آن ۱۲۵ می باشد.

گویه‌های اعتماد اجتماعی

- ۱- به دوستان قدیمی خود اعتماد دارم.
- ۲- معتقدم امروزه روزگاری است که به هیچکس نمی توان اعتماد کرد.
- ۳- علاقه مندم که دوستان و آشنایانم نسبت به من اعتماد داشته باشند.
- ۴- معتقدم در جامعه باید بنا را بر بی اعتمادی نسبت به همه نهاد والا عقب مانده و زیان می کنم.
- ۵- معتقدم واژه‌ها و عباراتی که در ذهنم نسبت به فرد خاصی دارم به اعتماد و انتظار من از آن فرد رنگ و بو می بخشد.
- ۶- اگر آشنایی به من مراجعه کند و درد و دل نماید و مشکلی داشته باشد دوست دارم که هر طور شده به او کمک کنم.
- ۷- با دیدن فرد نیازمند از کمک به او خوشحال می شوم و بلافاصله درصدد دلجویی و کمک رسانی بر می آیم.
- ۸- معتقدم اگر آشنایی وسیله ای را در منزل من و یا همکاری چیزی را در محل کارم جا بگذارد بلافاصله باید با او همکاری کنم و آن وسیله را در اولین فرصت به آن فرد برسانم.
- ۹- علاقمندم در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی با دیگران همکاری کنم.
- ۱۰- اگر نیازمندی به من رجوع کند و تقاضای کمک داشته باشد، او را فوراً از سر باز می کنم.
- ۱۱- با صراحت معتقدم که به وجود آمدن اعتماد نیاز به زمان ، امتحان و تجربه دارد.
- ۱۲- علاقمندم که نسبت به گذشته ، بیشتر رعایت اخلاق و انصاف را کنم.
- ۱۳- فکر کنم در جامعه ما هر کس به دنبال کار خودش است تا همکاری با دیگران.
- ۱۴- وقتی فرزندم یا یکی از بستگانم بخواهد تنها در شب به محله دیگری برود نگران او می شوم و معتقدم که باید با صراحت نگرانیم را با او در میان بگذارم.

- ۱۵- معتقدم در مقایسه با زن و مرد، مردها امنیت بیشتری در جامعه دارند.
- ۱۶- معتقدم که راستگویی و صداقت سبب حفظ اعتماد در جامعه ماست.
- ۱۷- اگر بدهکاری بدهی خود را سر موقع نپردازد و دو سه بار مهلت بخواهد، فکر می‌کنم صادق نیست و قصد دادن بدهی خود را به من ندارد..
- ۱۸- معتقدم مردم به دلیل عدم صداقتشان بیشتر با هم درگیر می‌شوند و اختلاف دارند.
- ۱۹- علاقمندم با دوستان و آشنایانم در زمینه‌های اجتماعی صادق باشم.
- ۲۰- معتقدم وجود ۸ میلیون پرونده سالیانه در دادرها بدلیل عدم صداقت در میان مردم است.
- ۲۱- معمولاً به تعهد یا قول شفاهی دیگران اطمینان دارم.
- ۲۲- علاقمندم در امور مالی به دیگران اطمینان دارم.
- ۲۳- معتقدم که امروزه مردم در کارها به دلیل داشتن تجربیان منفی زیاد از هم می‌ترسند.
- ۲۴- معتقدم اگر کسی یک پیشنهاد به من داشته باشد نباید ریسک کنم و هر کس هر چیزی را گفت قبول کنم.
- ۲۵- چیزی را در محل کسب کسی جا گذشته ام، اطمینان دارم در صورت مراجعه به آن محل آن چیز را به من بر می‌گرداند.

اعتبار و پایایی پرسشنامه

پایایی مقدماتی بر روی گروه پایلوت: برای تدوین این پرسشنامه ابتدا گویه‌های پرسشنامه اعتماد اجتماعی با توجه به پنج معرف با همکاری متخصصان مربوطه در این زمینه ساخته شد و پس از ساخته شدن از نظر مفهومی و دقت و بکارگیری کلمات معادل و جمله بندی مناسب، روایی محتوایی آن توسط چند تن از متخصصان روان شناسی مورد مقایسه و باز بینی قرار گرفته است. برای رفع نواقص و ابهامات مفهومی و رسیدن به ترکیب بندی سلیس و کم نقص تر، پرسشنامه توسط یک گروه ۳۰ نفری از دانشجویان تکمیل شد و از آنان خواسته شد نظرات خود و کلمات و نکات مبهم را که احتمال دارد مخاطب را دچار اشتباه کند علامت گذاری کرده و توضیح دهند. براساس این داده‌ها پرسشنامه چندین بار مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. در این پژوهش برای تعیین پایایی مقدماتی ۵ بعد یا معرف اعتماد اجتماعی یعنی صداقت، صراحت، تمایلات همکاری جویانه، اطمینان و اعتماد کردن پیش آزمونی از آن برای ۵۰ نفر از دانشجویانی که عضو جامعه آماری بودند، به طور تصادفی اجرا شد. پاسخ‌های پرسشنامه پیش آزمون به وسیله نرم افزار پردازش گردید. نتایج نشان داد که هر پنج معرف به ترتیب دارای ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۶، ۰/۹۶، ۰/۹۶، ۰/۹۶، ۰/۹۶) هستند که نیاز به حذف هیچکدام از گویه‌های پرسشنامه نیست و در صورت حذف هر گویه آلفای کرونباخ نیز تغییر قابل توجهی نخواهد داشت

پرسشنامه اعتماد اجتماعی بر روی ۶۰۰ دانشجو (۳۰۰ دختر و ۳۰۰ پسر) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز اجرا شد. ضریب آلفای کرونباخ هر پنج مؤلفه به ترتیب برابر (۰/۹۷، ۰/۹۶، ۰/۹۶، ۰/۹۶، ۰/۹۶) بود. و ضریب آلفای کل اعتماد اجتماعی ۰/۹۵۴ به دست آمد. در پژوهش صفاری نیا نتایج نشان داد که با روش تحلیل مولفه‌های اصلی تنها یک عامل وجود دارد که ۵۲/۹۲ درصد واریانس را تبیین می‌کند و همه گویه‌ها در این عامل بارگیری می‌شوند و بیشترین بار عاملی مربوط به سوال یک بوده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای اعتماد اجتماعی ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه مشارکت اجتماعی

پرسشنامه مشارکت اجتماعی توسط انتصاری (۱۳۸۷) ساخته شده و مورد آزمون قرار گرفته و اعتبار و روایی آن تعیین شده است. این پرسشنامه از ۱۷ سوال ۵ گزینه‌ای که به صورت لیکرتی (با طیف: همیشه = ۴، بیشتر اوقات = ۳، گاهی اوقات = ۲، به ندرت = ۱ و اصلاً = ۰) طراحی شده، تشکیل شده است و دو زمینه مشارکت اجتماعی یعنی مشارکت نهادی و مشارکت غیر نهادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. منظور از مشارکت اجتماعی نهادی، مشارکت‌های (رسمی) است که در برگیرنده عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها، باشگاه‌ها (کلوپ‌ها) با فعالیت‌های برنامه ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص می‌باشد (یزدان پناه، ۱۳۸۶، ۱۰۷).

منظور از مشارکت اجتماعی غیر نهادی مشارکت غیر رسمی است که خود در بر گیرنده دو نوع (درگیری اتفاقی: شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شوند. مشارکت پایدار: که شامل مشارکت قاعده مند و فعالیت در گروه‌هایی است که به صورت موسسه و سازمان نیستند ولی نسبتاً دایمی و همیشگی اند (یزدان پناه، ۱۳۸۶، ۱۰۷). حداکثر نمره در این پرسشنامه ۶۸ امتیاز (به معنای مشارکت بالا) و حداقل نمره صفر امتیاز (به معنای مشارکت پایین) می‌باشد.

ابعاد و گونه‌های سنجش مشارکت به صورت زیر است.

ردیف	ابعاد	گویه‌ها	تعداد گویه
۱	مشارکت نهادی	۱-۲-۳-۴-۱۲-۱۳-۱۴-۱۶-۱۷	۹
۲	مشارکت غیر نهادی	۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۵	۸

گویه‌های مشارکت اجتماعی

در یک سال گذشته در هر یک از فعالیت‌های زیر تا چه حد شرکت کرده اید؟

مخالف تا خیلی موافق نمره گذاری شده است. لازم به ذکر است که در طراحی این گویه‌ها از کار هینکلی (۲۰۱۰) و روکیچ (۱۹۵۴) اقتباس شده است.

گویه‌های جزم اندیشی

- ۱- مردم دنیا به دو دسته اند "بد" و "خوب".
- ۲- اگر اعضای یک گروه از نظر عقاید بسیار متفاوت باشند، آن گروه نمی تواند مدت زیادی دوام بیاورد.
- ۳- سازش با مخالفان سیاسی خطرناک است چون معمولاً به خیانت به گروه خودی می انجامد.
- ۴- از این همه ادیان متفاوت در جهان احتمالاً فقط یکی از آنها حقیقی است.
- ۵- دستورالعمل‌های کاملاً روشنی در مورد آنچه "خوب" و آنچه "بد" است وجود دارد که تحت هر شرایطی در مورد همه صادق است.
- ۶- دستورالعمل‌های کاملاً روشنی در مورد آنچه "خوب" و آنچه "بد" است وجود ندارد. آنچه "خوب" و آنچه "بد" است بستگی به شرایط آن زمان دارد.

اعتبار و پایایی پرسشنامه

در پژوهش مقتدایی (۱۳۸۹) از روش اعتبار محتوایی به منظور بررسی اعتبار پرسشنامه استفاده شده است و پژوهشگر از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر خبرگان این حوزه شاخص گنجانده شده در سوالات پرسشنامه را معرف حوزه معنایی مفاهیم مورد مطالعه در نظر گرفته است. همچنین به منظور بررسی پایایی، پرسشنامه با آزمون بر روی ۳۰ مورد پیش آزمون قرار رفت. پس از آن پرسشنامه کدگذاری و در نرم افزار SPSS وارد شدند و پایایی آنها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. در پژوهش مقتدایی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد (مقتدایی، ۱۳۸۹). در پژوهش نیز حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برآورد گردید.

پرسشنامه فردگرایی - جمع گرایی

برای سنجش میزان فردگرایی - جمع گرایی از مقیاس فردگرایی - جمع گرایی (تریاندیس و گلفاند، ۱۹۹۸) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۱۶ سوال است که برای سنجش هر یک از زیر مقیاس‌های فردگرایی افقی، فردگرایی عمودی، جمع گرایی افقی و جمع گرایی عمودی چهار سؤال در نظر گرفته شده است. پرسش‌ها بر اساس مقیاس لکیرت هفت درجه ای مرتب شده اند.

گویه‌های فردگرایی - جمع گرایی

هدف این پرسشنامه سنجش افکار و رفتار شما در قبال خودتان و نیز گروه‌هایی است که به آنها تعلق دارید. سوالات را به دقت بخوانید و مشخص کنید هر سوال چقدر افکار و رفتار شما را توصیف می کند.

- ۱- من بیشتر به خودم متکی هستم تا دیگران
- کاملاً مخالفم نسبتاً مخالفم کمی مخالفم نظری ندارم کمی موافقم نسبتاً موافقم موافقم کاملاً موافقم
- ۲- من بیشتر اوقات به خودم تکیه می‌کنم، من به ندرت به دیگران تکیه می‌کنم.
- ۳- من اغلب خودم کارهایم را انجام می‌دهم.
- ۴- هویت شخصی من از دیگران مستقل است و خیلی برای من مهم و ارزشمند است.
- ۵- این مهم است که من کارم را بهتر از دیگران انجام دهم.
- ۶- برنده شدن یعنی رسیدن به همه چیز (برنده شدن همه چیز است).
- ۷- رقابت قانون طبیعت است.
- ۸- زمانی که دیگری بهتر از من کاری را انجام می‌دهد من دچار تنش شده و تحریک می‌شوم (برای من انگیزه می‌شود).
- ۹- اگر یک هم سطح (همکار) من هدیه ای دریافت کند، من احساس غرور می‌کنم.
- ۱۰- خوشبختی و سلامتی همکارانم (هم رده‌هایم) برای من مهم است.
- ۱۱- به نظر من لذت یعنی گذراندن وقت با دیگران (شادی و لذت یعنی با دیگران بودن).
- ۱۲- زمانی که به دیگران کمک می‌کنم حس خوبی دارم.
- ۱۳- والدین و کودکان تا جاییکه امکان دارد باید با هم باشند.
- ۱۴- مراقبت از خانواده ام وظیفه من است، حتی زمانی که خواسته من فدای (قربانی) این امر شود.
- ۱۵- اعضای خانواده بدون توجه به آنچه برای قربانی شدن لازم است باید با هم باشند.
- ۱۶- احترام به تصمیماتی که از جانب اعضای گروهم اتخاذ می‌شود برای من مهم است.

اعتبار و پایایی پرسشنامه

از آنجایی که این پرسشنامه استاندارد است دارای پایایی خوبی می‌باشد. همچنین اعتبار پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. در پژوهش سینگلیس و همکاران (۱۹۹۱) ضریب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی این پرسشنامه برابر با ۰/۸۶ و در مطالعه حیکم جوادی و همکاران (۱۳۹۱) ۰/۶۱ و در پژوهش نیکوگفتار (۱۳۹۳) ۰/۶۵ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۷ برآورد گردید.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش:

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش شامل مدارای اجتماعی، دینداری، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، جزم اندیشی و فردگرایی در ذیل آمده است.

مدارای اجتماعی:

تعریف نظری:

در فرهنگ هریتیج آمریکا، مدارا به معنای احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف تعریف شده است. لازمه مداراجو بودن این است که بپذیریم افراد بشر در نگرش، گفتار، رفتار و ارزش‌هایشان متفاوت هستند. مدارا هم در رفتار، و هم در کردار افراد ظاهر می‌شود، بنابراین نوعی نگرش و الگویی از کنش احترام‌آمیز نسبت به افراد، گروه‌ها و عقاید و اعمال آنها و نیز موضوعاتی است که مورد تأیید و پسند فرد نیست. (آگنیوس و آمبروسویچ، ۲۰۰۳).

تعریف عملیاتی:

نمره ای است که هر یک از افراد شرکت کننده در پاسخ به گویه‌های پرسشنامه مدارای اجتماعی کسب خواهند کرد

دینداری:

تعریف نظری:

در سنجش میزان دینداری با الهام از سنجه به کار رفته توسط پژوهشگران قبلی (سراج زاده، ۱۳۷۷ و طالبان، ۱۳۸۰) از مدل کلارک و استارک (۱۹۷۱) در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. در این مدل ۵ بعد اعتقادی یا ایدئولوژیک، رفتاری یا مناسکی، دانشی یا شناختی، احساسی یا تجربی و پیامدی برای دینداری در نظر گرفته شده است. مناسک دینی با استفاده از برخی اعمال دینی فردی و جمعی از قبیل نماز، روزه، دعا و نیایش، خواندن قرآن و شرکت در اعیاد و عزاداری‌های مذهبی عملیاتی می‌شود. در بعد اعتقادی بیشتر اصول اعتقادی دین اسلام مد نظر بوده است. بعد احساسی شامل عواطف و احساساتی مثل نزدیکی به خدا، احساس کوچکی در برابر خدا، احساس معنویت در اماکن مذهبی است. بعد پیامدی از طریق معیار قرار دادن رعایت احکام در دینداری مورد سنجش قرار گرفته است.

تعریف عملیاتی:

نمره‌ای است که هر یک از افراد شرکت کننده در پاسخ به گویه‌های پرسشنامه دینداری کسب خواهند کرد

اعتماد اجتماعی

تعریف نظری:

بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیرهابز معتقدند که اعتماد پایه اساسی نظم اجتماعی می‌باشد. اعتماد تنش‌ها را کاهش می‌دهد و انسجام را افزایش می‌دهد (شارع پور، ۱۳۸۵). اعتماد اجتماعی ناظر بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی می‌باشد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰).

تعریف عملیاتی:

نمره ای است که هر یک از افراد شرکت کننده در پاسخ به گویه‌های پرسشنامه اعتماد اجتماعی کسب خواهند کرد.

مشارکت اجتماعی:

تعریف نظری:

مشارکت اجتماعی فرایند سازمان یافته ای است که افراد از روی آگاهی و اطلاع، داوطلبانه، گروهی و با عنایت به علایق معین و مشخص که منجر به خودشکوفایی و نیل به اهداف و سهیم شدن در منابع قدرت می‌گردد فعالیت می‌کنند. عرصه جنین مشارکتی، نهادهای مشارکتی مانند گروه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های خودیار محلی هستند که در سطح جوامع انسانی و حوزه‌های گوناگون نقش ایفا می‌کنند (قراخانی، ۱۳۸۲؛ نقل از موسوی، ۱۳۹۰).

تعریف عملیاتی:

نمره ای است که هر یک از افراد شرکت کننده در پاسخ به گویه‌های پرسشنامه مشارکت اجتماعی کسب خواهند کرد و شامل مجموع امتیازات افراد در پاسخ به گویه‌های مشارکت اجتماعی نهادی و غیر نهادی خواهد بود.

جزم اندیشی

تعریف نظری:

عبارتست از داشتن عقاید شدید و مطلق، عدم تحمل عقاید متفاوت دیگران و عدم توجه به اموری که ممکن است موجب تغییر یا اصلاح عقاید فرد گردد. (نفلکت، ۱۹۸۸).

تعریف عملیاتی:

نمره ای است که هر یک از افراد شرکت کننده در پاسخ به گویه‌های پرسشنامه جزم اندیشی کسب خواهند کرد.

فردگرایی

تعریف نظری:

به تشریح و تبیین پدیده‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی از طریق نظام نگرش‌ها و اعتقادات افراد، فردگرایی گویند. فردگرایی در حوزه سیاست، اعتقاد به آزادی فردی دارد مانند لیبرالیسم، و در حوزه اقتصاد نیز بر مالکیت خصوصی متکی است، در حوزه روانشناسی به تشریح وضعیت رفتار فرد در ارتباط با محیط می‌پردازد و در حوزه اجتماعی نیز بر واکنش متقابل افراد توجه دارد (شایان مهر، ۱۳۷۷).

در یک فرهنگ فرد گرا، فرد مستقل و خودمختار از جمع تعریف می‌شود. اهداف فردی مقدم بر اهداف جمعی هستند و رفتار اجتماعی از طریق گرایش‌ها و ادراک نتایج خشنود کننده شکل گرفته (تریاندیس، ۱۹۹۶).

تعریف عملیاتی:

نمره ای است که هر یک از افراد شرکت کننده در پاسخ به گویه‌های پرسشنامه فردگرایی - جمع گرایی کسب خواهند کرد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

سطح تحلیل این پیمایش خرد و واحد تحلیل فرد است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS در سطح توصیفی، تحلیل‌های آماری از قبیل فراوانی، درصدها، میزان حداقل و حداکثر، میانگین، واریانس و انحراف معیار به کار گرفته می‌شود و در سطح استنباطی نیز با کمک تحلیل‌های آماری نظیر ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره، آزمون T-Test، تحلیل واریانس یک راهه، و روش‌های مناسب دیگر ارتباط بین متغیرها بررسی خواهد شد.

فصل چهارم

یافته‌های پژوهش

مقدمه

این فصل در دو بخش الف) یافته‌های توصیفی (توصیف اطلاعات و داده‌ها) و ب) یافته‌های استنباطی (تحلیل اطلاعات و داده‌ها) تدوین یافته است:

در مرحله توصیف داده‌های مورد مطالعه با توجه به متغیرهای مورد نظر، توصیف شده و تصویری از وضعیت موجود ارائه می‌گردد. آمار توصیفی، آماری است که الگوی پاسخ‌های افراد نمونه را تلخیص می‌کند. در بخش آمار توصیفی از جداول توزیع فراوانی و درصد استفاده می‌شود و به توصیف ویژگیها و وضعیت نمونه بر اساس متغیرهای زمینه‌ای، مستقل و وابسته پرداخته خواهد شد. در مرحله استنباطی نیز رابطه بین متغیرها با استفاده از آماره‌های استنباطی بررسی می‌شود. منظور از آمار استنباطی سنجش فرضیه‌ها و تعمیم نتایج به کل جامعه است که با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون، آزمون t برای گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس به آزمون فرضیه‌های پژوهش خواهیم پرداخت.

یافته‌های توصیفی

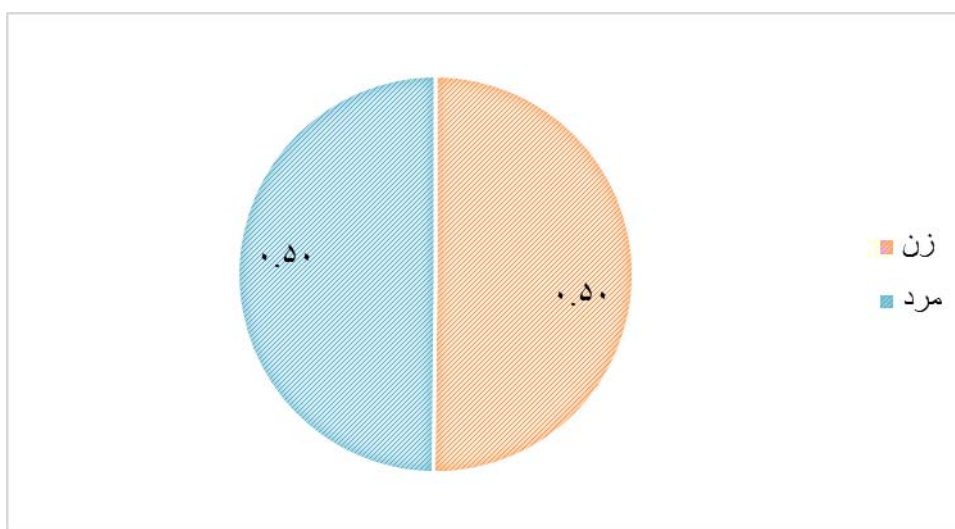
در این بخش با توجه به آمار و اطلاعات پرسشنامه‌ها، به توصیف فراوانی و درصد متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود. متغیرهای زمینه‌ای، متغیر وابسته و متغیرهای مستقل در قالب جداول دو بعدی و نمودارها ستونی و دایره‌ای توصیف می‌شوند.

۴-۱. توصیف فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش:

۴-۱-۱) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جدول ۴-۱-۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	درصد
زن	۳۰۱	۵۰/۲
مرد	۲۹۹	۴۹/۸
کل	۶۰۰	۱۰۰



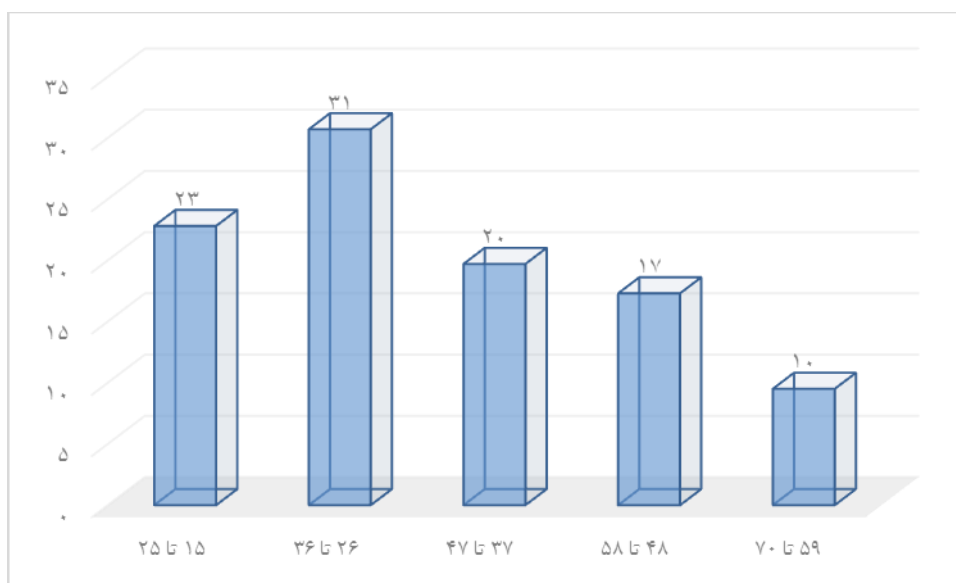
نمودار ۴-۱-۱. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جدول فوق بیانگر توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت است، بر اساس داده‌های جدول فوق ۳۰۱ نفر (۵۰/۲ درصد) را زنان و ۲۹۹ نفر (۴۹/۸ درصد) را مردان تشکیل می‌دهند. پژوهش حاضر تعداد زنان و مردان را مساوی در نظر گرفته تا مبنای منطقی تری برای مقایسه باشد و اختلاف آن تصادفی و بسیار ناچیز است.

۴-۱-۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

جدول ۴-۱-۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

گروه سنی	فراوانی	درصد
۱۵ تا ۲۵	۱۳۷	۲۲/۸
۲۶ تا ۳۶	۱۸۴	۳۰/۷
۳۷ تا ۴۷	۱۱۸	۱۹/۷
۴۸ تا ۵۸	۱۰۴	۱۷/۳
۵۹ تا ۷۰	۵۷	۹/۵
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



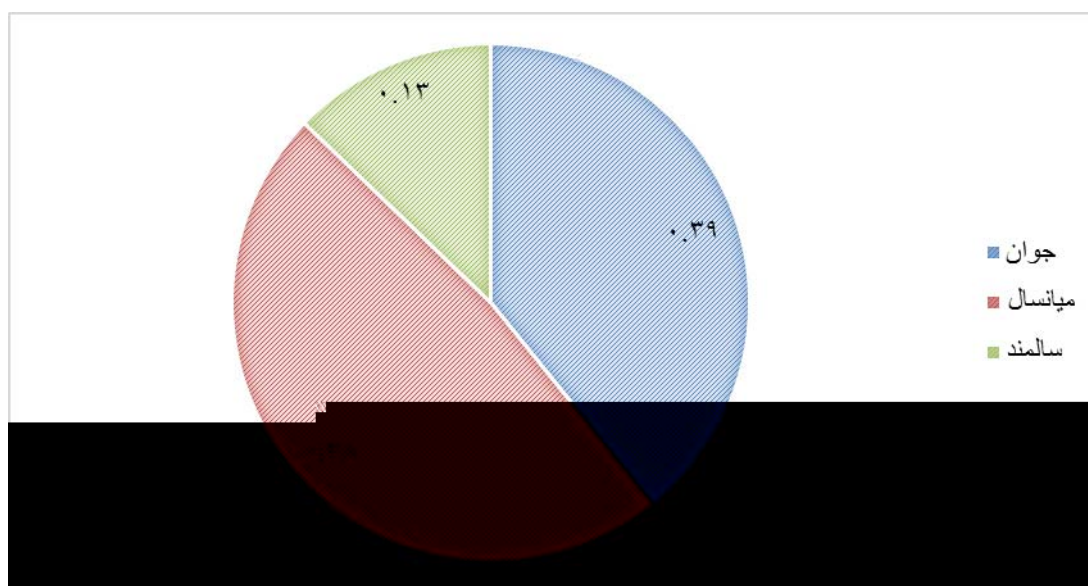
نمودار ۴-۱-۲. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب سن

نتایج حاصل از سن آزمودنی‌ها نشان می‌دهد، بیشتر پاسخگویان در گروه سنی ۲۶-۳۶ سال با تعداد ۱۸۴ نفر که ۳۰/۷ درصد کل پاسخگویان را تشکیل می‌دهند؛ کمترین آنها در گروه سنی ۷۰-۵۹ سال با تعداد ۵۷ نفر بوده‌اند.

۳-۱-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب دوره‌های سن

جدول ۳-۱-۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب دوره‌های سنی

دوره‌های سنی	فراوانی	درصد
جوان	۲۳۵	۳۹/۲
میانسال	۲۸۸	۴۸/۰
سالمند	۷۷	۱۲/۸
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



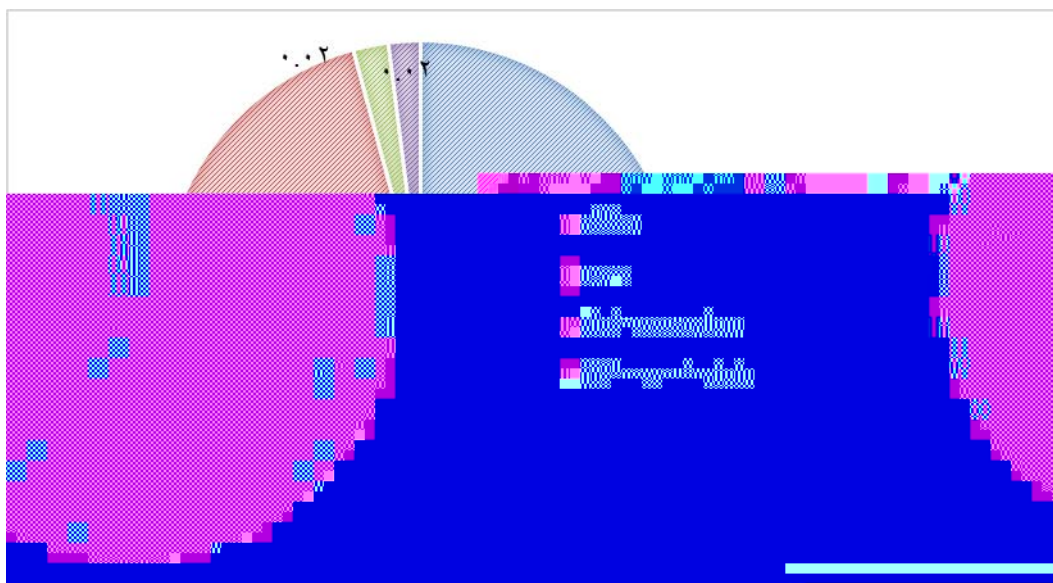
نمودار ۳-۱-۴. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب دوره‌های سنی

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود آزمودنی‌ها در سه دوره جوانی، میانسالی و سالمندی تقسیم شده‌اند که بیشترین تعداد پاسخگویان در دوره‌ی میانسالی با ۴۸ درصد است و کمترین فراوانی مربوط به دوره‌ی سالمندی با ۱۲/۸ درصد می‌باشد.

۴-۱-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل

جدول ۴-۱-۴. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد
متاهل	۳۶۵	۶۰/۸
مجرد	۲۱۰	۳۵/۰
فوت - همسر بدون	۱۳	۲/۲
طلاق - همسر بدون	۱۲	۲/۰
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



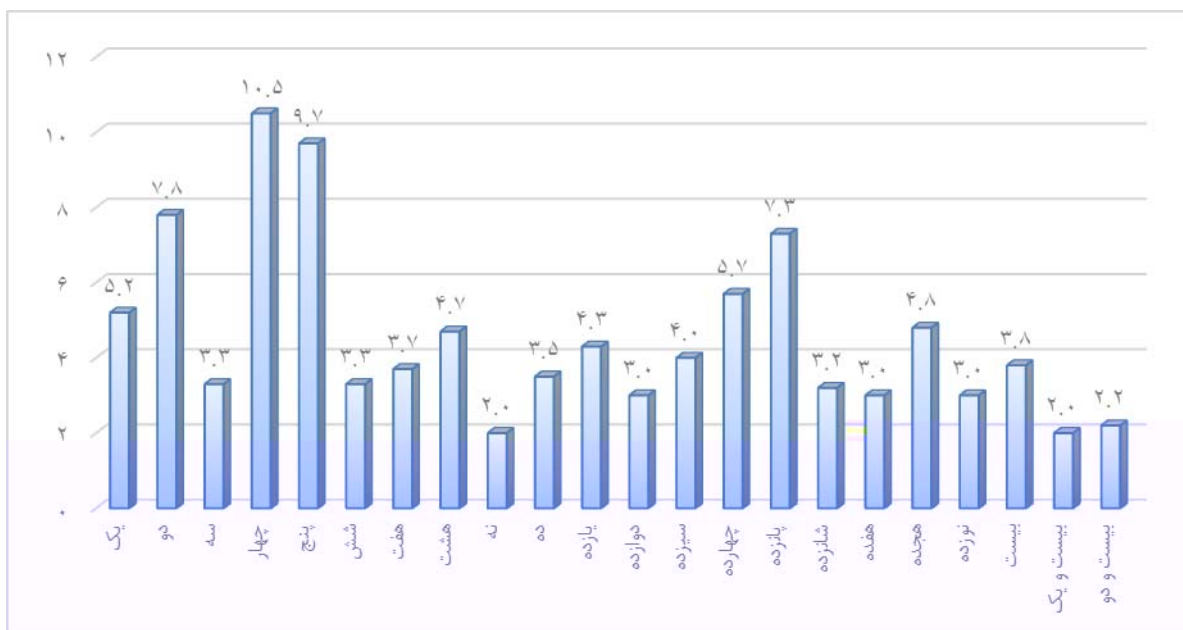
نمودار ۴-۱-۴. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس وضعیت تاهل

نتایج جدول تاهل نشان می‌دهد بیشترین فراوانی متعلق به افراد متاهل است که ۶۰/۸ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهد و افراد بدون همسر، فوت شده یا طلاق گرفته از کمترین فراوانی برخوردارند.

۵-۱-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس منطقه مورد مطالعه

جدول ۵-۱-۴. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس منطقه مورد مطالعه

منطقه	فراوانی	درصد
یک	۳۱	۵/۲
دو	۴۷	۷/۸
سه	۲۰	۳/۳
چهار	۶۳	۱۰/۵
پنج	۵۸	۹/۷
شش	۲۰	۳/۳
هفت	۲۲	۳/۷
هشت	۲۸	۴/۷
نه	۱۲	۲/۰
ده	۲۱	۳/۵
یازده	۲۶	۴/۳
دوازده	۱۸	۳/۰
سیزده	۲۴	۴/۰
چهارده	۳۴	۵/۷
پانزده	۴۴	۷/۳
شانزده	۱۹	۳/۲
هفده	۱۸	۳/۰
هجده	۲۹	۴/۸
نوزده	۱۸	۳/۰
بیست	۲۳	۳/۸
بیست و یک	۱۲	۲/۰
بیست و دو	۱۳	۲/۲
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



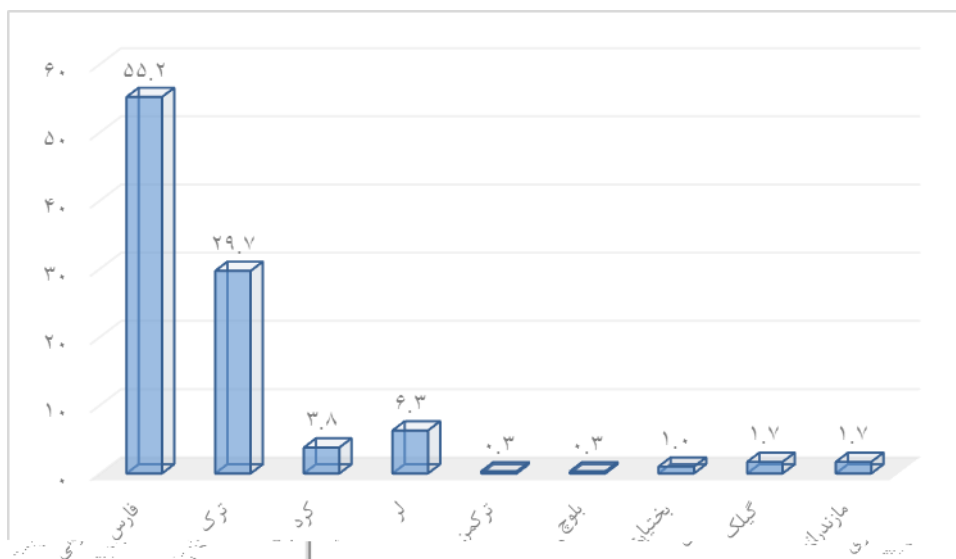
نمودار ۵-۱-۴. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس منطقه مورد مطالعه

همانگونه که مشاهده می‌شود در بین مناطق ۲۲ گانه‌ی تهران، منطقه‌ی ۲۱ با تعداد ۱۲ نفر و منطقه‌ی ۴ با تعداد ۶۳ نفر کمترین و بیشترین سهم تعداد آزمودنی را در این پژوهش داشته‌اند.

۴-۱-۶) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس قومیت

جدول ۴-۱-۶. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس قومیت

قومیت	فراوانی	درصد
فارس	۳۳۱	۵۵/۲
ترک	۱۷۸	۲۹/۷
کرد	۲۳	۳/۸
لر	۳۸	۶/۳
ترکمن	۲	/۳
بلوچ	۲	/۳
بختیاری	۶	۱/۰
گیلک	۱۰	۱/۷
مازندرانی	۱۰	۱/۷
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



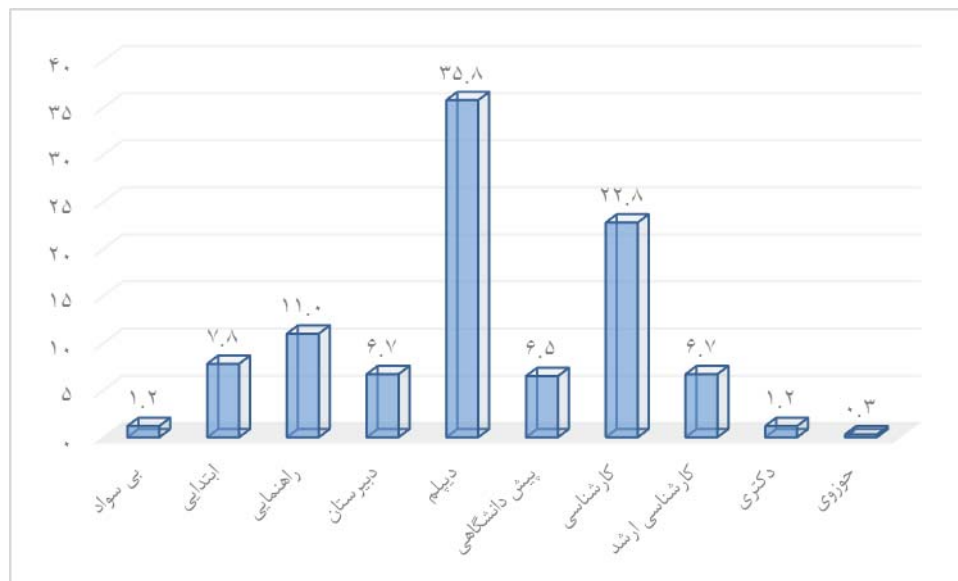
نمودار ۴-۱-۶. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس قومیت

همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود در بین قومیت‌های مختلف، اقوام ترکمن و بلوچ هر کدام با تعداد ۲ نفر و ۰/۳ درصد و قوم فارس با تعداد ۳۳۱ نفر و ۵۵/۲ درصد کمترین و بیشترین سهم تعداد آزمودنی را در این پژوهش داشته‌اند. بعد از قوم فارس، ترک‌ها با فراوانی ۱۷۸ نفر ۲۹/۷ درصد از کل پاسخویان را به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۱-۷) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

جدول ۴-۱-۷. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۷	۱/۲
ابتدایی	۴۷	۷/۸
راهنمایی	۶۶	۱۱/۰
دبیرستان	۴۰	۶/۷
دیپلم	۲۱۵	۳۵/۸
پیش دانشگاهی	۳۹	۶/۵
کارشناسی	۱۳۷	۲۲/۸
کارشناسی ارشد	۴۰	۶/۷
دکتری	۷	۱/۲
حوزوی	۲	/۳
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



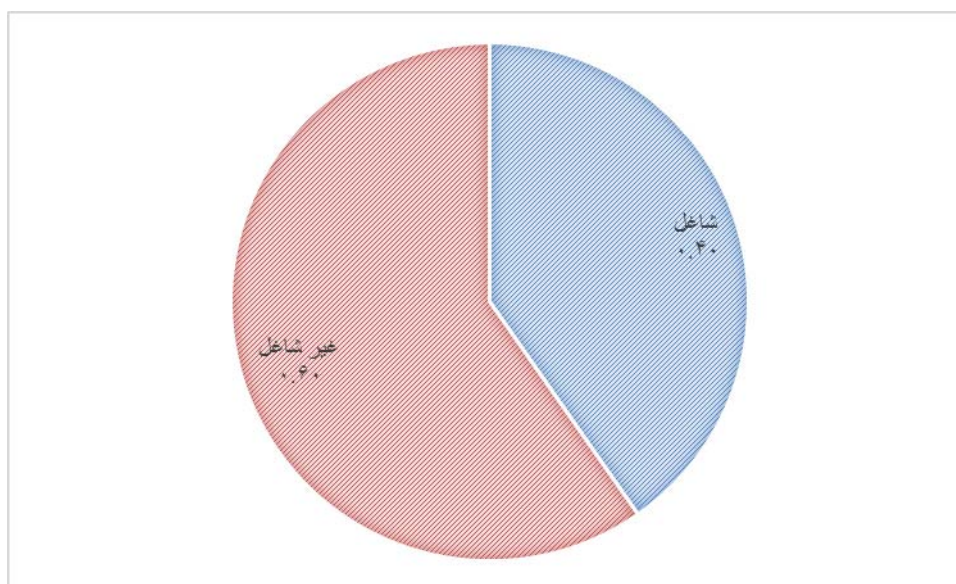
نمودار ۴-۱-۷. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس تحصیلات

بر اساس داده‌های جدول فوق سطح تحصیلات بیشتر پاسخگویان دیپلم بود که (۳۵/۸ درصد) پاسخگویان را تشکیل می‌دادند. در کل مجموع فراوانی مربوط به تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم بالاترین فراوانی را نشان می‌دهد. بعد از آن بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات کارشناسی با ۲۲/۸ درصد می‌باشد. کمترین تعداد آزمودنی‌ها با درصد ۰/۲ و تعداد ۲ نفر دارای تحصیلات حوزوی می‌باشند.

۴-۱-۸) توزیع فراوانی پاسخویان بر اساس وضعیت اشتغال

جدول ۴-۱-۸. توصیف فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر اساس وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد
شاغل	۲۴۲	۴۰/۳
غیر شاغل	۳۵۸	۵۹/۷
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



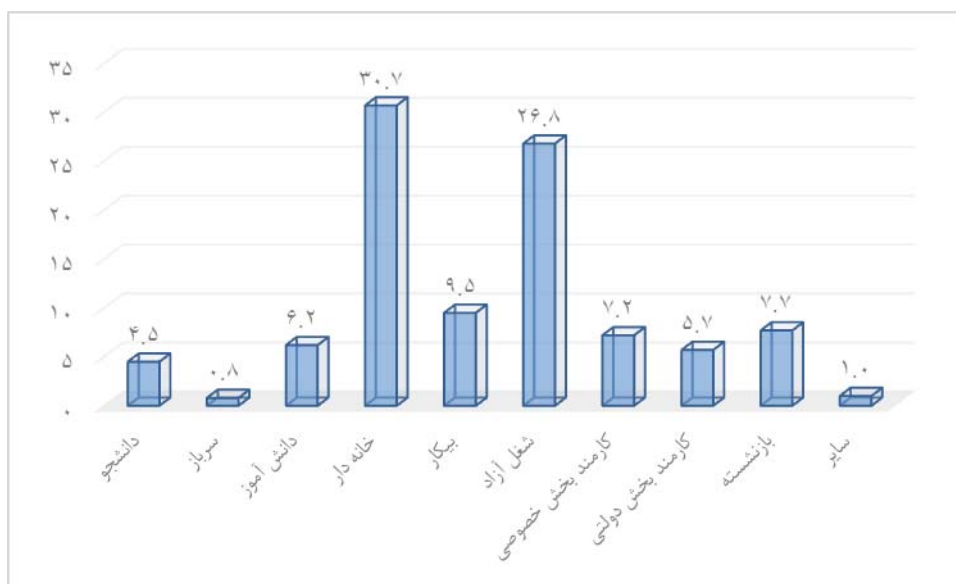
نمودار ۴-۱-۸. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال

با توجه به نتایج جدول وضعیت اشتغال، در نمونه مورد بررسی افراد غیر شاغل با ۵۹/۷ درصد فراوانی بیشتری نسبت به افراد شاغل داشتند.

۹-۱-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت فعالیت

جدول ۹-۱-۴. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت فعالیت

وضع فعالیت	فراوانی	درصد
دانشجو	۲۷	۴/۵
سرباز	۵	/۸
دانش آموز	۳۷	۶/۲
خانه دار	۱۸۴	۳۰/۷
بیکار	۵۷	۹/۵
شغل آزاد	۱۶۱	۲۶/۸
کارمند بخش خصوصی	۴۳	۷/۲
کارمند بخش دولتی	۳۴	۵/۷
بازنشسته	۴۶	۷/۷
سایر	۶	۱/۰
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



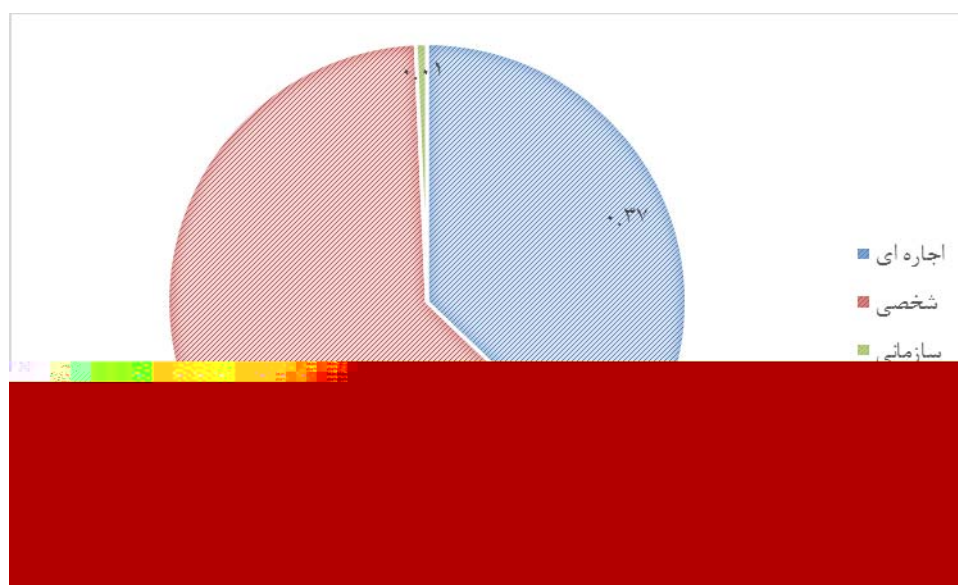
نمودار ۹-۱-۴. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس وضعیت فعالیت

همانگونه که در جدول بر اساس وضع فعالیت مشاهده می شود افراد سرباز کمترین پاسخگویان یعنی ۰/۸ درصد و افراد خانه دار بیشترین فراوانی یعنی ۳۰/۷ درصد از کل پاسخگویان را به خود اختصاص داده اند. در بین افراد شاغل شغل آزاد با ۲۶/۸ درصد بالاترین فراوانی را دارد.

۱۰-۱-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مالکیت مسکن

جدول ۱۰-۱-۴. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس مالکیت مسکن

مالکیت مسکن	فراوانی	درصد
اجاره ای	۲۲۳	۳۷/۲
شخصی	۳۷۳	۶۲/۲
سازمانی	۴	۷/۱
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



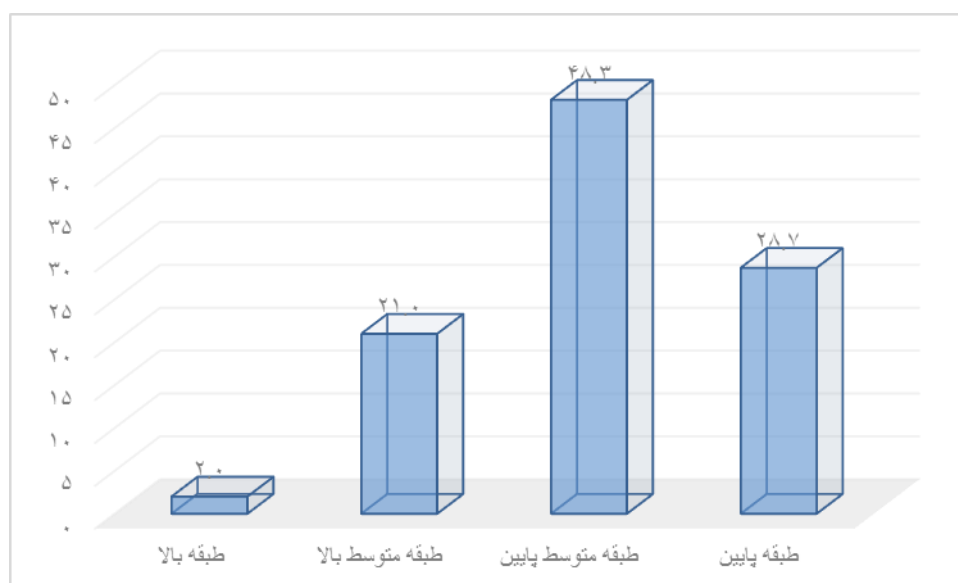
نمودار ۱۰-۱-۴. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس مالکیت مسکن

نتایج جدول مربوط به وضعیت مسکن نشان می‌دهد که بیشتر جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش یعنی ۶۲/۲ درصد مسکن شخصی و کمترین آنها یعنی ۷/۱ درصد مسکن سازمانی دارند.

۴-۱-۱۱) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس طبقه اجتماعی

جدول ۴-۱-۱۱. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی	فراوانی	درصد
طبقه بالا	۱۲	۲/۰
طبقه متوسط بالا	۱۲۶	۲۱/۰
طبقه متوسط پایین	۲۹۰	۴۸/۳
طبقه پایین	۱۷۲	۲۸/۷
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



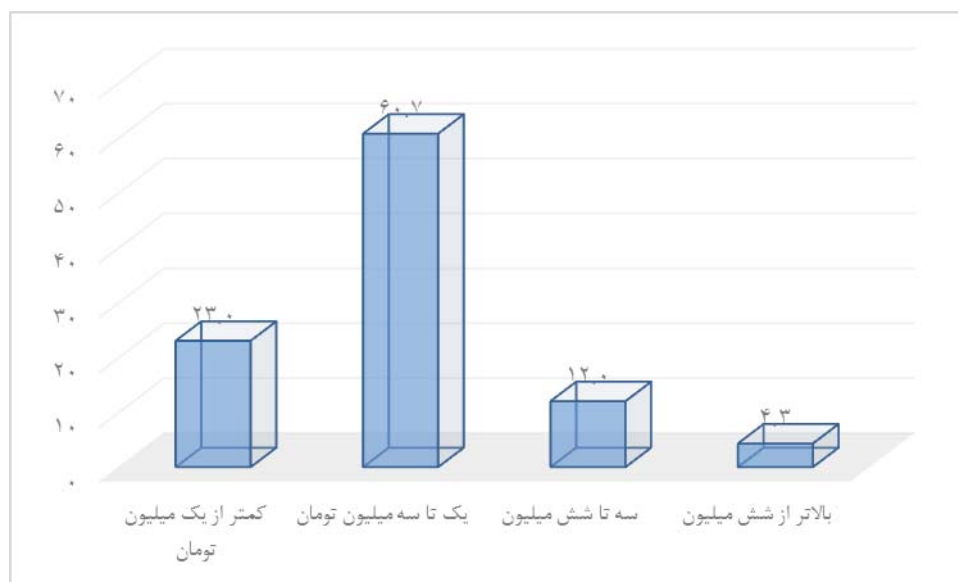
نمودار ۴-۱-۱۱. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس طبقه اجتماعی

در جدول مربوط به طبقه اجتماعی توصیفی که جمعیت مورد مطالعه از طبقه اجتماعی خود دارند مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد بیشتر پاسخگویان ۴۸/۳ درصد خود را مربوط به طبقه اجتماعی متوسط پایین می دانند و کمترین میزان ۰/۲ درصد خود را در طبقه اجتماعی بالا توصیف می کنند.

۴-۱-۱۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس درآمد

جدول ۴-۱-۱۲. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس درآمد

درصد	فراوانی	میزا درآمد
۲۳/۰	۱۳۸	کمتر از یک میلیون تومان
۶۰/۷	۳۶۴	یک تا سه میلیون تومان
۱۲/۰	۷۲	سه تا شش میلیون
۴/۳	۲۶	بالتر از شش میلیون
۱۰۰/۰	۶۰۰	کل



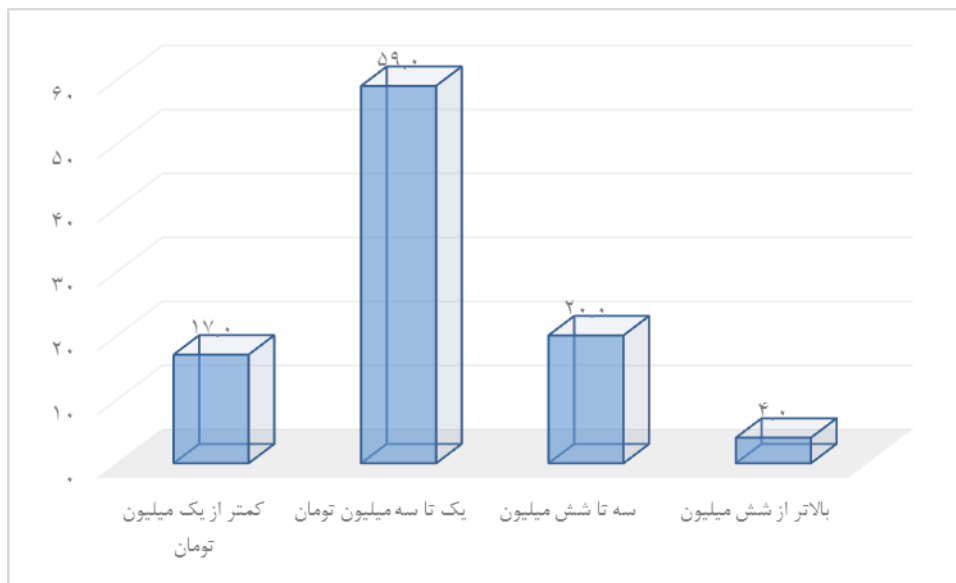
نمودار ۴-۱-۱۲. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس درآمد

نتایج جدول مربوط به وضعیت درآمد نشان می‌دهد که بیشتر آزمودنی‌ها به تعداد ۳۶۴ نفر درآمدی بین ۱ تا ۳ میلیون تومان دارند و درآمد بالای ۶ میلیون کمترین فراوانی را در بین آزمودنی‌ها نشان می‌دهد.

۱۳-۱-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس هزینه ماهیانه

جدول ۱۳-۱-۴. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس هزینه ماهیانه

درصد	فراوانی	میزا درآمد
۱۷/۰	۱۰۲	کمتر از یک میلیون تومان
۵۹/۰	۳۵۴	یک تا سه میلیون تومان
۲۰/۰	۱۲۰	سه تا شش میلیون
۴/۰	۲۴	بالاتر از شش میلیون
۱۰۰/۰	۶۰۰	کل



نمودار ۱۳-۱-۴. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس هزینه ماهیانه

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود بیشتر جمعیت مورد مطالعه هزینه‌ی ماهیانه بین ۱ تا ۳ میلیون تومان دارند و هزینه بالای ۶ میلیون کمترین فراوانی را در بین پاسخگویان نشان می دهد.

۴-۱-۱۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES)

جدول ۴-۱-۱۴. توصیف فراوانی پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES)

پایگاه اجتماعی و اقتصادی	فراوانی	درصد
پایین	۱۸۷	۳۱/۲
متوسط	۴۰۳	۶۷/۲
بالا	۱۰	۱/۶
کل	۶۰۰	۱۰۰

جدول مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان بر اساس ترکیبی از شاخص‌های میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه، نوع شغل و نوع مسکن است. بیشترین فراوانی در طبقه متوسط است که ۴۰۳ نفر، و معادل ۶۷/۲ درصد نمونه را تشکیل می‌دهند کمترین فراوانی مربوط به طبقه بالا با فراوانی ۱۰ نفر، معادل ۱/۶ درصد از نمونه می‌باشد.

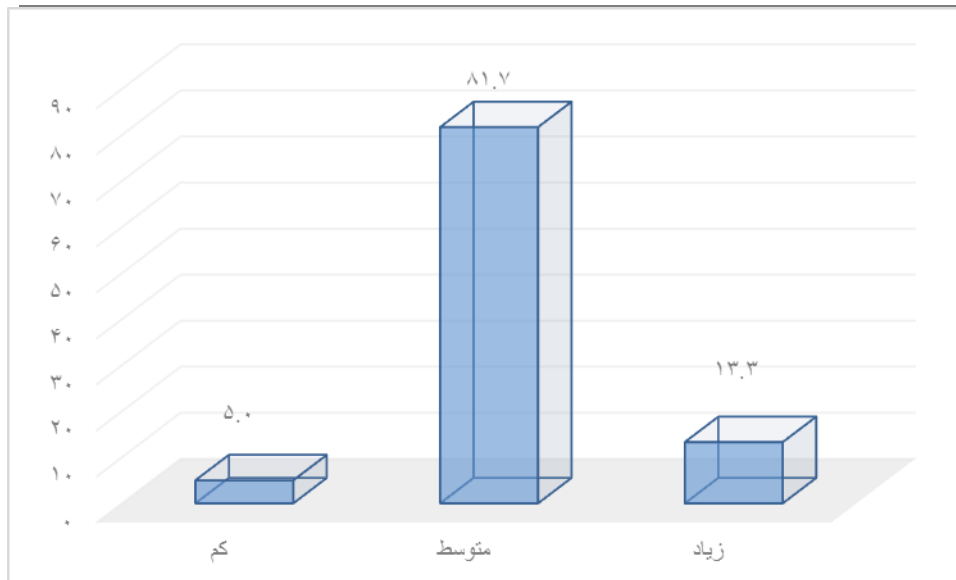
۴-۲. توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

مدارای اجتماعی و خرده مقیاس های آن

۴-۲-۱) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مدارای اجتماعی کل

جدول ۴-۲-۱. توصیف فراوانی پاسخگویان برحسب مدارای اجتماعی کل

مدارای اجتماعی کل	فراوانی	درصد
کم	۳۰	۵/۰
متوسط	۴۹۰	۸۱/۷
زیاد	۸۰	۱۳/۳
کل	۶۰۰	۱۰۰



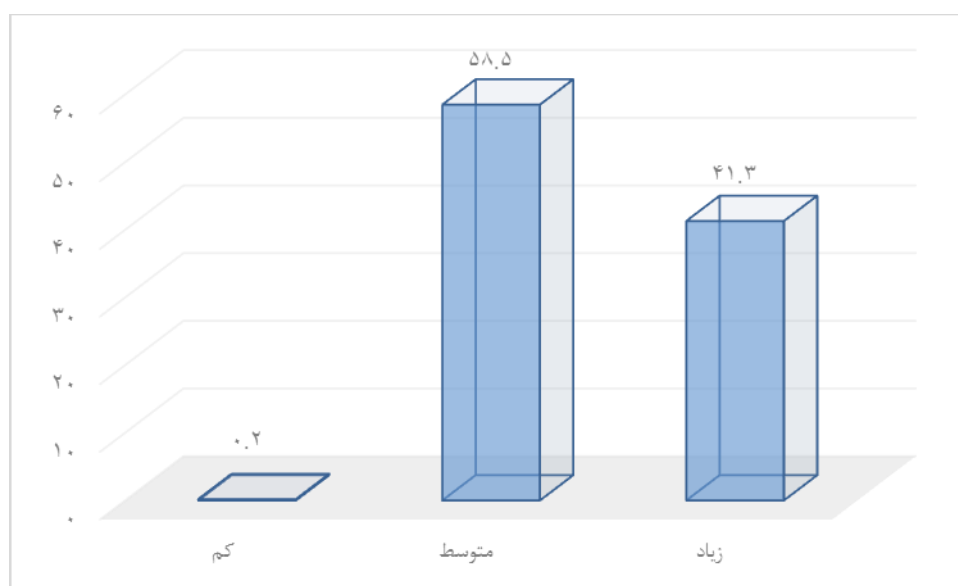
نمودار ۴-۲-۱. توزیع درصدی پاسخگویان برحسب مدارای اجتماعی کل

نتایج حاصل از جدول مربوط به مدارای اجتماعی کل نشان می دهد که تعداد ۴۹۰ نفر یعنی ۸۱/۷ درصد از پاسخگویان در جمعیت نمونه از لحاظ مدارای اجتماعی در سطح متوسط قرار دارند. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به مدارای اجتماعی زیاد است که نشان می دهد ۸۰ نفر (۱۳/۳ درصد) دارای مدارای اجتماعی زیاد هستند. بنابراین مدارای اجتماعی پاسخگویان در سطح متوسط به بالا قرار دارد. مدارای اجتماعی کل دارای سه خرده مقیاس مدارای اجتماعی عمومی، مدارای سیاسی، مدارای اخلاقی و رفتاری می باشد که در جداول زیر توصیف فراوانی ابعاد مدارای اجتماعی آمده است.

۴-۲-۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مدارای اجتماعی عمومی

جدول ۴-۲-۲. توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب مدارای اجتماعی عمومی

مدارای اجتماعی عمومی	فراوانی	درصد
کم	۱	۰/۲
متوسط	۳۵۱	۵۸/۵
زیاد	۲۴۸	۴۱/۳
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



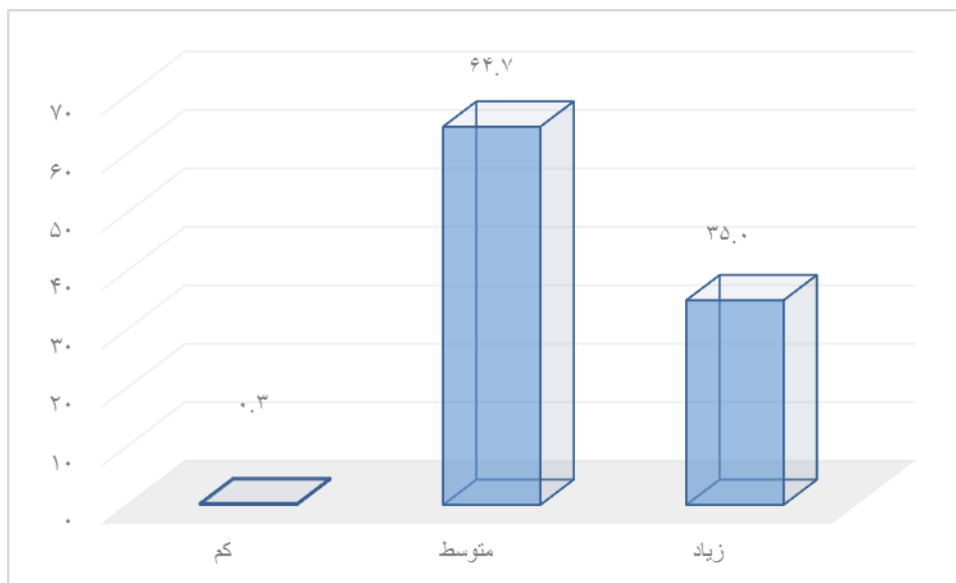
نمودار ۴-۲-۲. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مدارای اجتماعی عمومی

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود بیشتر پاسخگویان یعنی ۳۵۱ نفر (۵۸/۵ درصد) از لحاظ مدارای اجتماعی عمومی در سطح متوسط قرار دارند. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به مدارای اجتماعی زیاد است که نشان می دهد ۲۴۸ نفر (۴۱/۳ درصد) دارای مدارای اجتماعی عمومی زیاد هستند. بنابراین مدارای اجتماعی عمومی پاسخگویان در سطح متوسط به بالا قرار دارد و تنها یک نفر در جمعیت نمونه دارای مدارای اجتماعی عمومی کم می باشد.

۴-۲-۳) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مدارای سیاسی

جدول ۴-۲-۳. توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب مدارای سیاسی

مدارای سیاسی	فراوانی	درصد
کم	۲	۰.۳
متوسط	۳۸۸	۶۴.۷
زیاد	۲۱۰	۳۵.۰
کل	۶۰۰	۱۰۰.۰



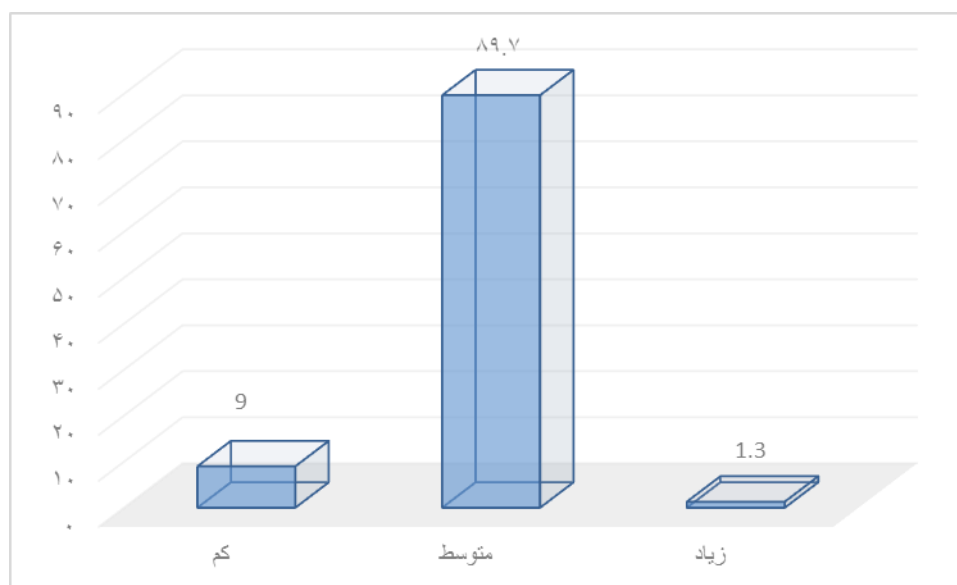
نمودار ۴-۲-۳. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مدارای سیاسی

نتایج جدول بالا نشان می دهد بیشتر پاسخگویان یعنی ۳۸۸ نفر (۶۴/۷ درصد) از لحاظ مدارای سیاسی در سطح متوسط قرار دارند. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به مدارای سیاسی زیاد است که ۲۱۰ نفر (۳۵ درصد) دارای مدارای سیاسی زیاد هستند. بنابراین مدارای سیاسی پاسخگویان در سطح متوسط به بالا قرار دارد و تنها دو نفر در جمعیت نمونه دارای مدارای سیاسی کم می باشد.

۴-۲-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مدارای اخلاقی و رفتاری

جدول ۴-۲-۴. توصیف فراوانی پاسخگویان برحسب مدارای اخلاقی و رفتاری

مدارای اخلاقی و رفتاری	فراوانی	درصد
کم	۵۴	۹/۰
متوسط	۵۳۸	۸۹/۷
زیاد	۸	۱/۳
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



نمودار ۴-۲-۴. توزیع درصدی پاسخگویان برحسب مدارای اخلاقی و رفتاری

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود اکثریت پاسخگویان یعنی ۵۳۸ نفر (۸۹/۷۵ درصد) از لحاظ مدارای اخلاقی و رفتاری در سطح متوسط قرار دارند. و افرادی که مدارای اخلاقی رفتاری کم و مدارای اخلاقی رفتاری زیادی دارند فراوانی بسیار کمی در جامعه دارند.

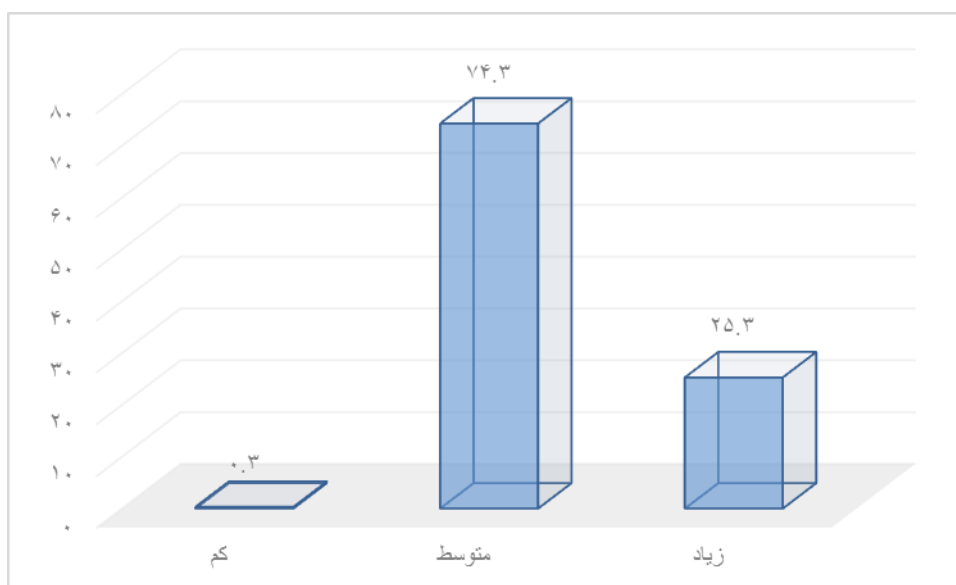
متغیرهای مستقل پژوهش

متغیرهای مستقل پژوهش حاضر شامل دینداری، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، جزم اندیشی و فردگرایی می باشد.

۴-۲-۵) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس دینداری

جدول ۴-۲-۵. توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب دینداری

دینداری	فراوانی	درصد
کم	۲	۰/۳
متوسط	۴۴۶	۷۴/۳
زیاد	۱۵۲	۲۵/۳
کل	۶۰۰	۱۰۰/۰



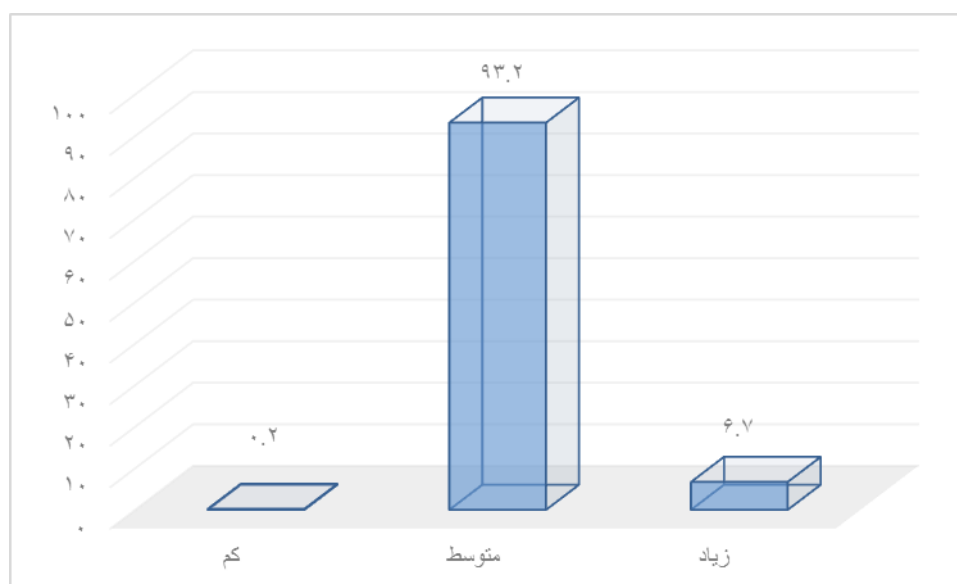
نمودار ۴-۲-۵. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب دینداری

توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه از لحاظ دینداری نشان می دهد که اکثریت افراد از لحاظ دینداری در سطح متوسط قرار دارند که فراوانی آنها ۴۴۶ نفر (۷۴/۳ درصد) می باشد. پس از آن افرادی با سطح دینداری بالا بیشترین فراوانی را نشان می دهند که ۲۵/۳ درصد جمعیت مورد مطالعه را نشان می دهند.

۴-۲-۶) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس اعتماد اجتماعی

جدول ۴-۲-۶. توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی	فراوانی	درصد
کم	۱	۰/۲
متوسط	۵۵۹	۹۳/۲
زیاد	۴۰	۶/۶
کل	۶۰۰	۱۰۰



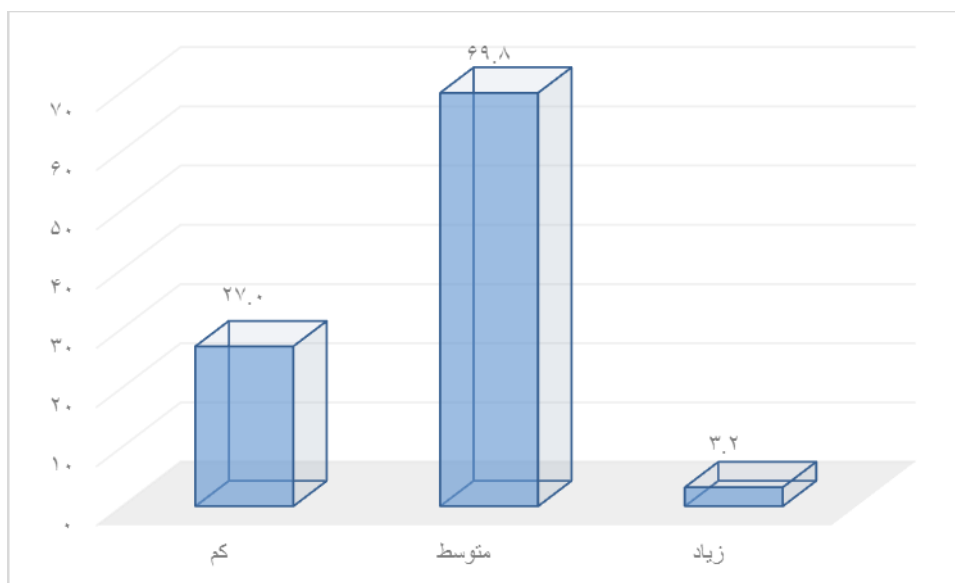
نمودار ۴-۲-۶. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب اعتماد اجتماعی

نتایج حاصل از جدول مربوط به اعتماد اجتماعی نشان می دهد که بیشترین فراوانی مربوط به سطح متوسط است و ۵۵۹ نفر (۹۳/۲ درصد) از جمعیت مورد مطالعه از لحاظ اعتماد اجتماعی در سطح متوسط هستند و تنها ۰/۲ درصد افراد اعتماد اجتماعی کم را نشان می دهند.

۴-۲-۷) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس مشارکت اجتماعی

جدول ۴-۲-۷. توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی	فراوانی	درصد
کم	۱۶۲	۲۷/۰
متوسط	۴۱۹	۶۹/۸
زیاد	۱۹	۳/۲
کل	۶۰۰	۱۰۰



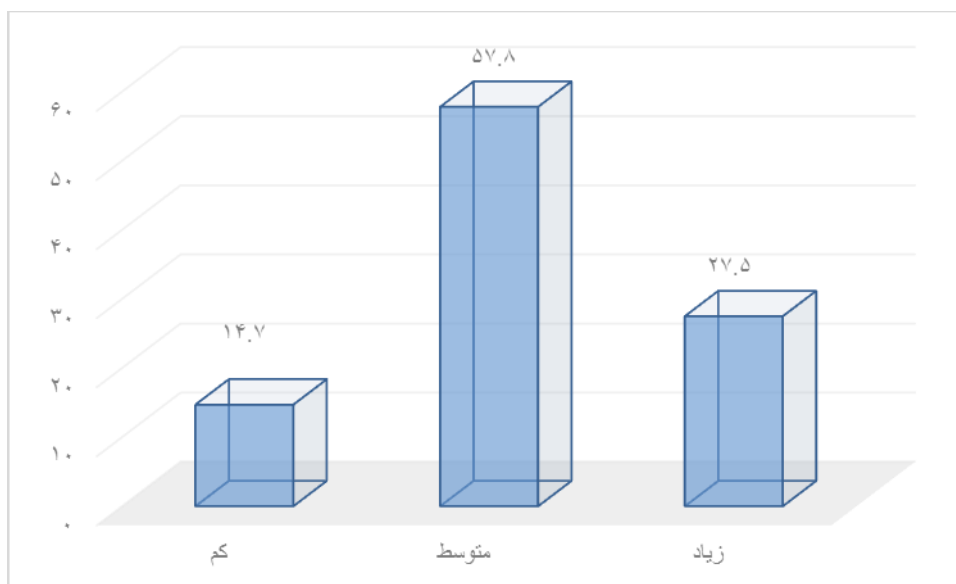
نمودار ۴-۲-۷. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مشارکت اجتماعی

همانطور که در جدول مربوط به مشارکت اجتماعی دیده می شود بیشترین فراوانی مربوط به سطح متوسط است و ۴۱۹ نفر (۶۹/۸ درصد) افراد از لحاظ مشارکت اجتماعی در سطح متوسط قرار دارند. پس از آن مشارکت اجتماعی در سطح کم بیشترین تعداد را نشان می دهد، بنابراین جمعیت مورد مطالعه از لحاظ مشارکت اجتماعی در سطح متوسط رو به پایین قرار دارند.

۴-۲-۸) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جزم اندیشی

جدول ۴-۲-۸. توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب جزم اندیشی

درصد	فراوانی	جزم اندیشی
۱۴/۷	۸۸	کم
۵۷/۸	۳۴۷	متوسط
۲۷/۵	۱۶۵	زیاد
۱۰۰	۶۰۰	کل



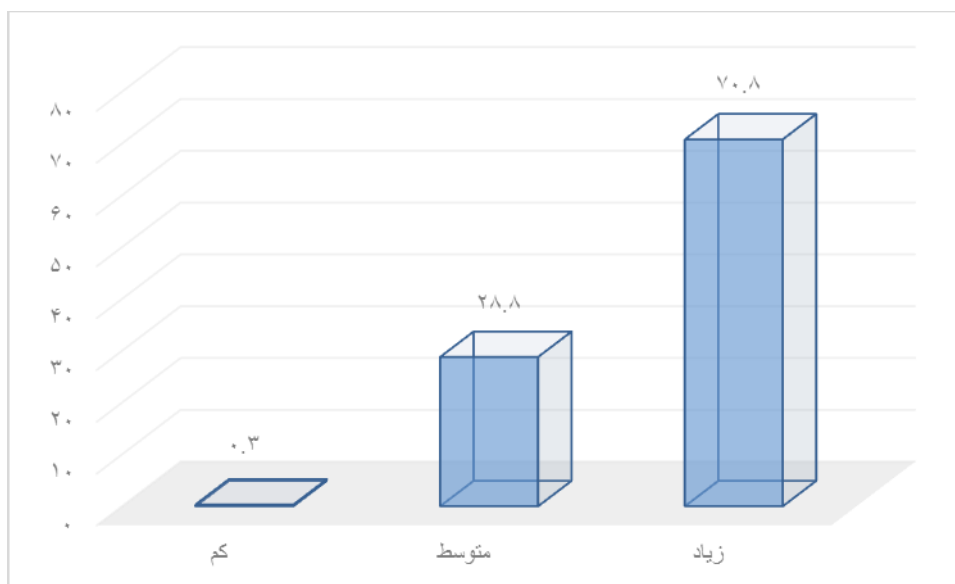
نمودار ۴-۲-۸. توزیع درصدی جمعیت نمونه بر حسب جزم اندیشی

نایج حاصل از جدول بالا نشان می دهد که بیشترین فراوانی مربوط به طبقه متوسط است و ۳۴۷ نفر (۵۷/۸ درصد) یعنی حدود نیمی از جمعیت مورد مطالعه از لحاظ جزم اندیشی در سطح متوسط قرار دارند و پس از آن جزم اندیشی بالا فراوانی بیشتری در بین پاسخگویان دارد.

۴-۲-۹) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس فردگرایی

جدول ۴-۲-۹. توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب فردگرایی

فردگرایی	فراوانی	درصد
کم	۲	۰/۳
متوسط	۱۷۳	۲۸/۹
زیاد	۴۲۵	۷۰/۸
کل	۶۰۰	۱۰۰



نمودار ۴-۲-۹. توزیع درصدی جمعیت نمونه بر حسب فردگرایی

نتایج حاصل از جدول مربوط به فردگرایی نشان می دهد که بیشترین فراوانی مربوط به سطح زیاد فردگرایی است و ۴۲۵ نفر (۷۰/۸ درصد) دارای فردگرایی بالا هستند. پس از آن فردگرایی در سطح متوسط فراوانی بیشتری را در جامعه مورد مطالعه نشان می دهد.

۴-۳. آزمون فرضیه‌های پژوهش

۴-۳-۱) بین دین‌داری و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴-۳-۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دینداری و مدارای اجتماعی

دینداری / مدارای اجتماعی	آزمون آماری
-.۰/۲۴۳**	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۱	سطح معناداری

** با سطح معناداری کمتر از یک درصد

با توجه به نتایج جدول بالا، ضریب همبستگی پیرسون بین مدارای اجتماعی و دینداری برابر (۰/۲۴) می‌باشد که با خطای کمتر از ۰/۰۱ و سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد رابطه بین این دو متغیر معنادار است. بنابراین بین مدارای اجتماعی و دینداری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه دین‌داری با مدارای اجتماعی خرده مقیاس‌های دین‌داری شامل بعد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی نیز مورد سنجش قرار گرفتند و رابطه هر یک از ابعاد دینداری با مدارای اجتماعی به دست آمد که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴-۳-۱-۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد دینداری و مدارای اجتماعی

آزمون آماری	بعد اعتقادی / مدارای اجتماعی	بعد تجربی / مدارای اجتماعی	بعد پیامدی / مدارای اجتماعی	بعد مناسکی / مدارای اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۲۴**	۰/۲۰۲**	-۰/۴۸۲**	-۰/۳۳۰**
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

** با سطح معناداری کمتر از یک درصد

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد دینداری با مدارای اجتماعی در جدول مربوطه نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین مدارای اجتماعی با دینداری اعتقادی و دینداری تجربی/عاطفی مثبت می‌باشد و رابطه مثبت و معناداری بین بعد اعتقادی دینداری و بعد تجربی/عاطفی دینداری با مدارای اجتماعی وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی بین ابعاد پیامدی و مناسکی با مدارای اجتماعی منفی است که نشان از رابطه منفی و معنادار بین ابعاد پیامدی و مناسکی دینداری با مدارای اجتماعی دارد.

به منظور بررسی قدرت پیش بینی مدارای اجتماعی توسط دینداری از تحلیل رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر مشاهده می شود.

رگرسیون دینداری و مدارای اجتماعی

جدول ۲-۱-۳-۴. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده بین دینداری و مدارای اجتماعی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب استاندارد شده	سطح معناداری
۰/۲۴	۰/۰۶	-۰/۲۴	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول فوق، مقدار ضریب استاندارد شده -0.24 می باشد که با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از 0.05 است. متغیر دینداری می تواند 6 درصد از تغییرات مدارای اجتماعی را تبیین نماید. بنابراین دینداری بر مدارای اجتماعی تاثیر معکوس و معناداری دارد به این معنی که هرچه بر میزان دینداری افراد افزوده شود، مدارای اجتماعی آنان کمتر می شود.

۲-۳-۴) بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲-۳-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی

اعتماد اجتماعی / مدارای اجتماعی	آزمون آماری
۰/۱۰۷**	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۸	سطح معناداری

** با سطح معناداری کمتر از یک درصد

با توجه به نتایج جدول بالا، ضریب همبستگی پیرسون بین مدارای اجتماعی و اعتماد اجتماعی برابر (0.107) می باشد که با خطای کمتر از 0.01 و سطح اطمینان 0.99 درصد رابطه بین این دو متغیر معنادار است. بنابراین بین مدارای اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به منظور بررسی قدرت پیش بینی مدارای اجتماعی توسط اعتماد اجتماعی از تحلیل رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر مشاهده می شود.

رگرسیون اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی

جدول ۱-۲-۳-۴. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب استاندارد شده	سطح معناداری
۰/۱۱	۰/۰۱۲	۰/۱۱	۰/۰۱

نتایج جدول رگرسیون مربوط به مدارای اجتماعی و اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که مقدار ضریب استاندارد شده ۰/۱۱ می‌باشد که با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است. متغیر اعتماد اجتماعی می‌تواند ۱ درصد از تغییرات مدارای اجتماعی را تبیین نماید. بنابراین اعتماد اجتماعی بر مدارای اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری دارد و هرچه میزان اعتماد اجتماعی افراد افزایش یابد، مدارای اجتماعی آنان نیز بیشتر می‌شود.

۳-۳-۴) بین مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳-۳-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی

مشارکت اجتماعی / مدارای اجتماعی	آزمون آماری
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۹۱*
سطح معناداری	۰/۰۲۵

* با سطح معناداری کمتر از پنج درصد

با توجه به نتایج جدول بالا، ضریب همبستگی پیرسون بین مدارای اجتماعی و مشارکت اجتماعی برابر (۰/۱۰۷) می‌باشد که با خطای کمتر از ۰/۰۱ و سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه بین این دو متغیر معنادار است. بنابراین بین مدارای اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به منظور بررسی قدرت پیش بینی مدارای اجتماعی توسط مشارکت اجتماعی از تحلیل رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر مشاهده می‌شود.

رگرسیون مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی

جدول ۱-۳-۳-۴. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب استاندارد شده	سطح معناداری
۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۲۵

نتایج جدول رگرسیون مربوط به مدارای اجتماعی و مشارکت اجتماعی نشان می دهد که مقدار ضریب استاندارد شده ۰/۰۹ می باشد که با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است، متغیر مشارکت اجتماعی می تواند ۱ درصد از تغییرات مدارای اجتماعی را تبیین نماید. بنابراین مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری دارد و هرچه میزان مشارکت اجتماعی افراد افزایش یابد، مدارای اجتماعی آنان نیز بیشتر می شود.

۴-۳-۴) بین جزم اندیشی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴-۳-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین جزم اندیشی و مدارای اجتماعی

آزمون آماری	جزم اندیشی / مدارای اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۴۵**
سطح معناداری	۰/۰۰۱

** با سطح معناداری کمتر از یک درصد

نتایج حاصل از جدول بالا نشان می دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین مدارای اجتماعی و جزم اندیشی برابر (۰/۳۴۵) می باشد که با خطای کمتر از ۰/۰۱ و سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه بین این دو متغیر معنادار است. با توجه به منفی بودن ضریب همبستگی، بین مدارای اجتماعی و جزم اندیشی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

به منظور بررسی قدرت پیش بینی مدارای اجتماعی توسط جزم اندیشی از تحلیل رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر مشاهده می شود.

رگرسیون جزم اندیشی و مدارای اجتماعی

جدول ۴-۳-۴-۱. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب استاندارد شده	سطح معناداری
۰/۳۴۵	۰/۱۲	۰/۳۴۵	۰/۰۰۱

نتایج جدول رگرسیون مربوط به مدارای اجتماعی و جزم اندیشی نشان می دهد که مقدار ضریب استاندارد شده ۰/۱۲ می باشد که با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است، متغیر جزم اندیشی می تواند ۱۲ درصد از تغییرات مدارای اجتماعی را تبیین نماید. بنابراین جزم اندیشی بر مدارای اجتماعی تاثیر منفی و معناداری دارد و هرچه میزان جزم اندیشی افراد افزایش یابد، مدارای اجتماعی آنان کمتر می شود.

۴-۳-۵) بین فردگرایی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴-۳-۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فردگرایی و مدارای اجتماعی

فردگرایی / مدارای اجتماعی	آزمون آماری
۰/۰۲۷	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۱۷	سطح معناداری

با توجه به نتایج جدول بالا، ضریب همبستگی پیرسون بین مدارای اجتماعی و فردگرایی برابر (۰/۰۲۷) می باشد که با توجه به سطح معناداری آن (۰/۰۱۷) که کمتر از ۰/۰۵ می باشد رابطه بین این دو متغیر معنادار است. بنابراین بین مدارای اجتماعی و فردگرایی رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور بررسی قدرت پیش بینی مدارای اجتماعی توسط فردگرایی از تحلیل رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر مشاهده می شود.

رگرسیون فردگرایی و مدارای اجتماعی

جدول ۴-۳-۵-۱. خلاصه مدل رگرسیونی خطی ساده

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب استاندارد شده	سطح معناداری
۰/۱۸۹	۰/۰۵	۰/۲۱۲	۰/۰۰۱

نتایج جدول رگرسیون مربوط به مدارای اجتماعی و فردگرایی نشان می دهد که مقدار ضریب استاندارد شده ۰/۰۵ می باشد که با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است، متغیر فردگرایی می تواند ۵ درصد از تغییرات مدارای اجتماعی را تبیین نماید. بنابراین فردگرایی بر مدارای اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری دارد و هرچه میزان فردگرایی افراد افزایش یابد، مدارای اجتماعی آنان افزایش می شود.

۴-۳-۶) بین عوامل جمعیت شناختی (جنسیت، سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی اقتصادی، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی) و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۴-۳-۶-۱) بررسی رابطه بین جنس و مدارای اجتماعی

برای بررسی رابطه متغیر جنس و مدارای اجتماعی، متغیر وضعیت جنسیت طبقه ای و متغیر مدارا به صورت فاصله ای سنجیده شده است، به منظور بررسی رابطه میان این دو از آزمون T Test استفاده می شود که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۱-۴-۳-۶. نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون جنس و مدارای اجتماعی کل

T test	Leven test	میانگین	تعداد	جنس / مدارای اجتماعی
t = -۲/۷۸	f = ۰/۱۶	۸۳/۷۰۱۰	۳۰۱	زنان
Sig = ۰/۰۰۶	Sig = ۰/۶۸	۸۶/۴۲۸۱	۲۹۹	مردان

با توجه به نتایج حاصل از آزمون t ، آزمون leven که فرض برابری واریانسها را آزمون می کند، با سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ یعنی ۰/۶۸ معنادار نشد، بنابراین با فرض نابرابری واریانسها، آزمون t با مقدار ۲/۷۸ - و سطح معناداری ۰/۰۰۶ معنادار است. بین زنان و مردان از لحاظ مدارای اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین مدارای اجتماعی زنان برابر ۸۳/۷۰ و مردان ۸۶/۴۲ می باشد که نشان می دهد مدارای اجتماعی مردان به طور معناداری بیشتر از زنان می باشد.

۴-۳-۶-۲) بررسی رابطه بین سن و مدارای اجتماعی

جدول ۲-۴-۳-۶. جدول میانگین و انحراف معیار سن و مدارای اجتماعی

انحراف معیار	میانگین	
۱۳/۹۷	۳۷/۴۶	سن
۱۲/۰۹	۸۵/۰۶	مدارای اجتماعی کل
۷/۴۶	۴۱/۸۸	مدارای اجتماعی عمومی
۴/۴۹	۲۶/۰۹	مدارای سیاسی
۳/۴۲	۱۷/۰۹	مدارای اخلاقی و رفتاری

نتایج حاصل از جدول بالا میانگین و انحراف معیار متغیر سن، مدارای اجتماعی و ابعاد آن است که نشان می دهد میانگین سن جمعیت مورد مطالعه ۳۷/۴۶ می باشد. نمره پرسشنامه مدارای اجتماعی کل در بازه ۱۳۲-۰ می باشد که میانگین آن برابر ۶۶ است و بازه ۴۴-۸۸ حد متوسط است. میانگین نمره پاسخگویان ۸۵/۰۶ بالاتر از میانگین و در بازه متوسط قرار دارد که نشان می دهد مدارای اجتماعی جمعیت مورد مطالعه در حد متوسط به بالا است. جدول مربوط به فراوانی و درصد آن در مورد مدارای اجتماعی نیز مؤید این مطلب می باشد. نمره مدارای اجتماعی عمومی در بازه ۰-۶۴ قرار دارد و میانگین جامعه مورد مطالعه برابر ۴۱/۸۸ در ازه متوسط و بالاتر از میانگین قرار دارد. نمره پرسشنامه مدارای سیاسی در بازه ۰-۳۶ قرار دارد و میانگین نمره پاسخگویان در این بعد ۲۶/۰۹ نشان می دهد که از لحاظ مدارای سیاسی در حد متوسط به بالا قرار دارند. نمره مدارای اخلاقی رفتاری در پرسشنامه در بازه ۰-۳۲ است که میانگین نمره پاسخگویان ۱۷/۰۹ نشان می دهد مدارای اخلاقی رفتاری در سطح متوسط می باشد.

به منظور بررسی رابطه بین سن و مدارای اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می شود که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۱-۲-۳-۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سن و وضعیت مدارای اجتماعی

سن / مدارای اجتماعی	آزمون آماری
*-۰/۰۹۸	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۱۷	سطح معناداری

* با سطح معناداری کمتر از پنج درصد

نتایج حاصل از آزمون پیرسون حاکی از آن است که با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۵ درصد رابطه معناداری میان دو متغیر سن و مدارای اجتماعی وجود دارد. در این باره ضریب همبستگی برابر با ۰/۰۹۸ که رابطه ای منفی و ضعیف است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت: هر چه سن جمعیت نمونه افزایش می یابد، میزان مدارای اجتماعی آن ها کاهش پیدا می کند؛ و برعکس. البته این رابطه ضعیف است.

۳-۳-۴ بررسی رابطه بین وضعیت تاهل و مدارای اجتماعی

جدول ۳-۳-۴. توصیف آماری میزان مدارای اجتماعی کل بر حسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار
متاهل	۳۶۵	۸۴/۶۹	۱۲/۳۰
مجرد	۲۱۰	۸۶/۲۰	۱۱/۶۷
بدون همسر - فوت	۱۳	۷۷/۳۸	۸/۵۱
بدون همسر - طلاق	۱۲	۸۴/۳۳	۱۳/۳۹
کل	۶۰۰	۸۵/۰۶	۱۲/۰۹

داده‌های موجود در جدول بالا نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مدارای اجتماعی در افراد مجرد (۸۶/۲۰) می‌باشد که از میانگین مدارای اجتماعی در کل جمعیت نمونه (۸۵/۰۶) نیز بیشتر است و مدارای اجتماعی افرادی که همسرشان فوت کرده (۷۷/۳۸) از پایین‌ترین میانگین برخوردار است. به منظور بررسی معناداری تفاوت میانگین مدارای اجتماعی در افراد با شرایط تأهل متفاوت از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده می‌کنیم و به مقایسه گروه‌های مستقل می‌پردازیم.

جدول ۱-۳-۶-۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس تأهل و مدارای اجتماعی

متغیر	منبع	مجموع	df	میانگین	f	Sig
	واریانس	مجذورات		مجذورات		
مدارای	بین گروهی	۱۰۹۵/۰۵	۳	۳۶۵/۰۱	۲/۵۱	۰/۰۶
اجتماعی	درون گروهی	۸۶۴۸۴/۷۸	۵۹۶	۱۴۵/۱۰		
	کل	۸۷۵۷۹/۸۴	۵۹۹			

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون F با مقدار ۲/۵۱ برابر با ۰/۰۶ می‌باشد که بیشتر از ۰/۰۵ است و معنادار نیست که نشان می‌دهد تفاوت میانگین مدارای اجتماعی بین افراد مجرد، متأهل و افرادی که متارکه یا همسرانشان فوت کرده اند از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. بنابراین رابطه معناداری بین مدارای اجتماعی کل و وضعیت تأهل در جمعیت مورد مطالعه وجود ندارد.

۴-۳-۶-۴) بررسی رابطه وضعیت تحصیلی و مدارای اجتماعی

جدول ۴-۳-۶-۴. توصیف آماری میزان مدارای اجتماعی بر حسب وضعیت تحصیلی

وضعیت تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار
زیر دیپلم	۱۶۰	۸۰/۴۸	۱۱/۹۲
دیپلم و فوق دیپلم	۲۵۴	۸۶/۰۹	۱۱/۸۳
کارشناسی	۱۳۷	۸۷/۹۱	۱۱/۱۲
کارشناسی ارشد	۴۰	۸۶/۴۲	۱۳/۳۷
دکتری و حوزوی	۹	۸۷/۷۸	۱۰/۲۴
کل	۶۰۰	۸۵/۰۶	۱۲/۰۹

داده‌های موجود در جدول بالا نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مدارای اجتماعی در افرادی با تحصیلات کارشناسی (۸۷/۹۱) و پس از آن تحصیلات دکتری و حوزوی (۸۷/۷۸) می‌باشد. به جز تحصیلات زیر دیپلم (۸۰/۴۸) که از پایین‌ترین میانگین مدارای اجتماعی برخوردار است. بقیه موارد از میانگین مدارای اجتماعی در کل جمعیت نمونه (۸۵/۰۶) نیز بالاتر هستند.

به منظور بررسی معناداری تفاوت میانگین مدارای اجتماعی در افراد با وضعیت تحصیلی متفاوت از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده می کنیم و به مقایسه گروه‌های مستقل می پردازیم.

جدول ۱-۴-۶-۳-۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس وضعیت تحصیلی و مدارای اجتماعی

مدارای اجتماعی	منبع واریانس	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	f	Sig
بین گروهی	۴۸۸۱,۸۸۵	۴	۱۲۲۰,۴۷۱	۸,۷۸	.۰۰۰	
درون گروهی	۸۲۶۹۷,۹۵۵	۵۹۵	۱۳۸,۹۸۸			
کل	۸۷۵۷۹,۸۴۰	۵۹۹				

نتایج حاصل از جدول نشان می دهد که آزمون F با مقدار $۸/۷۸$ و سطح معناداری $۰/۰۰۱$ معنادار است، بنابراین تفاوت اجتماعی مشاهده شده بین افراد با تحصیلات متفاوت از لحاظ آماری معنادار است. به منظور مقایسه میانگین مدارای اجتماعی در گروه‌ها و تعیین اینکه بین کدامیک از انواع وضعیت تحصیلی از لحاظ مدارای اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد، از آزمون کمترین خطای معنادار (Tukey) استفاده می شود که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۲-۴-۶-۳-۴. نتایج آزمون توکی درباره مدارای اجتماعی بر حسب وضعیت تحصیلی

آزمون	وضعیت تحصیلی	زیر دیپلم	دیپلم و فوق دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری و حوزوی
Tukey HSD	زیر دیپلم		/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۳۶	/۳۷
	دیپلم و فوق دیپلم	/۰۰۰		/۵۹	/۱۰۰	/۹۹
	کارشناسی	/۰۰۰	/۵۹		/۹۵	/۱۰۰
	کارشناسی ارشد	/۰۳۶	/۱۰۰	/۹۵		/۹۹
	دکتری و حوزوی	/۳۷	/۹۹	/۱۰۰	/۹۹	

همانطور که نتایج جدول توکی نشان می دهد تنها تفاوت میانگین مدارای اجتماعی بین افرادی با تحصیلات زیر دیپلم با دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد است و افرادی با تحصیلات زیر دیپلم مدارای اجتماعی کمتری نسبت به افرادی با تحصیلات بالاتر دارند. بنابراین هرچه سطح تحصیلات بالاتر می رود مدارای اجتماعی افراد بیشتر می شود.

۴-۳-۶-۵) بررسی رابطه بین وضعیت اشتغال با مدارای اجتماعی

به منظور بررسی رابطه متغیر وضعیت شغلی و مدارای اجتماعی، از آزمون T Test استفاده می شود که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۴-۳-۶-۵. نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون وضعیت شغلی و مدارای اجتماعی

جنس / مدارای اجتماعی	تعداد	میانگین	Leven test	T test
شاغل	۲۴۲	۸۶/۹۲۱۵	f = ۰/۲۶	t = ۳/۱۲
غیر شاغل	۳۵۸	۸۳/۸۰۱۷	Sig = ۰/۸۷	Sig = ۰/۰۰۲

با توجه به نتایج حاصل از آزمون t ، آزمون leven که فرض برابری واریانس‌ها می باشد، با سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ یعنی ۰/۸۷ معنادار نشد، بنابراین با فرض نابرابری واریانس‌ها، آزمون t با مقدار ۲/۱۲ - و سطح معناداری ۰/۰۰۲ معنادار است. بین افراد شاغل و غیر شاغل از لحاظ مدارای اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین مدارای اجتماعی افراد شاغل برابر ۸۶/۹۲ و افراد غیر شاغل ۸۳/۸۰ می باشد که نشان می دهد مدارای اجتماعی افرادی که مشغول به کار هستند به طور معناداری بیشتر از افرادی فاقد شغل می باشد.

۴-۳-۶-۶) بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES) با مدارای اجتماعی

جدول ۴-۳-۶-۶. توصیف آماری میزان مدارای اجتماعی بر حسب پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES)

پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES)	تعداد	میانگین	انحراف معیار
پایین	۱۸۷	۸۱/۱۹	۱۲/۱۱
متوسط	۴۰۳	۸۶/۶۵	۱۱/۶۷
بالا	۱۰	۹۳/۱۰	۱۰/۵۰
کل	۶۰۰	۸۵/۰۶	۱۲/۰۹۱

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود بالاترین میانگین مدارای اجتماعی در افرادی با پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا (۹۳/۱۰) و پس از آن پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط (۸۶/۶۵) می باشد که از میانگین

مدارای اجتماعی در کل جمعیت نمونه (۸۵/۰۶) بالاتر هستند. به منظور بررسی معناداری تفاوت میانگین مدارای اجتماعی در افراد با پایگاه اجتماعی اقتصادی متفاوت از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده می کنیم و به مقایسه گروه‌های مستقل می پردازیم.

جدول ۱-۶-۳-۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس پایگاه اجتماعی اقتصادی و مدارای اجتماعی

Sig	f	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	منبع واریانس	مدارای اجتماعی
۰/۰۰۱	۱۶,۰۵	۱۰۹۳,۶۷۸۲	۲	۳۶۸۴,۵۱۶	بین گروهی	اجتماعی
		۱۲۸,۶۵۸	۵۹۷	۷۵۱۷۳,۸۲۲	درون گروهی	کل
			۵۹۹	۷۸۸۵۸,۳۳۸	کل	

نتایج حاصل از جدول نشان می دهد که آزمون F با مقدار $۱۶/۰۵$ و سطح معناداری $۰/۰۰۱$ معنادار است، بنابراین تفاوت مدارای اجتماعی مشاهده شده بین افراد با پایگاه اجتماعی اقتصادی متفاوت از لحاظ آماری معنادار است. به منظور مقایسه میانگین مدارای اجتماعی در گروه‌ها و تعیین اینکه بین کدامیک از سطوح پایگاه اجتماعی اقتصادی از لحاظ مدارای اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد، از آزمون کمترین خطای معنادار (Tukey) استفاده می شود که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۲-۶-۳-۴. نتایج آزمون توکی درباره مدارای اجتماعی بر حسب پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES)

آزمون	SES	پایین	متوسط	بالا
Tukey	پایین		۰/۰۰۱	۰/۰۵
HSD	متوسط	۰/۰۰۱		۰/۲۰
	بالا	۰/۰۵	۰/۲۰	

همانطور که نتایج جدول توکی نشان می دهد تفاوت میانگین مدارای اجتماعی بین افرادی با پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین با متوسط و بالا است و افرادی با پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین مدارای اجتماعی کمتری نسبت به افرادی با پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط و بالا دارند.

۴-۴. تحلیل رگرسیون چندگانه:

در بخش‌های قبل رابطه متغیرها براساس فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. اکنون با استفاده از رگرسیون چندگانه قصد داریم تا تأثیر مجموع متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را مورد بررسی قرار دهیم و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کنیم. بدین منظور از روش رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است که متغیرهای مستقل با مقیاس فاصله ای به ترتیب وارد معادله می شوند و تأثیر آنها بر متغیر مدارای اجتماعی سنجیده می شود. نتایج آن در جداول زیر آمده است.

۴-۴-۱. رگرسیون چندگانه به روش گام به گام

جدول ۴-۴-۱. خلاصه مدل رگرسیونی چندگانه مدارای اجتماعی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	مقدار F	سطح معناداری
۰/۳۹۵	۰/۱۶	۲۷/۴۶	۰/۰۰۱

طبق داده‌های جدول فوق، ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل ۰/۳۹۵ می‌باشد که بیانگر همبستگی و ارتباط متغیرهای وارد شده در مدل با متغیر «مدارای اجتماعی» است. ضریب تعیین (R²) نیز ۱۶ صدم محاسبه شده است. به این معنی که ۱۶ درصد از تغییرات متغیر «مدارای اجتماعی» توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌شود و ۸۴ درصد باقیمانده مربوط به سایر عواملی است که در این تحقیق مورد آزمون قرار نگرفته است. مقدار سطح معناداری نیز (کمتر از ۰/۰۵) می‌باشد که بیانگر معنادار بودن کل مدل است.

۴-۴-۲. ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده مدارای اجتماعی

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیونی (B)	ضرایب استاندارد شده (Beta)	T	سطح معناداری (sig)
جزم اندیشی	-۰/۷۹	-۰/۳۰	-۷/۲۴	۰/۰۰۱
دینداری	-۰/۲۱	-۰/۱۵	-۳/۶۹	۰/۰۰۱
اعتماد	۰/۲۴	۰/۱۲	۳/۲۱	۰/۰۰۱
فردگرایی	۰/۲۰	۰/۰۹	۲/۸۳	۰/۰۲

رگرسیون فوق به روش گام به گام انجام شده است. در این رگرسیون بر طبق جدول بالا، چهار متغیر در چهار مرحله به ترتیب برحسب میزان تأثیر بیشتر بر متغیر وابسته (مدارای اجتماعی) وارد مدل شده اند و متغیرهای مشارکت و سن به دلیل عدم تأثیر بر مدارای اجتماعی وارد مدل

نشده اند. طبق داده‌های جدول فوق، از بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، متغیر جزم اندیشی با ضریب تاثیر ($-0/30$) بیشترین تاثیر را بر مدارای اجتماعی دارد. متغیرهای جزم اندیشی، دینداری، اعتماد اجتماعی و فردگرایی به ترتیب بیشترین تأثیرگذاری را بر مدارای اجتماعی دارند.

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری

مقدمه

پژوهش حاضر با هدف مطالعه و سنجش مدارای اجتماعی در جامعه و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته است، مدارای اجتماعی یکی از اصول

- میانگین سن پاسخگویان ۳۷/۴۶ بود و بیشتر پاسخگویان در گروه سنی ۲۶-۳۶ سال با تعداد ۱۸۴ نفر بودند که ۳۰/۷ درصد کل پاسخگویان را تشکیل می دادند؛ کمترین آنها در گروه سنی ۵۹-۷۰ سال با تعداد ۵۷ نفر بودند.
- بیشترین فراوانی مربوط به افراد متأهل بود که ۶۰/۸ درصد پاسخگویان را تشکیل می دادند و افراد بدون همسر، فوت شده یا طلاق گرفته از کمترین فراوانی برخوردار بودند.
- تحصیلات بیشتر پاسخگویان دیپلم بود که (۳۵/۸ درصد) پاسخگویان را تشکیل می دادند. درکل مجموع فراوانی مربوط به تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم بالاترین فراوانی را نشان می داد. بعد از آن بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات کارشناسی با ۲۲/۸ درصد و کمترین تعداد آزمودنی‌ها با درصد ۰/۲ دارای تحصیلات حوزوی بودند.
- افراد غیر شاغل با ۵۹/۷ درصد فراوانی بیشتری نسبت به افراد شاغل داشتند.
- وضعیت فعالیت افراد نشان داد که سرباز کمترین فراوانی یعنی ۰/۸ درصد و افراد خانه‌دار بیشترین فراوانی یعنی ۳۰/۷ درصد از کل پاسخگویان را به خود اختصاص دادند. در بین افراد شاغل شغل آزاد با ۲۶/۸ درصد بالاترین فراوانی را داشت.
- در بین مناطق ۲۲ گانه‌ی تهران، منطقه‌ی ۲۱ با تعداد ۱۲ نفر و منطقه‌ی ۴ با تعداد ۶۳ نفر کمترین و بیشترین سهم تعداد آزمودنی را در این پژوهش داشتند.
- در بین قومیت‌های مختلف، اقوام ترکمن و بلوچ هر کدام با تعداد ۲ نفر و ۰/۳ درصد و قوم فارس با تعداد ۳۳۱ نفر و ۵۵/۲ درصد کمترین و بیشترین سهم تعداد آزمودنی را در این پژوهش داشتند بعد از قوم فارس، ترک‌ها با فراوانی ۱۷۸ نفر ۲۹/۷ درصد از کل پاسخویان را به خود اختصاص داده اند.
- بیشتر جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش یعنی ۶۲/۲ درصد مسکن شخصی و کمترین آنها یعنی ۰/۷ درصد مسکن سازمانی داشتند.
- بیشتر پاسخگویان ۴۸/۳ درصد خود را مربوط به طبقه اجتماعی متوسط پایین می دانستند و کمترین میزان ۰/۲ درصد خود را در طبقه اجتماعی بالا توصیف کردند.
- بیشتر آزمودنی‌ها به تعداد ۳۶۴ نفر درآمدی بین ۱ تا ۳ میلیون تومان داشتند و درآمد بالای ۶ میلیون کمترین فراوانی را در بین آزمودنی‌ها نشان داد.
- بیشتر جمعیت مورد مطالعه هزینه‌ی ماهیانه بین ۱ تا ۳ میلیون تومان داشتند و هزینه بالای ۶ میلیون کمترین فراوانی را در بین پاسخگویان نشان داد.
- از لحاظ پایگاه اجتماعی اقتصادی، بیشترین فراوانی در طبقه متوسط بود که ۴۰۳ نفر، و معادل ۶۷/۲ درصد نمونه را تشکیل می دادند. کمترین فراوانی مربوط به بالا با فراوانی ۱۰ نفر، معادل ۱/۶ درصد از نمونه می باشد.

- از لحاظ مدارای اجتماعی تعداد ۴۹۰ نفر یعنی ۸۱/۷ درصد از پاسخگویان در جمعیت نمونه در سطح متوسط قرار داشتند و ۸۰ نفر (۱۳/۳ درصد) دارای مدارای اجتماعی زیاد بودند. که نشان داد مدارای اجتماعی جمعیت مورد مطالعه در سطح متوسط به بالا قرار دارد.
- از لحاظ مدارای اجتماعی عمومی بیشتر پاسخگویان یعنی ۳۵۱ نفر (۵۸/۵ درصد) در سطح متوسط قرار داشتند و تعداد ۲۴۸ نفر (۴۱/۳ درصد) دارای مدارای اجتماعی عمومی زیاد بودند. بنابراین مدارای اجتماعی عمومی پاسخگویان در سطح متوسط به بالا قرار داشت.
- از لحاظ مدارای سیاسی بیشتر پاسخگویان یعنی ۳۸۸ نفر (۶۴/۷ درصد) در سطح متوسط قرار داشتند و تعداد ۲۱۰ نفر (۳۵ درصد) دارای مدارای سیاسی زیاد بودند و بیانگر آن بود که مدارای سیاسی پاسخگویان در سطح متوسط به بالا قرار دارد و تنها دو نفر در جمعیت نمونه دارای مدارای سیاسی کم بودند.
- از لحاظ مدارای اخلاقی و رفتاری اکثریت پاسخگویان یعنی ۵۳۸ نفر (۸۹/۷۵ درصد) در سطح متوسط قرار داشتند. و افرادی با مدارای اخلاقی رفتاری کم و مدارای اخلاقی رفتاری زیادی فراوانی بسیار کمی در جامعه داشتند.
- بنابراین در مورد سؤال پژوهش که میزان مدارای اجتماعی در جامعه در چه سطحی است، داده‌های پژوهش نشان داد که مدارای اجتماعی و ابعاد آن در سطح متوسط رو به بالا قرار دارند و وضعیت مداری اجتماعی افراد در جامعه تقریباً مطلوب به نظر می‌رسد
- اکثریت افراد از لحاظ دینداری در سطح متوسط قرار داشتند که فراوانی آنها ۴۴۶ نفر (۷۴/۳ درصد) بود. پس از آن افرادی با سطح دینداری بالا بیشترین فراوانی را نشان دادند که ۲۵/۳ درصد جمعیت مورد مطالعه را در بر می‌گرفت.
- از لحاظ اعتماد اجتماعی بیشترین فراوانی مربوط به سطح متوسط بود و ۵۵۹ نفر (۹۳/۲ درصد) از جمعیت مورد مطالعه از لحاظ اعتماد اجتماعی در سطح متوسط بودند و تنها ۰/۲ درصد افراد اعتماد اجتماعی کم را نشان دادند.
- از لحاظ مشارکت اجتماعی بیشترین فراوانی مربوط به سطح متوسط بود و ۴۱۹ نفر (۶۹/۸ درصد) افراد مشارکت اجتماعی داشتند. پس از آن مشارکت اجتماعی در سطح کم بیشترین تعداد را نشان داد. بنابراین جمعیت مورد مطالعه از لحاظ مشارکت اجتماعی در سطح متوسط رو به پایین قرار داشتند
- از لحاظ جزم اندیشی بیشترین فراوانی مربوط به طبقه متوسط بود و ۳۴۷ نفر (۵۷/۸ درصد) یعنی حدود نیمی از جمعیت مورد مطالعه جزم اندیشی در سطح متوسط داشتند و پس از آن جزم اندیشی بالا فراوانی بیشتری در بین پاسخگویان داشت.
- از لحاظ فردگرایی بیشترین فراوانی مربوط به سطح بالای فردگرایی بود و ۴۲۵ نفر (۷۰/۸ درصد) دارای فردگرایی بالا بودند. پس از آن فردگرایی در سطح متوسط فراوانی بیشتری را در جامعه مورد مطالعه نشان داد.

یافته‌ها در چارچوب فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: بین دینداری و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان داد که بین دینداری و مدارای اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه میزان دینداری افزایش یابد میزان مدارای اجتماعی کاسته می‌شود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن بود که دین‌داری پیش‌بینی کننده مدارای اجتماعی می‌باشد. بررسی رابطه ابعاد دینداری با مدارای اجتماعی نشان داد که ابعاد اعتقادی و تجربی/عاطفی دینداری رابطه مثبت و معناداری با مدارای اجتماعی دارند ولی ابعاد مناسکی و پیامدی رابطه منفی و معناداری با مدارای اجتماعی نشان می‌دهند. نتایج پژوهش‌های پیشین در این ارتباط نشان دادند که تاثیر میزان دینداری بر ابعاد و مولفه‌های مدارای متفاوت است. پژوهش بیاتی و همکاران (۱۳۹۶) رابطه مثبت و معناداری بین متغیر دینداری با مدارای اجتماعی شهروندان نشان داد ولی پژوهش‌های دیگر عکس این نتیجه را اعلام کرده‌اند. پژوهش سراج زاده و همکاران (۱۳۸۳) می‌گوید هرچه افراد دیندارتر باشند، مدارای کمتری نسبت به موضوعاتی نظیر مسائل جنسی، جرم و ارتباط با غیر مسلمان‌ها دارند. همچنین در موضوعاتی که هنجارها و قواعد دینی مشخص و صحیح هستند، مدارای دینداران نیز کمتر می‌شود. صابر و همکاران (۱۳۸۳) و افشانی (۱۳۸۱) نیز در پژوهش‌های انجام شده در این زمینه دریافته‌اند که همبستگی بین دینداری با مدارای اجتماعی و انواع آن منفی است. همچنین در پژوهش زالی زاده (۱۳۹۴) بین دینداری خانواده و مدارای اجتماعی رابطه منفی به دست آمد. به عبارت دیگر هر چه میزان دینداری خانواده بیش تر باشد، فرد از مدارای کم‌تری برخوردار خواهد بود. وبر (۱۳۸۲) معتقد است دین با مسائل و امور گوناگونی در تنش دایمی است که از آن جمله می‌توان به تنش دین با اجتماعات، اقتصاد، امور سیاسی، امور جنسی، هنر و حوزه خردورزی اشاره کرد، دین با موضع‌گیری در برابر این امور و واکنشی که نسبت به آنها نشان می‌دهد، الگوی خاصی از رفتار را تجویز می‌کند و انتظار دارد که پیروانش از این الگو تبعیت کنند. بنابراین، پیروان ادیان آمادگی کمتری برای تحمل و مدارا با رفتارهایی که مورد قبول دین آنها نیست دارند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت از آن جایی که دین ارزش‌ها و هنجارهای خاصی را تجویز می‌نماید که افراد متعلق به آن دین و مذهب خود را پایبند به آن‌ها می‌دانند؛ در نتیجه به راحتی با رفتارها و عقایدی که در تضاد با این هنجارها و ارزش‌ها باشد مدارا نخواهند نمود. درون سنت‌های دینی همواره تفسیرهای متفاوتی از دین وجود داشته است که هرکدام پیامدهای متفاوتی بر کنش پیروان و روابط اجتماعی آنان دارند. چون افراد نسبت به هنجارهای جامعه احساس مسؤولیت می‌کنند، و به دلیل متفاوت بودن این ارزش‌ها و هنجارها در جوامع مختلف، در کشورهایی مثل ایران که بافت دینی حاکم بر کنش‌های افراد است، مؤلفه‌های مدارای اجتماعی از قبیل روابط جنسی خارج از چارچوب زناشویی، جرم، مصرف مشروبات الکلی، پخش

فیلم‌های مستهجن، همجنس‌گرایی و ... جزء تابوهای اجتماعی محسوب می‌شوند که با توجه به این امر رابطه‌ی منفی میان این ویژگی‌ها و مدارای اجتماعی منطقی به نظر می‌رسد. همسو با این سخن، وبر بر موضع‌گیری بافت فرهنگی- اجتماعی هر جامعه مانند دین در جهت نفی برخی امور تأکید کرده که به تنش میان چارچوب‌های فرهنگی با این امور منجر می‌شود؛ به طوری که دینداران به تبعیت از این موضوع فرهنگی همین موضع‌گیری را نشان می‌دهند. قواعد اخلاقی و احلام صریح سنت دینی همه ادیان و به خصوص اسلام درباره روابط جنسی و سایر رفتارهای مجرمانه که در قوانین جزایی اسلام آمده، موجب می‌شود میزان مدارا نسبت به این امور کم باشد (شریعتی و همکاران ۱۳۸۳). نباید در خصوص مداراجو بودن یا عدم مدارای دینداران اظهار نظر یکسویه و قاطع مطرح کرد. در این زمینه، از یک طرف، باید موضوعات مورد مدارا را مشخص کرد. از طرف دیگر نوع دینداری یا طرز تلقی و فهم و تفسیر آنها را نیز در نظر گرفت. درون سنت‌های دینی همواره تفسیرهای متفاوتی از دین وجود داشته است که هر کدام پیامدهای متفاوتی بر کنش پیروان و روابط اجتماعی آنان دارند. در این پژوهش برای سنجش دینداری از الگوی گلاک و استارک استفاده شده است و سایر سنجش‌های دینداری ممکن است جنبه‌های دیگری از دینداری و مدارای اجتماعی را توضیح دهد. با توجه به نتایج پژوهش بعد اعتقادی دینداری رابطه مثبتی با مدارای اجتماعی نشان می‌دهد. بعد اعتقادی باورهای پایه ای مسلم که ناظر بر شهادت دادن به وجود خداوند و باورهای غایت‌گرا را در بر می‌گیرد با مداراگری رابطه مثبتی دارد، همچنین بعد تجربی که ناظر بر احساسات و تصورات مربوط به رابطه با خداوند است با مداراگری رابطه مثبتی نشان می‌دهد ولی ابعاد مناسکی و پیامدی که نشان از اعمال و آیین مقدسی دارد که پیروان هر دین آن‌ها را به جا می‌آورند با مدارای اجتماعی رابطه منفی نشان می‌دهد. به عنوان مثال در پژوهش مؤمنی (۱۳۹۵) نیز برخی از الگوهای دینداری مثل الگوی اخلاق‌گرا و عرفا نگرا، بیشتر مداراجو و برخی الگوها مانند الگوی مناسک‌گرا، از مدارای کمتری برخوردارند. با این وجود، حتی الگوهای اخلاق‌گرا و عرفانگرا نیز با ابعاد جنسیتی و مدارای با مجرمان از خود مدارا نشان نمی‌دهند و این ناشی از قواعد اخلاقی و احکام صریح سنت همه ادیان به خصوص اسلام درباره روابط جنسی و سایر رفتار مجرمانه است. آموزه‌های دینی بر برابری انسانها بدون توجه به نژاد و مرز و زبان و قومیت تأکید می‌کنند و کسانی که وجه اخلاقی و عرفانی دینداری در آنها بیشتر است، با این امور بیشتر مدارا می‌کنند. به عقیده ماکس وبر (۱۲۸۲) آنجا که از سوی دین موضع‌گیری خاصی در جهت نفی برخی امور وجود دارد منجر به تنش دین با این امور می‌شود، دینداران نیز به تبعیت از آن همین موضع‌گیری را نشان می‌دهند که پیامد آن عدم مدارا نسبت به آن امور و رفتار است. اگرچه دینداران بیش از افراد غیردین دار آزادی خواهی اجتماعی را طرد می‌کنند، دینداری مستقیماً با طرد غریبه‌ها مرتبط نیست. با این حال از آنجا که افراد دارای گرایشات تفوکراتیک نسبت به افراد برون‌گروهی از عدم مدارای بیشتری برخوردارند، و این احتمال که این افراد دیندار باشند نیز بیشتر است، می‌توان تاثیر غیرمستقیم دینداری را بر عدم مدارای اجتماعی

محتمل دانست. به باور کارپوف، دینداری با نگرش‌های محافظه‌کارانه اجتماعی در ارتباط است و به همین جهت تأثیر منفی بر مدارا دارد (کارپوف ۲۰۰۲). مارکارت پیات و پاکستون (۲۰۰۷) در تحلیل جامعی از ۱۴ کشور - شش کشور از جهان غرب و هشت کشور از جهان پساکموننیست - بر مبنای داده‌های مقادیر جهانی (WVS) ۱۹۹۵-۱۹۹۷ دریافتند که ابعاد مختلف دینداری تأثیر ثابتی بر مدارا در کشورهای مختلف ندارد. دینداری - که با توجه به میزان اهمیت دین در زندگی فرد سنجیده می‌شود - در ایالات متحده دارای رابطه منفی با مدارا بود اما این میزان در اروپای شرقی و غربی ناچیز بود. در عین حال، بعد عملی دینداری دارای تأثیر معناداری بر مدارا تنها در اروپای غربی بود و این دو به یکدیگر همبسته بودند. این بررسی اجمالی از رابطه میان دینداری و مدارا نشان می‌دهد که مناقشات همچنان ادامه دارد و بحث‌های بیشتری در باب این موضوع مورد نیاز است. اما آنچه بر همگان روشن است آن است که اسلام دین رحمت است و برای همه انسانها بدون در نظر گرفتن زبان، نژاد، مذهب، قومیت یا جنسیت حق حیات قایل است و به شأن انسانیشان احترام می‌گذارد. در راستای نگاه تکثرگرایانه به مذاهب و شرایع، نه فقط برای حذف رقبای فکری خود از جامعه تلاش نمی‌کند و اصرار نمی‌ورزد بلکه ضمن حفظ رابطه دوستانه و ادامه همزیستی مسالمت آمیز با آنها، برای پیشبرد اهداف و آرمان خود، راهبردی مبتنی بر گفتگوی انتقادی و آگاهی دهنده و عمل تعالی بخش را برمی‌گزیند.

فرضیه ۲: بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد اجتماعی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود دارد. هر چه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی آنان هم بیشتر می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن بود که اعتماد اجتماعی پیش‌بینی کننده مدارای اجتماعی می‌باشد. نتایج تحقیقات مقتدایی (۱۳۸۹)، شارع پور، آزادارمکی و عسکری (۱۳۸۸)، میلر (۲۰۰۵) نیز رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر به دست آوردند. براون نیز تأثیر اعتماد بر مدارا را تأیید کرده و نشان داد که اعتماد اجتماعی با مدارا رابطه مثبت دارد و حضور آن باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود (براون، ۲۰۰۶). وجود اعتماد باعث تقویت روحیه تعاملی و پرهیز از حالت دفاعی شده در نتیجه موجب تسهیل مدارا در بین افراد می‌گردد. تعاملات برون‌گروهی چهره به چهره باعث گسترش هنجارهایی از قبیل اعتماد و همیاری می‌شود و اعتماد و همیاری نیز به نوبه خود بر مدارا تأثیر می‌گذارد. ویدمالم نیز تأثیر اعتماد بر مدارا را تأیید کرده و نشان داده است که اعتماد، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد درون‌گروهی و اعتماد برون‌گروهی با مدارا رابطه مثبت دارند. همچنین سایر پژوهش‌ها در این زمینه نشان داده اند که اعتماد تعمیم یافته در سطح فردی متغیر مستقل مهمی برای مدارا می‌باشد و حضور آن باعث ارتقاء مدارا نسبت به دیگران می‌شود (اصلانر، ۲۰۰۴ و اینکس و بولن، ۲۰۰۰).

نتایج تحقیق شریفی (۱۳۹۲) رابطه اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی را منفی اعلام کرد و نشان داد افرادی که نسبت به دیگران از اعتماد بالاتری برخوردارند، مدارای کمتری از خود نشان می دهند. اما بین مدارای اجتماعی عمومی، به عبارت دیگر مدارا نسبت به دیگران در روابط اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود داشت. شاید یکی از دلایل مدارا ناپذیری خودخواهی فردگرایانه است، گاهی اوقات افراد به خاطر منافع خویش، در مقابل دیگران با خودخواهی برخورد کرده و از خود مدارا نشان نمی دهند. بنابراین افراد به طور کلی در روابط اجتماعی با توجه به اعتمادی که نسبت به یکدیگر دارند از خود مدارا و سازگاری نشان می دهند. به عبارت دیگر وقتی پای مسائل مهم و حساس همچون جریانهای سیاسی، سبک پوشش و رفتار، مجرمان، الگوهای روابط جنسی، اقوام، مذاهب و ملیتهای مختلف در میان است این مهم صدق نمی کند و اعتماد اجتماعی برای سازگاری و مدارا عاملی نمی گردد. اعتماد، از طریق فراهم آوردن نوعی حمایت عاطفی برای کنشگران می تواند در ارتقای بهداشت روانی افراد جامعه تأثیرگذار باشد. کاهش سطح تعاملات اجتماعی و اعتماد، افراد را دچار انزوای اجتماعی می کند و احساس انزوا و احساس تنهایی و عدم مشارکت در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی می تواند سطح مدارای اجتماعی را کاهش دهد و سلامت روانی افراد را به خط اندازد.

فرضیه ۳: بین مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هرچه میزان مشارکت اجتماعی افراد افزایش یابد بر میزان مدارای اجتماعی افزوده می شود. این یافته همسو با پژوهش گلابی (۱۳۹۲) می باشد که نشان داد میانگین نمره مدارای اجتماعی در دانشجویانی که فعالیت مشارکتی آنها بیشتر است و روحیه مشارکتی دارند و در فعالیت‌های فوق برنامه، NGOها و کارهای دسته جمعی شرکت می کنند، بیشتر است. بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیق شارع پور (۱۳۸۷)، رابطه مستقیم و معناداری بین مشارکت در شبکه‌های غیر رسمی و شبکه‌های غیر رسمی و سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباط‌های رسمی و ابعاد مدارا وجود دارد. چلبی و امیر کافی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش نشان دادند که پیوستن به انجمن‌های داوطلبانه که در آنها شرح مسائل، ابراز عقیده و پیشنهادها، تصمیم گیری‌ها و انتخاب بر مبنای اصل مجاب سازی صورت می گیرد، تحمل اجتماعی را تقویت می کند. نتایج تحقیق براون (۲۰۰۶) نیز حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی است.

یافته‌های پژوهش زالی زاده (۱۳۹۴) بیانگر عدم وجود رابطه بین شبکه روابط اجتماعی خانواده و مدارای اجتماعی می باشد اما اینکه چرا در چنین پژوهشی بین گسترگی شبکه روابط اجتماعی خانواده و مدارای اجتماعی رابطه وجود ندارد، شاید به دلیل ویژگی برخی خانواده‌های ایرانی دانست. در جامعه ایرانی برای

بسیاری از خانواده‌ها حضور در نهادها، انجمن‌ها و به طور کلی بسیاری از فعالیت‌ها که یکی از منابع مدارا در افراد می‌باشند نهادینه نشده است و افراد ضرورتی برای شرکت در این گونه گروه‌ها احساس نمی‌کند. وقتی افراد در شبکه‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و تحت تاثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت برخورد می‌کنند، نسبت به زمانی که در اینگونه شبکه‌ها شرکت نمی‌کنند، نگرش مداراجویانه تری نسبت به تفاوت‌های قومی، مذهبی، اندیشه و ... نشان می‌دهند.

طبق نظر پانتام (۲۰۰۰) و کوت و اریکسون (۲۰۰۹) وجود روابط زیاد با گروه‌های مختلف و متنوع باعث خواهد شد افراد تجربه‌های جدیدی کسب کرده و با کسانی که متفاوت از آن‌ها می‌باشند به راحتی ارتباط برقرار نمایند. افرادی که در انجمنها شرکت می‌کنند مداراجو هستند، زیرا این انجمنها، افراد دارای نگرشها و دیدگاههای متفاوت را گرد هم می‌آورد و با ایجاد فضایی که در آن افراد به مبادله افکار و عقاید خود می‌پردازند، از سوی دیگر، برخی از محققین (کوت و اریکسون، ۲۰۰۹؛ دیکسون و روزنباوم، ۲۰۰۴) میزان تماس را عاملی برای مدارا در نظر می‌گیرند. طرفداران فرضیه تماس بر این باورند که جهت گیری مثبت افراد و گروه‌ها نسبت به یکدیگر، به ویژه افراد متفاوت، ناشی از تماس افراد متفاوت با یکدیگر است. به عبارت دیگر، با افزایش تماس با اعضای گروه، جهت گیری مثبت نسبت اعضای آن گروه افزایش می‌یابد. البته مشروط به اینکه تماس‌ها از نوع درست باشد. جهت گیری‌های مثبت از تماس‌هایی حاصل می‌شود که شخصی، مثبت، پایگاه برابر، ارادی و در برگیرنده اهداف مشترک باشد. این نوع تماس مردم را به تعامل، همکاری، ارزشهای مشترک و آموختن چیزهای دقیق در مورد یکدیگر ترغیب می‌کند. فرضیه تماس این نکته را به صورت تلویحی در خود دارد که در بین افراد و گروه‌هایی که شبکه اجتماعی متنوع تری دارند، مدارای بیشتری مشاهده می‌شود (کوت و اریکسون، ۲۰۰۹).

فرضیه ۴: بین جزم اندیشی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان داد که بین جزم اندیشی و مدارای اجتماعی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با افزایش جزم اندیشی در افراد مدارای اجتماعی کاهش می‌یابد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون بیانگر آن بود که متغیر جزم اندیشی با ضریب تاثیر (-۰/۳۰) بیشترین تاثیر را بر مدارای اجتماعی دارد. مقتدایی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین جزم اندیشی و مدارا رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بدین معنا که هر چه فرد در جزم اندیشی نمره بالاتری کسب کند، مدارای اجتماعی کمتری خواهد داشت. اقتدارگرایی و جزم اندیشی بر بردباری عام (سیاسی - اجتماعی) اثر منفی دارد. از نظر هینکلی که با یک دید کلان بر موضوع می‌نگرد، جزم اندیشی مهمترین ویژگی شخصیتی است که در صورت اشاعه آن مانع از فرایند شکل گیری مدارای سیاسی به واسطه درگیری مستقیم شهروندان در سیاست دموکراتیک

می گردد. بدین معنی که، با روی کار آمدن سیاستمداران و متفکران دگماتیک (جزم اندیش)، این افراد فضای سیاسی جامعه را به گونه‌ای چارچوب بندی می کنند که گروه حاشیه ای، اقلیت و یا گروه‌های مورد تنفر را فاقد شایستگی لازم برای کسب حقوق دموکراتیک نشان دهند. و بدین صورت تأثیر سیاست‌های دموکراتیک را بر شکل گیری مدارا خنثی می کنند (هینکلی، ۲۰۱۰).

پافشاری بر درستی یک مطلب و داشتن تعصب و باورهای ثابت، بدون بازنگری و تجدید نظر، دگماتیسم یا جزم اندیشی است و هرچه جزم اندیشی در افراد بیشتر باشد توانایی تحمل و توافق بر سر تفاوت‌ها کمتر می شود. شخص جزم اندیش به هیچ عنوان نظرات دیگران را در مورد باورهایش قبول نمی کند و اگر هم کسی حرف او را قبول نکند به احتمال زیاد به زور و خشونت متوسل می شود که این در نقطه مقابل پذیرش، نرمی و مداراگری می باشد، به همین سبب جزم اندیشی در جهت معکوس رابطه نزدیکی با مداراگری دارد از عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی می باشد.

فرضیه ۵: بین فردگرایی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

سلسله‌های رابطه مثبت و معناداری بین فردگرایی و مدارای اجتماعی وجود

آمی

اصول مشروعی می شود که از لحاظ اجتماعی افراد را مجبور می کند شخصا مسئول اعمال خود باشند و آن‌ها را وادار می کند سبک‌های قطعی رفتار در برابر سایر اشخاص را بپذیرند. به طور مشابه، در جامعه ای که به وسیله ی اصول مدارا اداره می شود، اشخاص مجبور می شوند با قواعد عمل مواجه شوند، اما این قواعد مانع مجبور کردن سایر اشخاص برای مواجهه می شود. به طور خلاصه، فردگرایی و مدارا ارزش‌هایی هستند که می خواهند افراد را در جامعه به هم پیوند دهند، اما آن‌ها چنین کاری را با اجازه دادن به اشخاص برای داشتن آزادی نسبی از سایر قیدهای اجتماعی نیز انجام می دهند. فردگرایی و مدارا کاملا سازگار با حفظ هماهنگی در جامعه ای است که پیچیدگی و تنوع مشخصه آن می باشد

فرضیه ۶: بین عوامل جمعیت شناختی (جنسیت، سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی اقتصادی، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی) و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

رابطه جنسیت و مدارای اجتماعی

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین جنسیت و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و معناداری مدارای اجتماعی زنان و مردان تفاوت معناداری با هم دارند. مردان بیشتر از زنان از مدارای اجتماعی برخوردار هستند. نتایج تحقیقات پیشین در این زمین متفاوت است. از نظر کوتاه و اریکسون (۲۰۰۹) میزان مدارا حقیقتا در مردان و زنان متفاوت نیست.

تحقیقات ترکرانی (۱۳۸۹) و گلابی و رضایی (۱۳۹۲) نشان داده اند که جنسیت فرد بر مدارای اجتماعی تاثیر داشته و میزان مدارای اجتماعی در بین مردان بیش از زنان بوده است. از طرف دیگر آقابخشی و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیده‌اند که مدارای اجتماعی در بین زنان بیشتر از مردان است و آن را ناشی از ویژگیهای مردسالارانه، تساهل و تابعیت زنان دانسته‌اند. و رکوتن و اسلوتر نیز نشان داده است که زنان در مقایسه با مردان میزان مدارای پایین تری دارند. آنها دریافتند که زنان کمتر به شیوه‌هایی که به زیان زنان است مدارا می کنند ولی مردان نسبت به زنان به مراتب تعصب بیشتری نسبت به همجنس‌های خود دارند و بیشتر با آنها مدارا می کنند. (ورکوتن و اسلوتر، ۲۰۰۷). ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۱) نیز در تحقیق خود نشان دادند که به لحاظ میزان مدارای اجتماعی بین دو گروه مرد و زن تفاوتی وجود ندارد و جنسیت بر مدارای اجتماعی تاثیرگذار نیست. نتایج حاصل از تحقیقات نظرات مختلفی در ارتباط با تاثیر جنسیت بر مدارای اجتماعی دارند ولی پژوهش حاضر نشان می دهد که مدارای اجتماعی در مردان بیشتر از زنان می باشد.

رابطه سن و مدارای اجتماعی

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین سن و مدارای اجتماعی وجود دارد و با افزایش سن مدارای اجتماعی افراد کمتر می‌شود. البته ضریب همبستگی این رابطه بسیار کوچک است و حکایت از رابطه بسیار ضعیف دارد. نتایج تحقیقات پیشین در ارتباط با سن و تأثیر آن بر مدارای اجتماعی متفاوت است. برخی به عدم وجود رابطه اشاره دارند مانند شریفی (۱۳۹۲) و مقتدایی (۱۳۸۹) که در پژوهش خود رابطه معناداری بین سن و مدارای اجتماعی به دست نیاموردند. پژوهش آقابخشی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بین سن و مدارای اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که با افزایش سن افراد تحمل اجتماعی نیز در بین آنها افزایش می‌یابد و در استدلال آن چنین بیان می‌کنند؛ افراد در سنین بالاتر درک بیشتری از تفاوتها نسبت به دوران جوانی دارند. و این امر را به تجارب اجتماعی بیشتر، کثرت و ناهمگونی بیشتر روابط و محافظه‌کاری بیشتر افراد در سنین بالاتر نسبت داده‌اند.

پژوهش حاضر همسو با یافته‌های پژوهش ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۲) می‌باشد که بر وجود رابطه منفی بین سن و مدارای اجتماعی تأکید دارند. جوانی اغلب با مدارا در ارتباط است (کاتلر و کافمن، ۱۹۷۵) زیرا دیدگاه افراد جوان تر از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار است. محققین همچنین به وجود یک اثر گروهی اشاره دارند (کوت و اریکسون، ۲۰۰۹) شاید به این دلیل که هر چه افراد جوان تر باشند، در طول سال‌های شکل‌گیری هویتشان در اجتماعات متنوع تر و مدارامحورتری عضویت دارند. شاید یکی دیگر از دلایل بالا بودن سطح مدارا در جوان ترها این باشد که سطح تحصیلات عالی آنها بالاتر است، در مناطق شهری زندگی می‌کنند، و اغلب خودشان نیز اقلیت فرض می‌شوند، در نتیجه مدارای بیشتری نسبت به دیگران نشان می‌دهند.

رابطه تحصیلات و مدارای اجتماعی

با توجه به نتایج پژوهش حاضر رابطه مثبت و معناداری بین تحصیلات و مدارای اجتماعی وجود دارد. با افزایش سطح تحصیلات مدارای اجتماعی افراد بیشتر می‌شود. پژوهش آقابخشی و همکاران (۱۳۹۰) و افراسیابی (۱۳۹۰) نیز نشان داد که بین میزان مدارای اجتماعی و تحصیلات رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. این نتیجه با دیدگاه وگت و نظریه یادگیری منطبق است. وگت معتقد است افراد دارای تحصیلات عالی، مدارای بیشتری دارند و برعکس، افرادی که تحصیلات رسمی کمتری دارند، در زمینه‌های متعدد، مدارای کمتری از خود نشان می‌دهند. او معتقد است بین تحصیلات عالی با تمایل به مدارای اجتماعی و بین تحصیلات کم و مدارا نکردن در بین افراد ارتباط وجود دارد. فرضیه یادگیری نیز مدارا را امری آموختنی می‌داند. مردم در این رویکرد به این دلیل مداراگر می‌شوند که در مورد دیگران متفاوت و گروه‌های مختلف، بیشتر آموخته‌اند (کوت و اریکسون، ۲۰۰۹). افرادی با سطح تحصیلات بالاتر توجه بیشتری به اخبار نشان

می دهند و موضع فعالانه تری درمقابل سیاست اتخاذ می کنند. آن‌ها سال‌ها پس از اتمام تحصیل در مدرسه، به فراگیری مسائل اجتماعی از قبیل مدارا ادامه می دهند. در نخستین مطالعات صورت گرفته در زمینه مدارا به ارتباط مثبت مدارا با تحصیلات پی برده اند. افرادی با تحصیلات بالاتر به طور کلی اعتقاد بیشتری به آزادی‌های مدنی و مدارا دارند و در مواجهه با گروه‌های مورد انزجارشان، کمتر از افرادی با سطح تحصیلی پایین تر از اصول مبتنی بر مدارای خود عقب می نشینند (کوزنکمپ، ۲۰۱۱ نقل ازون دورن، ۲۰۱۲) به طور کلی آموزش و تحصیل منجر به افزایش مدارا و کاهش تعصبات و کلیشه انگاری دربارله گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی می گردند. علاوه بر تاثیر مثبت سطح تحصیلات فرد، با افزایش سال‌های تحصیل فرد، طبقات اجتماعی او نیز بالاتر می رود و افرادی با طبقه اجتماعی بالاتر دارای مدارای دینی و نژادی بیشتری نسبت به افرادی از طبقات اجتماعی پایین تر هستند.

به طور کلی، در مورد فرایند تاثیر تحصیلات بر مدارا دو دیدگاه جود دارد: از یک طرف، زلمان و سیرز (۱۹۷۱) معتقدند که تاثیر تحصیلات بر مدارا به واسطه عزت نفس واگرا صورت می پذیرد. منظور وی از عزت نفس واگرا، توانایی فرد برای خواندن رمان و داشتن تفکرات غیر عادی است. از طرف دیگر، کلاک و دیگران بلوغ شناختی را عامل واسط بین تحصیلات و مدارا می دانند. به اعتقاد آنان بلوغ شناختی عبارت است از علایق فکری، پذیرش عقاید جدید، خطرپذیری و نداشتن تفکرات تبعیض آمیز نسبت به سایر نژادها و قومیت‌ها است. از دیدگاه آنان بلوغ شناختی با بالا رفتن سالهای تحصیل، افزایش می یابد و بدین طریق همراه با آن میزان مدارا افزایش می یابد (بوبو و لیکاری، ۱۹۸۹).

رابطه پایگاه اجتماعی اقتصادی و مدارای اجتماعی

نتایج نشان داد که بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد و مدارای اجتماعی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به این معنی که افراد در پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر مدارای اجتماعی بیشتری از خود نشان می دهند. این نتیجه با نظر دمونتبريال منطبق است، وی معتقد است؛ زمانی که افراد در شرایط دشوار و بی ثبات اقتصادی به سر می برند، هیچگاه امکان مدارا نم یابند. همچنین ویلکینسون بر این نظر است که هر چه فاصله طبقاتی بیشتر شود، مدارای اجتماعی نیز کاهش مییابد.

ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۲) نیز به این نتیجه رسیدند که بین سطح درآمد و مدارای اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. به این معنی که درآمد بیشتر و وضع اقتصادی مناسبتر، با مدارای اجتماعی بیشتری همراه است. آقابخشی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود عنوان کردند که بیشترین میزان مدارای اجتماعی در میان پزشکان و محصلان و کارمندان و کمترین مدارای اجتماعی در میان کشاورزان، دانشجویان و کارگران است. در تفسیر چرایی این نتیجه نیز به رتبه منزلت شغلی که از شاخص‌های اعتبار اجتماعی نظریه

قشربندی و بر است اشاره کرده اند. به این معنی که میزان بالاتر اعتبار اجتماعی و البته ثروت آستانه تحمل اجتماعی بالاتری را به ارمغان می آورد.

رابطه وضعیت تأهل و مدارای اجتماعی

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش رابطه معناداری بین وضعیت تأهل و مدارای اجتماعی وجود دارد و افراد مجرد مدارای اجتماعی بیشتری نسبت به افراد متأهل نشان می دهند. یافته‌های پژوهش مقتدایی (۱۳۸۹)، ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۲) و آقابخشی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که افراد متأهل مدارای اجتماعی بیشتری دارند. نتایج پژوهش شریفی (۱۳۹۲) نشان داد مدارای اجتماعی افراد مجرد در مقایسه با افراد متأهل بیشتر است. بنابراین نتایج پژوهش‌ها در ارتباط با تأثیر وضعیت تأهل بر مدارای اجتماعی متفاوت است. از یک سو ازدواج به معنای پذیرش یک تفاوت همچنین پذیرش مسئولیت و تعهد نقشی، حاصل آن می تواند در افزایش سطح تحمل و مدارای اجتماعی مؤثر باشد. از طرف دیگر افراد پس از ازدواج در موقعیت جدید نقشی قرار می گیرند که رفتارهای جدیدی را ایجاب می کند که این مسئله خود ممکن است زمینه‌های عدم مدارا را ایجاد کند. در شهر تهران بیشتر ازدواج‌ها غیر فامیلی انجام می شود و در بیشتر ازدواج‌ها ناهمگونی اجتماعی دیده می شود و در نتیجه احتمال عدم مداراگری در افراد متأهل بیشتر دیده می شود.

رابطه وضعیت شغلی و مدارای اجتماعی

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین وضعیت شغلی با مدارای اجتماعی وجود دارد و افراد شاغل بیشتر از افراد غیر شاغل دارای مدارای اجتماعی هستند. نتایج پژوهش شریفی (۱۳۹۲) نیز حاکی از آن بود که افراد شاغل تقریباً نسبت به کسانی که بیکار هستند از مدارای بیشتری برخوردار می باشند هر چه درآمد افراد بیشتر باشد مدارای اجتماعی آنها بیشتر است. داشتن شغل و هویت شغلی، در اجتماع بودن و عضویت در گروه‌های شغلی باعث ارتباط بیشتر افراد با دیگران می شود و همین شبکه ارتباطی ایجاب می کند با نظرات و عقاید متفاوت بیشتری برخورد نمایند و مداراگری آنها را نسبت به دیگران افزایش می دهد.

نتیجه گیری

یکی از اصطلاحات مهمی که در سا لهای اخیر وارد ادبیات اجتماعی ایران شده مفهوم مدارا یا مفاهیم مترادف آن همچون تساهل و تسامح است. تا جاییکه در کنار سوژه‌هایی چون آزادی بیان، جامعه مدنی و حقوق بشر مورد پذیرش قرار گرفته است. اگرچه مدارا را یکی از ارمغانهای روشنگری به حساب می آورند، اما عموماً مدارا پدیده ای متأخر است که عملاً به مدرنیته گره خورده است. در دوران زندگی سنتی در قالب

خانواده گسترده و زندگی محله محور، علاوه بر سادگی روابط اقتصادی و اجتماعی ارزش‌های اخلاقی نیز حاکم بود و با ورود ریش سفیدان و گیس سفیدان برای حل مشکلات به صبوری و مدارای کمتری نیاز بود. متاسفانه در حال حاضر زائل شدن حق افراد در جامعه مدرن و شهری که در لفافه ای از قوانین و دیوان سالاری پیچیده شده ما را درهاله ای از تردید و ابهام قرار داده است بنابر این مدارا برای زندگی در چنین شرایطی الزامی است.

مدارای اجتماعی مفهوم بنیادینی در حوزه تعاملات اجتماعی بشمار می آید و چنانکه برخی متفکرین تأکید کرده اند، تعاملات سازنده و مثبت، شالوده فرایندهای اجتماعی است که در صورت نبود آن، جامعه با مشکلات اساسی روبرو خواهد شد و افراد، تنها راه مقابله با تفاوتها را خشونت خواهند دانست. به همین دلیل بررسی مدارای اجتماعی در شهر تهران که اکثر قومیت‌های کشور با مذاهب و سلیقه‌های متفاوت در آن سکونت دارند، می تواند خصلتی از خلیات ایرانیان را نشان دهد. خلیات خصلت نظام اجتماعی است که می توان آن را بخشی از رفتارهای نهادینه شده در جامعه دانست. کتاب‌های زیادی در ارتباط با خلیات ایرانیان نوشته شده است اما هنوز هم به رغم کتاب‌های عامه پسند و تحلیل‌های متعدد، تبیین نسبتا جامعی از وضعیت اخلاق اجتماعی ایرانیان و نیز عوامل مؤثر بر آن وجود ندارد. شواهد نشان می دهد وضعیت امروز جامعه ایران را بیشتر نظریات تبیین می کنند تا داده‌ها، چون اصولا داده‌های دقیق از رفتار مردم بسیار اندک است. داده‌های حاصل از پیمایش‌ها نشان دهنده پذیرش تقریبا همگانی ارزش‌های اخلاقی در جامعه توسط پاسخگویان و عدم مراعات آنها توسط سایر مردم از دید پاسخگویان است. لذا در پژوهش حاضر با جمع آوری داده‌های پژوهشی به بررسی مدارای اجتماعی جامعه ایرانی به عنوان یکی از خلیات ایرانیان پرداخته شد.

داده‌های پژوهش نشان داد که مدارای اجتماعی جامعه ایران در سطح متوسط رو به بالا قرار دارد و وضعیت مداری اجتماعی افراد در جامعه تقریباً مطلوب به نظر می رسد. همچنین مدارای سیاسی، مدارای اخلاقی رفتاری و مدارای اجتماعی عمومی نیز در سطح متوسط قرار دارد. عواملی همچون دینداری افراد، سطح مشارکت اجتماعی آنها، اعتماد اجتماعی افراد در جامعه، فردگرایی و جزم اندیشی می توانند مدارای اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند. هرچه سطح باورهای دینی و اعتقادات دینی افراد بالاتر رود مداراگری آنها بیشتر می شود ولی صرف انجام مناسک دینی بدون اعتقادات راسخ و پایبندی به آنها نمی تواند کمکی به مداراگری افراد نماید. ارتباط با گروه‌ها و افراد متفاوت و برخورداری از شبکه اجتماعی متنوع و مشارکت اجتماعی می تواند مدارای افراد را در جامعه افزایش دهد. همچنین اعتماد بین فردی افراد و اعتماد به نظام، دولت و سیاست‌های آن تأثیر بسزایی بر مدارای اجتماعی در سطح جامعه دارد. توانایی تحمل و توافق بر سر تفاوت‌ها در جامعه مدرن اهمیت بسیاری دارد. جزم اندیشی و تفکرات دگماتیسم از خلیات منفی است که می تواند تأثیر منفی بر مدارای اجتماعی افراد در سطح جامعه داشته باشد. از طرف دیگر جامعه ایران به عنوان جامعه ای فردگرا شناخته شده، ولی این فردگرایی اگر منجر به پذیرش مسئولیت فردی در قبال خود

و جامعه باشد می تواند به افزایش مدارای اجتماعی افراد کمک کند. در چنین جامعه ای افراد با داشتن آزادی عمل به دیگران و آزادی آنها نیز احترام می گذارند و با تفاوتها و پیچیدگیهای اجتماعی مدارا می کنند. بنابراین مداراگری افراد که نشان از خلیقات آنها دارد در جامعه ایران و در شهر تهران وضعیت نسبتاً خوبی دارد و جامعه ای که مدارا پیشه کند روح تعاون، نقادی و مسئولیت رشد می کند و امکان تحول و دگرگونی را با توجه به نیازهای جامعه در خود می پروراند. ولی برای گسترش بیشتر فرهنگ مدارا و افزایش مداراگری جامعه ایرانی ایجاد تغییر از سطوح بالای مدیریتی ضرورت دارد. ابتدا باید تصمیم گیران، متولیان و مدیران در رفتار، کردار، سخن و اعمال خود مدارا داشته باشند تا اثرات آن به سطوح پایین منتقل شود تا سلامت روانی-اجتماعی بیشتر شود و جرایم و آسیبها کاهش یابند. با توجه به آنکه جامعه ایرانی جامعه ای در حال تغییر است، تصمیم رفتارهای مشاهده شده در یک زمان یا در میان بخشی از مردم به خلیقات ایرانیان باید طی پژوهشهای مکرر در دورههای مختلف صورت گیرد تا با اطمینان بیشتر خلیقات ایرانیان و وضعیت واقعی اخلاق اجتماعی در جامعه ایران را مشخص کرد. کلام آخر آنکه جمع حقیقت و مدارا دشوار است. آنکه خود را برحق می داند، دشوارش می آید با دگرانیشان مدارا کند. حال اینکه هنر در جمع این دو است که هم آدمی دغدغه حقیقت را داشته باشد و هم مدارا پیشه سازد

پیشنهادهات و راهکارها جهت افزایش مدارای اجتماعی

- زندگی اجتماعی مستلزم مجموعه ای از مهارتهاست. مدارای اجتماعی یکی از مهارت‌های زندگی اجتماعی می باشد و آموزش تأثیر بسزایی بر افزایش مدارای اجتماعی دارد. مدارای اجتماعی با بخشنامه، نهادینه نمی شود بلکه آموزشهای مربوط به آن باید از دوران کودکی نهادینه شود. بنابراین پیشنهاد می شود مهارت‌های مدارا کردن و به رسمیت شناختن دیگران متفاوت بیشتر مورد توجه مسئولان آموزشی به خصوص سازمان آموزش و پرورش قرار گیرد و مواد آموزشی را در جهت بالابردن مدارای اجتماعی، تحمل عقاید مخالف و گفتگو در انجام کارها در کتب درسی بگنجانند

- با توجه به نقش متغیرهای زمینه ای مانند سن و تحصیلات در مدارای اجتماعی به نظر می رسد مؤثرترین راهکار در ارتقای سطح عمومی مدارای اجتماعی فرهنگ سازی و آموزش از همان دوران اولیه اجتماعی شدن در خانواده و سپس مدرسه باشد. در این خصوص نهاد خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌ها می توانند نقش بسزایی در تعلیم و تربیت، آموزش و همچنین تولید برنامه‌های مناسب کودکان داشته باشند.

- با توجه به اینکه جامعه ایران یک جامعه دینی است، افراد از همان سال‌های نخستین به طور رسمی و غیررسمی در معرض آموزش‌های دینی قرار می گیرند و با اصول اعتقادات مذهبی آشنا می شوند. از طرف دیگر اسلام نه تنها فرد را در مقابل خداوند مسئول و متعهد می داند بلکه او را در مقابل جامعه نیز مسئول می داند. از نگاه دینی، فرد موظف است که نسبت به سرنوشت خود حساس باشد، در صحنه اجتماعی فعال

باشد و از انحرافات دوری کند. بنابراین در کنار آموزه‌های دینی مبتنی بر مناسک دینی، اهتمام در آموزش ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی دین و جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی آنها از کودکی از طریق آموزش در خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه ملی و همچنین توسط مبلغین دینی توصیه می‌شود.

- با توجه به نقش اعتماد اجتماعی در افزایش سطح مدارای اجتماعی جامعه، ایجاد راه‌هایی برای بالا بردن اعتماد اجتماعی پیشنهاد می‌گردد. اقداماتی نظیر گسترش فضاهای عمومی، اماکن فرهنگی و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی جهت افزایش تعاملات شهروندان با یکدیگر و حضور بیشتر جوانان در عرصه‌های مشارکت و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی می‌تواند اعتماد بین فردی را افزایش دهد. همچنین برنامه‌ریزی‌های موثر در جهت فرهنگ‌سازی، آموزش و افزایش اعتماد در سطح جامعه به خصوص ساختن برنامه‌هایی در این زمینه برای کودکان می‌تواند تأثیر مثبتی بر مدارای اجتماعی داشته باشد.

- با توجه به نقش وضعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی اقتصادی در سطح مدارای اجتماعی جامعه ضروری به نظر می‌رسد که مسئولان با ایجاد تدابیر لازم در جهت رفع مشکلات اقتصادی و کاستن از بی‌ثباتی‌های آن، از دغدغه‌های فکری و اضطراب‌های روحی افراد کاسته و موجبات مداراگری آنها را فراهم سازند.

- با توجه به آنکه وضعیت اشتغال بر مدارای اجتماعی افراد اثر می‌گذارد و افراد فاقد شغل سطح مدارای اجتماعی پایین‌تری دارند، ضروری به نظر می‌رسد که همه‌مسئولان ذیربط با اجرای تدابیر لازم برای رفع مشکلات بیکاری و ایجاد شغل مناسب افراد به خصوص جوانان گام مؤثری بردارند.

با توجه به آنکه مدارای اجتماعی در افراد متأهل نسبت به افراد مجرد سطح پایین‌تر را نشان داد، به نظر می‌رسد وضعیت ازدواج، زندگی خانوادگی و زناشویی در جامعه ایران باید بیشتر مورد بررسی و توجه مسئولان قرار گیرد و مداخلات لازم جهت بهبود وضعیت نهاد خانواده توسط کلیه سازمان‌های مربوطه و دست‌اندرکاران صورت گیرد تا با ایجاد شرایط رضایتبخش خانوادگی سطح مداراگری افراد افزایش یابد.

با توجه به تأثیرگذاری رسانه ملی در زندگی فردی و اجتماعی افراد لازم است برنامه‌سازی‌های مؤثری به خصوص در زمینه فیلم، سریال و مستند با هدف معرفی فرهنگ اقوام ایرانی به یکدیگر و برقراری تعاملات بیشتر میان افراد در دستور کار قرار گیرد تا با آموزش و آگاه‌سازی افراد جزم‌اندیشی آنها نسبت به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره کمتر شود و سطح مداراگری آنها افزایش یابد. همچنین ترویج فرهنگ گفتگو و تعامل سازنده با دیگران در حل تعارضات بین افراد و گروه‌ها از طریق برنامه‌های نمایشی و گفتگو محور در کاهش تنش‌ها در روابط اجتماعی موثر خواهد بود.

- گسترش فضاهای عمومی، اماکن فرهنگی، ورزشی با برگزاری برنامه‌هایی جهت افزایش تعاملات شهروندان با یکدیگر و نیز با دیگر اقوام و خرده فرهنگ‌ها می‌تواند در تعدیل جزم‌اندیشی شهروندان مؤثر باشد و به افزایش سطح مدارای اجتماعی آنان منجر شود. در این زمینه نقش نهادهای فرهنگی و شهرداری پررنگ به نظر می‌رسد.

- افزایش جاذبه‌های گردشگری و تبلیغ مناسب در رسانه و در دیگر مناطق کشور برای جذب گردشگران موجب افزایش تحرک فیزیکی و ورود گردشگران به شهر می‌شود و همین امر افزایش سطح ناهمگونی فرهنگی حاکم بر شهر، افزایش تدریجی اعتماد اجتماعی و تعدیل جزم اندیشی را در پی خواهد داشت.

- به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران جامعه می‌توانند با تقویت پیوندها و ارزش‌ها میان گروه‌های متفاوت جامعه و جذب طردشدگان اجتماعی، میزان پایبندی آنها را به ارزش‌ها و هنجارها بیشتر کرده و مدارای اجتماعی را در این گروه‌ها افزایش دهند.

منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۵). مدارا و موانع اجتماعی تحقق آن در ایران. مجله شهروند امروز.
- آلپورت، گوردون (۱۳۷۹). دین و تعصب، ترجمه نازنین شاه رکنی، کیان، شماره ۵۲، ص ۶۵-۵۹.
- آقابخشی، حبیب الله؛ کامران، فریدون؛ نصیرپورسردهایی، مجید. (۱۳۹۰). "شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب". فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره ۱۰: ۱۷-۳۴.
- اکو، اومبرتو. (۱۳۷۸). تعاریف بی مدارایی، در تسامح از دیروز تا امروز، ترجمه مازیار مهمیمنی و محمدرضا شیخ محمدی، تهران: نشر ثالث، ص ۱۹-۱۱.
- انتصاری، اعظم (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی سالمندان شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- اینگلههارت، رونالد (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). عقل در سیاست؛ سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه شناسی و توسعه سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). جامعه شناسی سیاسی، نشر نی: تهران.
- بهمن پور، ثریا (۱۳۸۷). بردباری اجتماعی و نشانگان فرهنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی. دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی.
- بهشتی، صمد و رستگار، یاسر (۱۳۹۲). تبیین جامعه شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران. سال چهارم، شماره ۲: ۷-۳۵.
- بیاتی، پروانه، اسماعیل جهانبخش، شاپور بهیان (۱۳۹۷). تبیین جامعه شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی شهروندان شهر تهران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره دوم. ۱۷-۳۹
- ترکارانی، مجتبی (۱۳۸۸). بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان. فصلنامه جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۳. ۶۵ ص.
- جهانگیری، جهانگیر و افراسیابی، حسین (۱۳۹۰). مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست‌ودوم، شماره ۴۳: ۱۵۳-۱۷۵.
- چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۳). تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی. مجله جامعه شناسی ایران. شماره ۱۸: ۳-۳۱.
- دمونتیرال، تیری (۱۳۷۸). تسامح در مناسبات بین المللی، در تسامح از دیروز تا امروز، ترجمه مازیار مهمیمنی و محمدرضا شیخ محمدی، تهران: نشر ثالث، ص ۱۱۸-۱۱۱

- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، بابل، انتشارات کتابسرای بابل.
- زالی زاده، مسعود (۱۳۹۴). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران). پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
- سادا ژاندرون، ژولی (۱۳۸۲). تساهل (در تاریخ اندیشه‌ی غرب)، ترجمه‌ی عباس باقری، تهران: نشر نی
- سراج زاده، سیدحسین، پویافر، محمدرضا (۱۳۹۱). مطالعه عرفی شدن در میان ایرانیان مسلمان؛ مقایسه بین نسلی در تهران بزرگ. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره چهارم، پاییز، ۶۵-۸۸.
- شارع پور، محمود؛ آزادارمکی، تقی؛ عسکری، علی (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱: ۶۴-۹۸.
- شارع پور، محمود و عسگری، علی (۱۳۸۸). گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸: ۱-۳۴.
- صابر، سیروس؛ سراج‌زاده، سیدحسن؛ شریعتی‌مزینانی، سارا (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی. دو فصلنامه (علوم انسانی)، سال اول، شماره ۴: ۱۰۹-۱۴۲
- فاین، بن (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم، ترجمه محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قدیمی، مهدی (۱۳۸۶) بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان. پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۵۳ (ویژه نامه جامعه شناسی)؛ ص ۳۵۶ - ۳۲۵.
- قراملکی، محمد حسن (۱۳۸۷). مدارا و خشونت در سیره نبوی. مجموعه مقالات خرد جاودان. اصفهان: دانشگاه اصفهان: ۱۷۳-۲۱۵.
- گلابی، فاطمه و رضایی، اکبر (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۱: ۶۱-۸۶.
- لاک، جان (۱۳۹۵). نامه ای در باب تساهل، ترجمه کریم شیرزاد گلشاهی، تهران، نشر نی.
- مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز
- مختاری، محمد، (۱۳۷۷). تمرین مدارا، انتشارات ویستار.
- نصر اصفهانی، علی و همکاران (۱۳۹۱). بررسی تحمل و مدارا در رهبری سازمان با تکیه بر دیدگاه نهج البلاغه. دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۲، ۱۲۰-۱۱۳.

- نوروزی، فیض الله و بختیاری، مهناز (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، ص ۲۴۹-۲۶۹
- والزر، مایکل (۱۳۸۳). در باب مدارا، ترجمه صالح نجفی، تهران. انتشارات شیرازه.
- وبر، ماکس (۱۳۸۲). دین، قدرت و جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات هرمس.
- ویلیامز، برنارد (۱۳۷۳) فضیلتی دست و پاگیر، ترجمه پیام بیراوند، سال بیست و سوم، شماره ۲۶۵.
- یزدان پناه، لیلا (۱۳۸۶) موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهران. تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۲۶. ص ۱۰۶-۱۲۸.

منابع انگلیسی

- Abbarno, A. J. (۲۰۱۳). The Behavioral Consequence of Political Tolerance. University of Pittsburgh.
- Balint, Peter (۲۰۱۴), "Acts of tolerance: A political and descriptive account, European", Journal of Political Theory, Vol ۱۳, No ۳, pp: ۲۶۴-۲۸۱.

- Dixon, J. C., & Rosenbaum, M. S. (۲۰۰۴). Nice to know you? Testing contact, cultural and group threat theories of anti-Black and anti-Hispanic stereotypes. *Social Science Quarterly*, ۸۵, ۲۵۷-۲۸۰.
- Duckitt J and Sibley CG (۲۰۱۰) Personality, ideology, prejudice, and politics: A dual-process motivational model. *Journal of Personality and Social Psychology* ۷۸(۶): ۱۸۶۱-۹۳.
- Galeotti, A. E. (۲۰۰۱). Do We Need Toleration as as a Moral Virtue. *Res Publica*, No. ۷, P ۲۷۳-۲۹۲.
- Gibson, James, L. (۲۰۰۶). Enigmas of Intolerance: Fifty Years after Stouffers Communism, Conformity, and Civil Liberties. *Perspective on Politics*, ۴ (۱): ۲۱-۳۴.
- Gibson, J. L. (۲۰۰۶). Do Strong Group Identities Fuel Intolerance? Evidence from the South African Case. *Political Psychology*, ۲۷(۵), ۶۶۵-۷۰۵.
- Gibson JL and Gouws A (۲۰۰۲) Overcoming Intolerance in South-Africa. New York: Cambridge University Press.
- Glock, C. Y., & Stark, R. (۱۹۶۵). Religion and Society in Tension Chicago: Rand McNally
- Golebiowska, Ewa (۲۰۰۹) Ethnic and Religious Tolerance in Poland, East European *Politics and Societies* ۲۰۰۹ ۲۳: ۳۷۱, Volume ۲۳
- Hazama, Y. (۲۰۱۱). Determinants of political tolerance: A literature review. Institute of developing economies discussion paper, ۲۲۸, March. . Accessed September ۱۲, ۲۰۱۴.
- Hinckley, Robert A. (۲۰۱۰). Personality and Political Tolerance: The Limits of Democratic Learning in Postcommunist Europe. *Comparative Political Studies* ۴۳(۲):۱۸۸-۲۰۷
- Karaman Kepenekçi & Ahmet Aypay (۲۰۰۹): Teachers' perceptions of tolerance in teacher-administrator relationships in Turkey, *International Journal of Leadership in Education: Theory and Practice*, ۱۲(۱). ۵۱-۷۱
- Kobayashi, Tetsuro.(۲۰۱۰). Bridging Social Capital in Online Communities: Heterogeneity and Social Tolerance of Online Game Players in Japan. *Human Communication Research*. ۵۴۶-۵۶۹.

- Lee, F. L. F. (۲۰۱۳). "Tolerated One Way but Not the Other": Levels and Determinants of Social and Political Tolerance in Hong Kong. *Social Indicators Research*.
- McKinnon, C & Castiglione, D.(۲۰۰۳) ,Introduction: reasonable tolerance, In: *The Culture of Toleration in Diverse Societies* ,McKinnon c. and Castiglione, D.(ed.) UK: Manchester University Press.
- Mendus, Susan. Edwards, David (۱۹۸۷), *On Toleration*, Clarendon Press.
- Munawar Ismail, Ahmad. (۲۰۱۲). "Aqidah as a Basis of Social Tolerance: The Malaysian Experience", *International Journal of Islamic Thought* Vol.۱
- Nizah, Mohd & Azmir, Mohd (۲۰۱۵). *Political Tolerance in Multi Ethnic Society: An Early Findings in Johor Bahru Parliamentary, Malaysia*. Department of Government and Civilization Studies, Faculty of Human Ecology, Universiti Putra Malaysia.
- Oberdiek H (۲۰۰۱) *Tolerance: Between Forbearance and Acceptance*. Lanham, CO: Rowman and Littlefield.
- Perrin, A. J. (۲۰۰۵). Political microcultures: Linking civic life and democratic discourse. *Social Forces*, ۸۴(۲), ۱۰۴۹-۱۰۸۲.
- Putnam, R. (۲۰۰۰), *The dark side of social capital*, In R. Putnam (Ed.), *Bowling alone*. New York: Simon & Schuster.
- Phelps, E W. (۲۰۰۴) "White Students 'Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism ," *Dissertation* .Department of Sociology, New York University, Dissertation, Department of Sociology, New York: University
- Persell, Caroline Hodges& Green, Adam & Gurevich, L. (۲۰۰۱), *Civil Society, Economic Distress, and Social Tolerance* ,*Sociological Forum*, Vol.۱۶, No.۲: ۲۰۳-۲۳۰
- Quintelier, Ellen & Dejaeghere, Yves (۲۰۰۸). *Does European Citizenship Increase Tolerance in Young People? European Union Politics*. Los Angeles, London, New Delhi and Singapore Volume ۹ (۳): ۳۳۹-۳۶۲.
- Rokeach M (۱۹۵۴). *The nature and meaning of dogmatism*. *Psychol Rev*, ۶۱(۳): ۱۹۴-۲۰۴
- Sandu, Dumitru (۲۰۰۲) ؛EUROPEAN DIFFERENTIATIONS OF SOCIAL TOLERANCE: April, <http://www.sociologieromaneasca.ro/eng/aece-pdf/sr-rs.aeee>.

- Schatz, S. & C. Mona (۲۰۰۴). Social Tolerance and Social Civility: Key Elements for Transitioning Democratic Countries. *Journal of Comparative Social Welfare*, ۱۶: ۲۳-۳۱
- Spierings, N. (۲۰۱۴). The Influence of Islamic Orientations on Democratic Support and Tolerance in five Arab Countries. *Politics and Religion*, ۱-۲۸.
- Skeete, Bangwayo & Zikhali, Precious (۲۰۱۶). Social tolerance for human diversity in Sub-Saharan Africa. *Social tolerance for human diversity in Sub-Saharan Africa*", *International Journal of Social Economics*, Vol. ۳۸ Iss ۶ pp. ۵۱۶ – ۵۳۶.
- Thompson, Denise (۲۰۰۲). Power and distance: Tolerance and its limitations, from: www.scr.unsw.edu.au/seminars/tolerance, pdf.
- Triandis, Harry C. (۲۰۰۱). Individualism- Collectivism and Personality. *Journal of Personality*, ۶۹:۶.
- UNESCO. (۱۹۸۵). Declaration Of Principles On Tolerance. *UNESCO General Conference*. Retrieved from http://www.unesco.org/webworld/peace_library/UNESCO/HRIGHTS/۱۲۴۱۲۹.HTM
- Verkuyten M and Sloomer L (۲۰۰۷) Tolerance of Muslim beliefs and practices: Age related differences and context effects. *International Journal of Behavioral Development* ۳۱(۵): ۴۶۷-۷۷.
- van Doorn, Marjoka, (۲۰۱۲), 'Tolerance', *Sociopedia.isa*, VU University Amsterdam, The Netherlands.
- Verkuyten M and Sloomer L (۲۰۰۷) Tolerance of Muslim beliefs and practices: Age related differences and context effects. *International Journal of Behavioral Development* ۳۱(۵): ۴۶۷-۷۷
- Vermeer, T., (۲۰۱۲). The Influence of religion on social tolerance in East- and West-Europe: A multi-level analysis, Master Thesis, Tilburg University
- Vogt, Paul (۲۰۰۲) Social Tolerance and Education, *Review of education, Pedagogy, and Cultural Studies*: London: Sage.
- Witenberg, R. T. (۲۰۰۷) "The Moral Dimension of Children's and Adolescents' Conceptualisation of Tolerance to Human Diversity". *Journal of Moral Education*, No. ۳۶, p ۴۳۳-۴۵۱
- Widmalm, S. (۲۰۰۵). Tolerance in India. *India Review*, ۴(۳).
- Wilkinson, R. G. (۱۹۹۶). *Unhealthy societies: The affliction of inequality*. London and New York: Routledge.

- Yorulmaz , Özlem (۲۰۱۶). RELIGIOSITY AND TOLERANCE IN MENA COUNTRIES: A MULTILEVEL ANALYSIS. European Journal of Business and Social Sciences, Vol. ۴, No. ۱۲
- <http://www.salamatnews.com/news>.
- <http://www.bornanews.ir/> ۴

Abstract:

Introduction: In today's society, with the expansion of communication, people around the world need continuous and extensive interaction with one another. There are different ways to handle these interactions and differences between people; one of these ways is tolerance. Tolerance as a social virtue enables the peaceful coexistence of individuals and groups with different perspectives. The purpose of this study is to study and measure social tolerance in society and its influencing factors.

Method: The present study is a survey method. The statistical population of the study is all citizens aged ۱۵-۷۰ years in Tehran, ۶۰۰ individuals were selected as sample group by multi-stage cluster sampling from ۲۲ districts of Tehran. A researcher-made questionnaires whose validity and reliability were confirmed in the researchs was used for data collection. Including Demographic Information Questionnaire, Sharepour et al. (۱۳۸۸), Clark and Stark Religious Questionnaire (۱۹۶۵), Saffari Nina & Sharif Social Confidence (۱۳۸۹), Entesari Social Participation (۱۳۸۷), Moghatadaee Dogmatism (۱۳۸۹) and Individualism Questionnaire - collectivism (Triandis & Gelfand, ۱۹۹۸). and inferential statistics were used to analyze the data using SPSS software. In order to data analyzing with SPSS, Descriptive and Inferential statistics methods were used.

Results: The results of the research showed that the level of social tolerance of the citizens of Tehran is moderate. Also, social tolerance, political tolerance, and ethical behavioral tolerance are moderately upward. There was a positive and significant relationship between social tolerance with social participation, social confidence and individualism, and a negative and significant relationship was found between social tolerance with age, religiosity and dogmatism. Ideological and Experimental dimensions of religiosity showed a positive and significant relationship, and consequential and ritual dimensions showed a negative and significant relationship with social tolerance. Also, social tolerance was higher among men than women. Employed people and those with higher education were more likely to be socially tolerant. The results of regression analysis showed that dogmatic variable with impact factor (-۰,۳۰) had the most effect on social tolerance. The variables of dogmatism, religiosity, social Confidence and individualism have the most influence on social tolerance, respectively.

Conclusion: Considering the average level of social tolerance at the community level, it seems that in order to further expansion the culture of tolerance and increase social tolerance in Iranian society, it is necessary to change all levels of society, especially management levels, to avoid dogmatic thinking and creation Trust and social participation reach a more desirable level of tolerance.

Keywords: Social Tolerance, Effective Factors, Citizens of Tehran



Institute of Humanities and social studies

Final report (Title):

**Study and Measure the Social Tolerance in Society and
Its influencing factors**

Code: ۲۴۸۰

**Research group:
Social Psychology**

Principal Investigator (BY):

**Ali Akbar Solaymani
Mehrzaad Farahati**

Date: January ۲۰۲۰